



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

۲۵

پانزدهم

شیوه‌های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر
در گفتار و سیره پیامبر اعظم

احمد فلاحتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوه های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)

نویسنده:

احمد غلامعلی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۹ | شیوه های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) |
| ۹ | مشخصات کتاب |
| ۹ | اشاره |
| ۱۱ | دیباجه |
| ۱۳ | پیش گفتار |
| ۱۵ | فصل اول: مفاهیم و کلیات |
| ۱۵ | اشاره |
| ۱۵ | ۱. نظارت |
| ۱۵ | اشاره |
| ۱۵ | الف) واژه شناسی نظارت |
| ۱۷ | ب) اصطلاح شناسی «نظارت» |
| ۱۸ | ج) ضرورت نظارت |
| ۱۹ | د) اقسام نظارت |
| ۱۹ | اشاره |
| ۲۱ | یک - نظارت الهی |
| ۲۳ | دو - نظارت وجدانی |
| ۲۶ | سه - نظارت نهادی |
| ۲۷ | چهار - نظارت همگانی |
| ۲۹ | هـ) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله |
| ۳۲ | ۲. امر به معروف و نهی از منکر |
| ۳۲ | اشاره |
| ۳۲ | الف) واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر |
| ۳۵ | ب) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر |

| | |
|----|---|
| ۳۷ | (ج) امر به معروف، ضامن سلامت جامعه |
| ۴۰ | (د) پیشینه امر به معروف و نهی از منکر |
| ۴۰ | اشاره |
| ۴۳ | _ دایره حسبه - |
| ۴۶ | (ه) پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر |
| ۴۹ | (و) موانع امر به معروف و نهی از منکر |
| ۴۹ | اشاره |
| ۴۹ | یک _ ترس |
| ۵۰ | دو _ دنیا دوستی |
| ۵۱ | سه _ نادانی |
| ۵۲ | فصل دوم: روش شناسی نظارت همگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله |
| ۵۲ | اشاره |
| ۵۶ | ۱. اصول کلی |
| ۵۶ | اشاره |
| ۵۶ | اصل اول: استفاده از شیوه های درست |
| ۵۷ | اصل دوم: تبیین قلمروها |
| ۶۱ | اصل سوم: وجود ناظران دقیق |
| ۶۷ | اصل چهارم: منکرستیزی |
| ۷۰ | ۲. شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله |
| ۷۰ | اشاره |
| ۷۱ | الف) چشم پوشی در مسائل شخصی |
| ۷۳ | ب) توجه به زمینه ها |
| ۷۵ | ج) تشویق و تنبیه |
| ۷۷ | د) نکوداشت ارزش ها |
| ۷۹ | ه) آسان گیری |
| ۸۲ | و) دل سوزی و رفاقت |

| | |
|-----|---|
| ۸۴ | (ز) کناره گیری |
| ۸۷ | (ح) بی اعتنایی |
| ۸۸ | (ط) صبوری |
| ۹۱ | (ی) روی برتافتن |
| ۹۱ | اشاره |
| ۹۴ | (یا) تشویق فرد معترض |
| ۹۶ | (یب) اعتراض عمومی |
| ۹۶ | (یج) اقتدار |
| ۹۸ | (ید) قیام |
| ۱۰۰ | ۳. شیوه های گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله |
| ۱۰۰ | اشاره |
| ۱۰۱ | (الف) پند بجا |
| ۱۰۲ | (ب) پند رسا؛ تذکر مستقیم |
| ۱۰۵ | (ج) پند هنرمندانه |
| ۱۰۷ | (د) تبیین علت |
| ۱۰۸ | (ه) گفتار نرم |
| ۱۱۰ | (و) تذکر اشاره ای |
| ۱۱۱ | (ز) معرفی جای گزین |
| ۱۱۲ | (ح) یادآوری زیبایی ها |
| ۱۱۴ | (ط) مناظره |
| ۱۱۵ | ۴. رابطه شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله |
| ۱۱۸ | ۵. رابطه حکومت و نظارت همگانی |
| ۱۲۰ | فصل سوم: نظارت رسمی نهادی |
| ۱۲۰ | اشاره |
| ۱۲۰ | ۱. نظارت بر بازار |
| ۱۲۰ | اشاره |

- الف) فریب کاری بازاریان ۱۲۱
- ب) محترمان ۱۲۲
- ج) اختلال در نظام بازار ۱۲۳
۲. نظارت بر لشکر ۱۲۴
- اشاره ۱۲۴
- الف) پرداخت خسارت ۱۲۴
- ب) سخت گیری در بیت المال ۱۲۵
- ج) توجه به مصالح عمومی ۱۲۷
- د) رعایت عواطف انسانی ۱۲۷
۳. نظارت بر کارگزاران مالی ۱۲۸
- اشاره ۱۲۸
- خلاصه سخن ۱۲۹
- فصل چهارم: امر به معروف و رسانه ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- نکته پایانی ۱۳۷
- خلاصه سخن ۱۳۷
- کتاب در یک نگاه ۱۳۸
- کتاب نامه ۱۴۰
- درباره مرکز ۱۴۶

شیوه های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شیوه های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار و سیره پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) / احمد غلامعلی، تهیه شده در مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مشخصات نشر: قم: کتاب طه، ۱۳۸۸

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ص.

شابک: ۹۶۴-۹۶۸۷۳-۸-۶-۹۶۸۷۳-۸-۶-۹۶۴ ISBN: ۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۸.

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۱۳۲۲

ص: ۱

اشاره

دبیاچه

دبیاچه

از دیدگاه اسلام، سرنوشت فرد و جامعه از هم جدا نیست و صلاح و فساد هر یک، بر دیگری اثرگذار است. از این رو، همگان موظفند هم به وظایف خویش عمل کنند و هم در قبال کارها و سرنوشت دیگران خویش را مسئول بدانند. در واقع، بی توجهی و اهانت کردن مردم به ارزش های الهی، خواه ناخواه پس از مدتی در جامعه تأثیر منفی می گذارد. بنابراین، برای پاک سازی محیط اجتماعی از گناه و انحراف، بر همگان واجب است که در برابر عملکرد نادرست و آشکار دیگران به مسئولیت خویش عمل کنند.

عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بهترین نشانه اهتمام فرد به امور خلق و توجه به مسائل مهم زندگی برادران دینی است. امر به معروف و نهی از منکر، برخاسته از احساس مسئولیت آدمی در برابر ارشاد و یاری دیگران و سکوت نکردن در برابر اشتباه و گرفتاری آنها، بلکه به هدایت و مدد آنان شتافتن است. و لازمه تحقق و نهادینه شدن این فهم، چه در فرد و چه اجتماع، نفی خودخواهی است. در آیات رحمانی درباره انجام و آثار این فریضه مهم آمده است:

و از خدا و سولش اطاعت می کنند. به زودی، خدا بر آنان رحمت خویش را ارزانی می دارد،

همانا خداوند، توانا و حکیم است. (توبه: ۷۱)

امر به معروف، وظیفه ای همگانی و نوعی نظارت اجتماعی است. در متون اسلامی میان امور عبادی و کارهای شایسته که به بشر دستور داده شده، امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان عامل برپایی دین و ضامن پایایی و پویایی شریعت معرفی شده است. امام علی علیه السلام در حکمت نهج البلاغه می فرماید: «تمامی اعمال ارزشمند حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، چیزی افزون بر قطره در برابر دریایی عمیق و موج نیست».

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در سیره عملی و سخنان راهگشای کامل ترین انسان، الگویی مطمئن و شایسته برای تمام مسلمانان به دست می دهد. آنچه در پی می آید، تلاش محققانه و ارزنده پژوهشگر ارجمند جناب آقای احمد غلامعلی است که کوشیده است از جنبه های گوناگون شیوه نظارتی امر به معروف و نهی از منکر را در گفتار و سیره رسول الله صلی الله علیه و آله به تصویر بکشد و در جهت به کار بردن این سیره تکاملی، آن را فراراه برنامه ریزان و برنامه سازان رسانه ملی قرار دهند. امید است که بهره برداری مطلوب از آن صورت گیرد.

اِنَّهٗ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

احمد غلامعلی

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

«کشتی در دریا شناور است و سرنشینان، در طبقه زیرین و بالای کشتی با آسودگی خاطر نشسته‌اند، ناگهان یکی از مسافران طبقه زیرین، تبری به دست می‌گیرد و می‌گوید: می‌خواهم کشتی را سوراخ کنم. اگر مسافران سکوت کنند، بی‌تردید، همه غرق خواهند شد و اگر با او مسئولانه برخورد کنند و وی را از این کار باز دارند، همه را از هلاکت رهایی بخشیده‌اند.» (۱)

آنچه بیان شد، تشبیهی زیبا برگرفته از حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است که همه مردم را به نظارت بر مسائل پیرامون خویش فرامی‌خواند و سلامت جامعه را در گرو فرهنگ «امر به معروف و نهی از منکر» می‌داند.

تأملی در واژه نظارت و بررسی برتری‌ها و کاستی‌های انواع نظارت، ما را با چگونگی به کارگیری نظارت در مواقع گوناگون آشنا می‌سازد. آنچه از این پژوهش به دست می‌آید، پایایی و مانایی «نظارت همگانی» یا «فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر» در گسترش نیکی‌های جامعه انسانی است.

۱- محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه. ق، ج ۳، ص ۱۶۴.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همواره با معرفی «زیبایی‌ها» و «زشتی‌ها» مراقب بود «زشتی»، جانشین «نیکی و زیبایی» نشود و از مردم می‌خواست «نیکی» را همواره پاس دارند و از «زشتی» دوری کنند. تأکید فراوان پیامبر خدا نشان دهنده آن است که اگر روزی «منکر»، «معروف» شود، بنیان جامعه دینی فرو خواهد ریخت. بنابراین، چشمان تیزبین همه مردم باید مراقب تغییر جهت‌ها باشد.

نخستین فصل این نوشتار، واژه‌شناسی و کلیاتی درباره نظارت و امر به معروف و نهی از منکر است. مهم‌ترین قسمت این مجموعه؛ یعنی شیوه‌های کاربردی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در گسترش فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در فصل دوم بررسی خواهد شد. این شیوه‌ها با نمونه‌های فراوانی در دو مبحث شیوه‌های رفتاری و گفتاری بررسی شده است.

در فصل سوم به نظارت‌های رسمی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کارگزاران و زیردستان پرداخته شده و فصل پایانی درباره رابطه رسانه و امر به معروف است.

با خواندن «شیوه‌های کاربردی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله»، به هدف تألیف این نوشتار پی می‌بریم. نویسندگان ارجمند کتاب‌های امر به معروف و نهی از منکر که از تلاش همه آنان بهره برده‌ام، بیشتر به مسائل فقهی یا کلامی این فریضه بزرگ همت گمارده‌اند، در حالی که شیوه پژوهش ما بیشتر کاربردی است.

«همه کتاب در یک نگاه»، نیز چکیده‌ای از مهم‌ترین مباحث این نوشتار است که در پایان کتاب گنجانده شده است.

فصل اول: مفاهیم و کلیات

اشاره

فصل اول: مفاهیم و کلیات

زیر فصل ها

۱. نظارت

۲. امر به معروف و نهی از منکر

۱. نظارت

اشاره

۱. نظارت

زیر فصل ها

الف) واژه شناسی نظارت

ب) اصطلاح شناسی «نظارت»

ج) ضرورت نظارت

د) اقسام نظارت

هـ) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

الف) واژه شناسی نظارت

الف) واژه شناسی نظارت

در عربی، نگاه دقیق و با تأمل را «نظر» گویند (۱) و شخص امینی که حاکم جامعه، وی را برای تحقیق درباره رفتار گروهی خاص مأمور می کند، «ناظر» نامند. در فرهنگ فارسی نیز واژه های نظر و ناظر، همان معنای عربی را دارد. دهخدا در لغت نامه خود، در توضیح نظر می نویسد: «نگریستن، نگریستن در چیزی با تأمل، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان،

مدد کردن و کمک کردن» (۲) وی ناظر را نیز چنین معنا کرده است: «نظر کننده، نگاه کننده، اشعار داشتن، دیده بان، نگهبان و کسی که برای مراقبت اعمال و رفتار دیگری گمارده می شود» (۳).

۱- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ترجمه: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ه. ق، چ ۴، ج ۲، ص ۸۳۰.

۲- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، چ ۱، ج ۱۳، ص ۱۹۹۶۰.

۳- علی اکبر دهخدا، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، چ ۱، ج ۱۳، ص ۱۹۶۱۰.

با توجه به این تعاریف، «نظارت» به معنای نگرش دقیق و موشکافانه است و ناظر نیز کسی است که رفتار دیگری را با دقت زیر نظر می گیرد. امروزه نظارت فقط یک واژه عربی پر کاربرد در زبان فارسی نیست، بلکه اصطلاحی مدیریتی است که در فرهنگ سیاسی جایگاهی ویژه دارد.

(ب) اصطلاح شناسی «نظارت»

(ب) اصطلاح شناسی «نظارت»

برخی پژوهشگران دانش مدیریت، معتقدند نمی توان تعریف اصطلاحی یکسانی از نظارت بیان کرد؛ زیرا نظارت فقط به یک رشته علمی و موضوعی خاص محدود نمی شود، بلکه مفهوم آن در هر دانشی متفاوت است و کارکرد ویژه خود را دارد. (۱)

با این حال، می توان آن را با ویژگی هایش شناخت. مهم ترین ویژگی نظارت را می توان «کنترل فعالیت های برنامه ریزی شده با شیوه های مخصوص، به صورت آگاهانه و عامدانه» دانست. (۲)

بنابراین، نگاهی اتفاقی بر تحرک یک مجموعه را نمی توان نظارت نامید. از دیگر سو هنگامی نظارت مطرح است که در حرکت به سوی هدفی معین، احتمال خطا و انحراف از مسیر تصور شود. در اینجا ناظر «بایدها» را با «هست ها»، «مطلوب ها» را با «موجودها» و «پیش بینی ها» را با «عملکردها»

۱- نک: محمد منصورنژاد، «فلسفه نظارت»، فصل نامه حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳، ش ۳، شماره پیاپی ۳۳، ص ۲۲.

۲- محمد منصورنژاد، «فلسفه نظارت»، فصل نامه حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳، ش ۳، شماره پیاپی ۳۳، ص ۲۳.

مقایسه می کند و تصویر روشنی از اختلاف و تشابه ارائه می دهد. (۱)

بنابراین، تعریف ما از نظارت، با توجه به آنچه گفته شد، چنین است: «کنترل عامدانه فعالیت برنامه ریزی شده و تطبیق آن با هدف های برنامه.» برای نمونه، عارف در سیر و سلوک خود با برنامه ای ویژه به سوی حق حرکت می کند و همواره با «محاسبه و مراقبه»، سیر حرکتی خود را کنترل می کند تا از راه راست منحرف نشود. وی از برنامه خود، آگاه است و به عمد به محاسبه خود می پردازد.

ج) ضرورت نظارت

ج) ضرورت نظارت

در آموزه های دینی، انسان موجودی زیان کار، (۲) حریص (۳) و بی تاب (۴) معرفی شده است؛ مگر آنان که نفس خود را تربیت کنند (۵) که اگر آن را کنترل نکنند، سرکش می شود. (۶) از همین رو، اسلام برای تربیت همه انسان ها برنامه دارد و آنان را به سوی هدفی معین ره می نماید. بنابراین، باید همه فعالیت های انسان کنترل شود تا به سرمنزل مقصود برسد. از دیگر سو انسان در جامعه مسئولیت های گوناگونی بر عهده دارد و هرچه تحرک و مسئولیت او بیشتر

۱- علی آقاپیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ ۱، ص ۲۱.

۲- نک: عصر: ۲.

۳- نک: معارج: ۱۹.

۴- نک: معارج: ۲۰.

۵- نک: عصر: ۳؛ معارج: ۲۲.

۶- نک: علق: ۶.

شود، نظارت بر رفتارهایش ضروری تر است؛ زیرا احتمال اشتباه او بیشتر می شود.

به عبارت دیگر، کار با برنامه را نمی توان بدون نظارت رها کرد؛ زیرا اشتباه در انسان و ابزار راه دارد و امری پذیرفتنی است. از این رو، در همه مراحل باید «فعالیت ها» با «برنامه» تطبیق داده شود. گفتنی است ضرورت نظارت، دلیل بی اعتمادی به مردم نیست، ولی برای پرهیز از هرگونه کاستی، نظارت لازم است و همین نظارت سبب اعتماد بیشتر به مردمی خواهد بود که کمتر خطا می کنند.

د) اقسام نظارت

اشاره

د) اقسام نظارت

در نظام های سیاسی دنیا رفتار مردم و حکومت، با نظارت آشکار و پنهان ارزیابی می شود. در این گونه جوامع، حکومتیان با تشکیل سازمان هایی بر رفتار مجموعه مدیریتی خود به صورت رسمی و آشکار نظارت می کنند و گاه نیز با راهکارهای ویژه، عملکرد مجموعه را به صورت پنهانی زیر نظر می گیرند و از سویی به مردم نیز اجازه می دهند، فعالیت حکومت را کنترل و با دلایل قانونی از حکومت بازخواست کنند. اگرچه در همه کشورها این قوانین یکسان نیست، حکومت های مردم سالار، مدعی چنین سازوکاری هستند، که این نظارت را «نظارت بیرونی» می گویند.

با اندکی تأمل در آموزه های دینی درمی یابیم، نظارت در سیره پیامبر اسلام، بسیار فراتر از نظارتی است که ما از آن سخن گفتیم. دین اسلام نظارت بیرونی را به رسمیت می شناسد، ولی در تقسیم بندی نظارت، از ساختار جدیدی استفاده می کند. ساختار نظارتی اسلام را می توان این گونه ترسیم کرد:

مبتهی بر وجدان درونی

مبتهی بر وحی «نظارت الهی»

نظارت

نهادی «خصوصی»: سازمان های دولتی

بیرونی

همگانی «عمومی»: «امر به معروف و نهی از منکر»

اسلام به نظارت درونی و بیرونی معتقد است و نظارت درونی، برخاسته از وحی یا وجدان است. نظارت برخاسته از وحی را «نظارت الهی» و نظارت برخاسته از وجدان را «نظارت وجدانی» می نامیم. اگرچه هر دو نوع این نظارت ها به بیدارباش وجدان انسان باز می گردد، برای تبیین دقیق تر نظارت های زمان پیامبر، از این دو اصطلاح بهره می بریم.

با تأملی در انواع گوناگون نظارت درمی یابیم، همه گونه های نظارتی که درباره آن سخن گفتیم، برای پویایی جامعه ضرورت دارد و نمی توان با تکیه بر نظارت درونی و رشد اخلاق در جامعه، از نظارت بیرونی چشم پوشید؛ زیرا اگرچه خویشتن داری انسان را از گناه دور می کند، مانع اشتباه وی نخواهد شد. نظارت بیرونی، افزون بر آنکه به گناه حساس است، اشتباه های افراد را نیز به آنها گوشزد می کند تا آنان از گناه و خطا دست شویند. برای نمونه، انسان های پرهیزکار از دروغ گویی، تهمت زدن و دیگر گناهان پرهیز می کنند، ولی ممکن است به گونه ای رفتار کنند که در نظر عرف جامعه دینی، ناپسند شمرده شود. نظارت بیرونی، آنان را به زشتی چنین رفتارهایی آگاه می سازد. این کمترین اثر نظارت بیرونی است. در ادامه، چهار گونه نظارت را بررسی می کنیم.

یک _ نظارت الهی

یک _ نظارت الهی

در بسیاری از آیات قرآن تأکید شده که انسان در محضر خداست و خدا و فرشتگان الهی، رفتار و حتی نیت وی را کنترل می کنند. همچنین به انسان یادآور می شود، خداوند ناظر بر همه کارهای اوست، چنان که در آیاتی از قرآن می خوانیم:

«أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست». (بقره: ۲۳۳)

«... وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ خداوند به آنچه انجام می دهید، آگاه است». (بقره: ۲۳۴)

«و اگر آنچه در دل های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می کند». (بقره: ۲۸۴)

«خداوند به راز درون سینه ها داناست». (آل عمران: ۱۱۹)

«خدا همواره بر شما نگهبان است». (نساء: ۱)

«خدا همواره بر هر چیزی حساب رس است». (نساء: ۸۶)

پیامبران خدا از طریق وحی، از «نظارت الهی» بهره مند می شدند. خداوند در آیه ای از قرآن درباره اثرگذاری «نظارت الهی» می فرماید:

[کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می دارند و [البته نمی توانند] از خدا پنهان دارند و چون شبانگاه به چاره اندیشی می پردازند و سخنانی می گویند که وی [بدان] خشنود نیست، او با آنان است و خدا به آنچه انجام می دهند، همواره احاطه دارد.

(نساء: ۱۰۸)

برخی توطئه های پنهانی دشمنان علیه پیامبر خدا، از طریق وحی بر ایشان آشکار می شد. برای نمونه، هنگامی که یهودیان بنی نضیر، رسول خدا صلی الله علیه و آله را

با گروهی از یارانش تنها یافتند، تصمیم به کشتن آن حضرت گرفتند، ولی پیامبر از طریق وحی باخبر شد و به سرعت به مدینه بازگشت. (۱)

دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در واپسین سال های عمر آن حضرت به «نظارت الهی» معتقد بودند و همین «احساس نظارت» سبب می شد در گفتار و کردار خود با احتیاط عمل کنند. برای مثال، هنگامی که مکه به دست مسلمانان فتح شد، پیامبر به بلال دستور داد بر بالای کعبه اذان گوید. عتاب بن اسید گفت: «خدا را سپاس که پدر من درگذشت و امروز را ندید.» حارث بن هشام گفت: «محمد غیر از این کلاغ سیاه، مؤذن دیگری پیدا نکرد؟!»، ولی ابوسفیان گفت: «من چیزی نمی گویم؛ چون می ترسم پروردگار آسمان، او را باخبر سازد.» در همین هنگام جبرئیل بر پیامبر نازل شد و ایشان را آگاه کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را احضار کرد و از آنچه بر زبان راندند، پرسید و آنان نیز اعتراف کردند. (۲) این واقعه نشان می دهد ابوسفیان به «نظارت الهی» معتقد بوده و از آن می ترسیده است، به گونه ای که حتی در جمع یارانش نیز سخنی علیه پیامبر نمی گوید.

«احساس نظارت» سبب رشد جامعه انسانی خواهد شد. انسانی که پروردگار را ناظر بر همه اعمال و رفتارش می داند، رفتارش را سامان می دهد و

۱- محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ج ۲، ص ۵۷.

۲- فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ هـ. ق، چ ۱، ج ۹، ص

در انجام وظایفش کوتاهی نمی کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، «نظارت الهی» را برانگیزاننده «نظارت درونی» می داند و می فرماید:

فَاسْتَحْيُوا الْيَوْمَ أَنْ يَطَّلِعَ اللَّهُ عَلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِكُمْ. (۱)

امروز شرم کنید از اینکه خدا از همه کارهای شما آگاه است.

دو _ نظارت وجدانی

دو _ نظارت وجدانی

«نظارت وجدان» یا «خودکنترلی»، مؤثرترین و کارآمدترین نوع نظارت است که از برتری های ادیان الهی شمرده می شود. «نظارت بیرونی» فقط در صورتی مؤثر خواهد بود که انسان از درون نیز خود را کنترل کند، در غیر این صورت، فقط در حضور «ناظر بیرونی» درست کردار است و چنانچه «ناظر بیرونی» غفلت کند، او نیز از وظیفه خود سر باز می زند.

کسانی که بر اعمال خود نظارت نمی کنند، در برابر «نظارت بیرونی» مقاومت می کنند و کارهای ناپسند خویش را پسندیده جلوه می دهند، چنان که در آیه ای از قران می خوانیم:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ. (بقره: ۱۱ و ۱۲)

و چون به آنان گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند: ما خود اصلاح گریم. بهوش باشید که آنان فسادگراند، ولی نمی فهمند.

ره آورد نظارت بیرونی برای جوامع انسانی، رفاه و امنیت است. حکومت‌ها با برنامه‌ریزی‌های فراوان، وضعی رفاهی را سامان می‌دهند و امنیت لازم را برای افراد جامعه فراهم می‌کنند. سیستم‌های کنترلی گوناگون دولتی، انسان‌ها را از دست‌درازی به اموال عمومی و زیاده‌خواهی بازمی‌دارند و از این طریق می‌کوشند، امنیت در جامعه نهادینه و گسترده شود. در این میان، جوامعی که به رابطه انسان و خدا عقیده دارند، موفق‌تر هستند و هرچه از این میزان که اعتقاد درونی است کاسته شود، نظارت بیرونی افزایش می‌یابد و البته این نظارت، بسیار شکننده است.

بیان داستانی کهن، نظارت درونی را برای ما بهتر تبیین می‌کند. نقل است پادشاهی شیر درنده‌ای داشت و شخصی را مأمور کرده بود هر روز گوسفندی در برابر شیر بیندازد تا او بخورد. پس از چند روز به او خبر دادند نگهبان، ران گوسفند را برای خود بر می‌دارد. پس فرد دیگری را ناظر نگهبان کرد. ناظر و نگهبان، هم دست شدند و به این ترتیب، دو ران گوسفند نصیب آن دو می‌شد و نیمی از گوسفند، از آن شیر. پادشاه از این ماجرا خبردار شد و ناظر دیگری بر آن دو گمارد. از این پس شیر فقط سردست گوسفند را می‌خورد و دو ران و سردست دیگر نصیب ناظران و نگهبان گوسفند می‌شد. شاه وقتی از خیانت نگهبان و ناظران باخبر شد، ناظر دیگری تعیین کرد که البته سرانجام، شیر از گرسنگی مرد. حکایت نظارت بیرونی چنین است و تا هنگامی که ناظر درونی برنخیزد، ناظر بیرونی بازدارندگی کامل نخواهد داشت.

سیدجمال‌الدین اسدآبادی، مصلح معروف جهان اسلام که با نظام‌های سیاسی شرق و غرب آشنایی داشت، معتقد بود «تنها عامل بازدارنده سوءاستفاده از

قدرت، ایمان به خدا و روز جزاست»^(۱).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پیش از «نظارت بیرونی» بر «نظارت درونی» تأکید می کرد و می فرمود:

خویشتن را محاسبه کنید، پیش از آنکه محاسبه شوید و خود را بسنجید، پیش از آنکه سنجیده شوید.^(۲)

انسان خدا باور که خود را کنترل می کند، هرگز نمی تواند کم کاری کند و می کوشد، کار خود را با دقت و ظرافت به انجام رساند. از دیگر سو به کسی ستم روا نمی دارد و آن گاه که این روحیه در جامعه نهادینه شد، نتیجه طبیعی آن رفاه و امنیت خواهد بود.

همه اهتمام و کوشش پیامبر خدا زنده نگه داشتن وجدان مردم بود. آن حضرت چنان بر یاران خود اثر گذاشت که بسیاری از آنان به ناظر بیرونی نیازمند نبودند و اگر از آنان اشتباهی سر می زد، خود، نزد قاضی می رفتند و به جرم خود اعتراف و تقاضای اجرای حد می کردند. اگرچه همواره گروهی هستند که باید با نظارت های شدید بیرونی کنترل شوند، ولی اگر نظارت درونی نهادینه شود، به مراتب مؤثرتر خواهد بود.

جریر، یکی از یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود که با آن حضرت بیعت کرد تا

۱- سید جواد ورعی، «نظارت و پرسشگری»، فصل نامه حکومت اسلامی، ص ۸، به نقل از: مجموعه رسائل و مقالات، ص ۹۹.

۲- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۳، ح ۲۶.

نماز بخواند، زکات بدهد و خیرخواه دیگر مسلمانان باشد. (۱) او چنان به پیمان خود استوار ماند که در همه شرایط خیرخواه مسلمانان بود و همواره بهتر از آنچه برای خود می پسندید، برای دیگران می خواست.

روزی جریر به غلام خود دستور داد اسبی برای او بخرد. غلام اسبی به قیمت سیصد درهم معامله کرد و فروشنده را برای دریافت پول نزد جریر آورد. جریر به فروشنده گفت: اسب تو بیش از سیصد درهم می ارزد، به چهارصد درهم می فروشی؟ فروشنده گفت: اختیار با توست. جریر بار دیگر گفت: اسب تو بهتر از این است، آیا به پانصد درهم می فروشی؟ و همین طور قیمت اسب را تا هشتصد درهم بالا برد و سرانجام آن را به هشتصد درهم خرید. کسانی که ناظر این معامله بودند، به جریر خرده گرفتند. وی گفت: من با پیامبر بیعت کردم خیرخواه همه مسلمانان باشم. (۲)

به راستی کدام ناظر بیرونی می تواند چنین اثر ماندگاری بر فرد بگذارد، به گونه ای که حتی هنگام خریدن کالا، خیرخواه فروشنده باشد و ارزش حقیقی کالا را پردازد؟

سه _ نظارت نهادی

سه _ نظارت نهادی

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰.

۲- محیی الدین یحیی بن شرف النووی، صحیح مسلم به شرح النووی، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ. ق، چ ۲، ج ۲، ص ۴۰.

«نظارت نهادی»، گونه ای نظارت بیرونی است که از طریق سازمان های ویژه ای زیر نظر نهاد حکومت اعمال می شود. در چنین نظارتی، بازرسان چگونگی رفتار دستگاه های گوناگون را با معیارهای خویش می سنجند و از کندی یا پیشرفت کار، آگاه می شوند. نظارت نهادی یا نظارت خصوصی، در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به گونه ای گسترده نمود ندارد؛ زیرا مدت حکومت پیامبر بسیار کم بود. البته پاره ای از موارد، بیانگر وجود چنین نظارتی است که در فصل چهارم به آن خواهیم پرداخت.

چهار _ نظارت همگانی

چهار _ نظارت همگانی

یکی از افتخارات دین اسلام، «نظارت همگانی» است؛ راهکار زیبایی که همه مردم بدون آنکه به حریم خصوصی یکدیگر وارد شوند، باید نسبت به رفتار هم حساس باشند. در چنین نظارتی افراد جامعه باید خوبی ها را ترویج کنند و هم نوعان را از کارهای ناپسند باز دارند. که در حقیقت، همان اصل «امر به معروف و نهی از منکر» که غبار غفلت بر آن نشسته است. شگفت آور این است که اندیشمندان غربی پژوهش های ماندگاری را درباره این نوع نظارت انجام داده اند، ولی مسلمانان چنان که باید، از این اصل ارزشمند دفاع نکرده و برای گسترش آن نکوشیده اند.

مایکل کوک،^(۱) خاورشناس انگلیسی که بیش از دوازده سال درباره امر به معروف و نهی از منکر تحقیق کرد، با مراجعه به حدود ۱۷۰۰ کتاب و مقاله،

اثری زیبا به نام «امر به معروف و نهی از منکر» در اندیشه اسلامی را نگاشت. این کتاب با وجود کاستی‌هایی (۱) که دارد، به خوبی توانسته است جایگاه این فریضه مهم را نزد فرقه‌های گوناگون اسلامی بیان کند. انگیزه کوک در این پژوهش، وقوع حادثه ای زشت در ایستگاه قطار شهری شیکاگو است؛ حادثه ای که در آن، به زنی در برابر جمعی از مردم تجاوز شد و دختری با ضربه‌های چاقو در برابر چشم همگان به قتل رسید، در حالی که مردم نسبت به هر دو واقعه بی توجه بودند. او در این باره می‌نویسد:

آدمی نمی‌تواند فقط در کناری بایستد و ببیند به زنی در برابر عام تجاوز می‌شود. ما احساس می‌کنیم به نوعی وظیفه داریم، افزون بر آنکه خود باید به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای ناپسند نسبت به هم نوعان خود باز داریم.

کوک پس از باخبر شدن از این حوادث، به تحقیقات خود ادامه می‌دهد و اذعان می‌کند در جوامع غربی، وظیفه ای برای یاری رساندن به دیگران وجود دارد، ولی بسیار مهجورتر از آن است که به عنوان فرهنگ از آن یاد شود و سپس می‌نویسد: «اسلام، نام و آموزه‌هایی ویژه برای چنین وظیفه اخلاقی گسترده دارد و نام آن، امر به معروف و نهی از منکر است» (۲).

۱- برای نمونه در فصل امامیه، هیچ اشاره ای به قیام امام حسین علیه السلام نمی‌کند.

۲- مایکل کوک، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه: احمد نمایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴، چ ۱، ج ۱، ص ۱۰.

نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر، در دین اسلام واجب است و همه افراد جامعه اعم از حکومت و مردم را در برمی گیرد و همگان در قبال یکدیگر مسئولند و باید در برابر هم حساس باشند.

تعریف دقیق امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت، جایگاه و شیوه های نظارت عمومی در فصل دوم خواهد آمد.

هـ) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

هـ) نظارت در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیش تر گفتیم چهارگونه نظارت در اسلام وجود دارد: نظارت الهی؛ نظارت وجدانی؛ نظارت نهادی و نظارت همگانی که نوعی از همان نظارت بیرونی، ولی فراگیر است. حال این پرسش مطرح است که کدام نوع نظارت در زمان پیامبر تحقق یافت؟

نخستین مفهومی که از نظارت به طور مطلق به ذهن می آید، کنترل زیردستان از سوی مقام بالاتر است و این فرصت برای پیامبر، کمتر از چهار سال بود؛ زیرا آن حضرت در مکه حکومت تشکیل نداد و رخ دادن نبردهای گوناگون میان مسلمانان و کفار نیز در سال های آغازین اسلام در مدینه، فرصتی برای اعزام کارگزاران و نظارت رسمی بر رفتار آنان نگذاشت. با این حال، اهتمام رسول خدا صلی الله علیه و آله به کنترل نیروها و سفارش های مهم ایشان، سبب شد تشکیلات اداری «حشبه» و فرهنگ نصیحت به سردمداران، به عنوان شیوه های نظارتی حکومت اسلامی شمرده شود و تا سال ها ادامه یابد. نامه های امام علی علیه السلام و عبارت هایی مثل «بَلِّغْنِي؛ مرا رسید» و مانند آن بیانگر استفاده از سیستم نظارت نهادی است که ریشه در آموزه های پیامبر دارد.

برخی روایت های موجود، حساسیت و تأکید رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نظارت را نشان می دهد، چنان که در این باره گفته اند: «يَسْأَلُ النَّاسَ عَمَّا فِي النَّاسِ؛ [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] از مردم درباره آنچه میانشان رخ می داد، می پرسید» (۱).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به رفتار زبردستان بسیار حساس بود. نقل است در یکی از نبردها کاروانی از دوستان پیامبر سر رسیدند، در حالی که آن حضرت نماز می خواند. کاروانیان از اصحاب پیامبر حال آن حضرت را جویا شدند. سپس گفتند: اگر عجله نداشتیم، منتظر می ماندیم تا نماز پیامبر تمام شود، سلام ما را به حضرت برسانید. آن گاه به راه خود ادامه دادند و رفتند. پیامبر وقتی از رفتن آنها باخبر شد، خشمناک گشت و فرمود: «کاروان می ایستد و از احوال من می پرسد و به من سلام می رساند و شما آنان را به غذا دعوت نمی کنید» (۲).

این حادثه بسیار ساده، توجه پیامبر به دیگران را نشان می دهد؛ زیرا یاران حضرت با کاروانیان بدرفتاری نکردند، بلکه فقط در کاری مستحب کوتاهی کردند و همین کوتاهی، ناراحتی پیامبر را سبب شد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در انتخاب فرماندهان و کارگزاران، افراد شایسته را برمی گزید، ولی مراقبانی بر آنان می گمارد تا رفتار ایشان را گزارش کنند. امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله لشکری را به سویی می فرستاد و فرماندهی

۱- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۲۶.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ه. ق، چ ۳، ج ۶، ص ۲۷۵، ح ۱.

بر آنان پیشوایی می کرد، یک نفر از افراد مورداعتماد خود را با وی می فرستاد تا رفتار و کردار او را به آن حضرت گزارش دهد. (۱)

این سیره پیامبر بعدها یکی از مستندات حکومت اسلامی شد، به گونه ای که حاکمان اسلامی رفتار کارگزاران خود را کنترل، کارها و رفتار مدیران سطوح گوناگون را به کمک افرادی مطمئن و مورداعتماد حساب رسی و آنها را تشویق یا تنبیه می کردند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها رفتار زبردستان را کنترل می کرد، بلکه از همه افرادی که با ایشان رفت و آمد داشتند، می خواست از نیازهای مردم باخبر شوند و آنها را به حضرت گزارش دهند. آن حضرت در فراخوانی عمومی فرمود: «خواسته های کسانی را که نمی توانند نیازهای خود را مطرح کنند، به من برسانید». (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ابلاغیه های حکومتی خود نیز بر نظارت همگانی تأکید می کرد و از کارگزاران خود می خواست امر به معروف و نهی از منکر کنند. (۳) شیوه های رسول اکرم صلی الله علیه و آله در گسترش «نظارت همگانی» را در فصل سوم بررسی می کنیم.

۱- عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ه. ق، چ ۱، ص ۳۴۲، ح ۱۲۴۹.

۲- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۱.

۳- علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۹ ه. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

۲. امر به معروف و نهی از منکر

زیر فصل ها

الف) واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر

ب) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

ج) امر به معروف، ضامن سلامت جامعه

د) پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

ه) پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

و) موانع امر به معروف و نهی از منکر

الف) واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر

الف) واژه شناسی امر به معروف و نهی از منکر

واژه شناسان، دو واژه امر و نهی را ضد یکدیگر می دانند و «امر» را «ضد النهی» (۱) و «نهی» را «خلاف الأمر» (۲) معنا کرده و نوشته اند: «نهی به معنای بازداشتن» (۳) است. بنابراین، می توان امر را به معنای دستور دادن و «نهی» را به معنای بازداشتن از کاری دانست. از آن جا که این دو واژه در زبان فارسی پرکاربرد است، از توضیح بیشتر آن خودداری می کنیم.

دو واژه مهم دیگر «معروف» و «منکر» است که آن دو نیز متضاد یکدیگرند (۴) و چنانچه معنای یکی از آنها به درستی و روشنی بیان شود، مفهوم دیگری نیز روشن می شود.

«معروف» به معنای شناخته شده، پسندیده و نیک است و سبب آرامش جان می شود، (۵) در حالی که «منکر» به معنای ناشناخته، انکار شده، ناپسند و زشت

۱- احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۱۳۷؛ الخلیل الفراهیدی، العین، قم، دارالهجره، ۱۴۰۹ ه. ق، ج ۲، ج ۸، ص ۲۹۷.

- ٢- جمال الدين محمد بن مكرم ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزه، ١٤٠٥ هـ . ق، ج ١٥، ص ٣٤٣.
- ٣- الصحاح، ج ٦، ص ٢٥١٧؛ لسان العرب، ج ١٥، ص ٣٤٣.
- ٤- نك: الصحاح، ج ٤، ص ١٤٠٠.
- ٥- نك: معجم مقاييس اللغة، ج ٤، ص ٢٨١.

است و جان آدمی از او کناره گیری می کند. (۱)

این دو واژه میان حدیث پژوهان معنایی ویژه یافت. آنان معروف را به معنای اسم جامع هر کاری دانستند که اطاعت خدا، تقرب الهی و نیکی به مردم را در پی دارد. (۲) راغب اصفهانی، غریب نگار قرآن، می نویسد:

معروف، آن چیزی است که عقل و شرع، آن را به نیکی و خوبی می شناسد و معرفی می کند و منکر، آن چیزی است که عقل و شرع آن را ناپسند می دارد. (۳)

راغب در تعریف خود، معیار شناخت معروف و منکر را عقل و شرع معرفی می کند. در متون روایی شیعه همین معیار به گونه ای رساتر دیده می شود. برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن خود را معروف و مخالف با آن را منکر می شمارد و همراهی با امام معصوم علیه السلام را شرط صحت معروف می داند. (۴)

با توجه به آنچه گذشت، امر به معروف؛ یعنی نهادینه کردن و تشویق به کارهای نیک و پسندیده و نهی از منکر؛ یعنی بازداشتن از کارهای زشت و ناپسند که پیشوایان معصوم علیهم السلام همه این نیکی ها و زشتی ها را در آموزه های خود به ما شناساندند و عقل نیز ما را در شناخت نیکی ها و بدی ها راهنمایی می کند.

۱- معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۸۱ و برای آگاهی بیشتر نک: لسان العرب، ج ۹، صص ۲۳۶_۲۴۲؛ العین، ج ۵، صص ۳۵۵ و ۳۵۶؛ الصحاح، ج ۲، صص ۸۳۶ و ۸۳۷.

۲- نک: ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴، چ ۴، ج ۳، ص ۲۱۶.

۳- راغب الاصفهانی، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴. ه. ق، چ ۲، ص ۳۴۳.

۴- نک: میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸. ه. ق، چ ۱، ج ۱۲، ص ۱۸۲، ح ۱۳۸۳۰.

(ب) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

(ب) اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر با اهمیت دین یکسان است؛ زیرا همه آموزه های دینی، معروف و همه منکرات، پدیده غیردینی به شمار می روند. از این رو، دعوت همه پیامبران خدا امر به معروف است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نشانه دین داری را نهی از منکر می دانست و فرمود: «خدا از مؤمن ناتوان بی دین نفرت دارد.» پرسیدند: کدام مؤمن دین ندارد؟ حضرت فرمود: «آن که نهی از منکر نمی کند».^(۱)

در دین مبین اسلام، مؤمن مقامی برتر از مسلمان دارد و افزون بر بیان شهادتین، به خدا ایمان قلبی دارد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤمنی را که نهی از منکر را ترک کرده است، دین دار نمی داند. آن حضرت در حدیث دیگری نهی از منکر را نشانه خرد دانسته و فرموده است:

خدا از مؤمن ناتوان بی خرد نفرت دارد و می فرماید: او کسی است که نهی از منکر نمی کند.^(۲)

بنابراین، نهی از منکر کردن نشانه دین داری و عقل است و آنان که ارزش دین و خرد را دریافته اند، بی تردید اهمیت نظارت همگانی را نیز درمی یابند.

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۵.

۲- محمدبن علی بن الحسین بابویه، شیخ صدوق، معانی الاخبار، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، چ ۱، ص ۳۴۴، ح ۱.

در قرآن مجید یکی از برتری‌ها و تفاوت‌های مؤمنان بر منافقان، این‌گونه بیان شده است که مؤمنان به کارهای پسندیده فرمان می‌دهند و منافقان، مردم را به کارهای ناپسند وامی‌دارند، چنان‌که در آیه‌ای می‌خوانیم:

مردان و زنان دو چهره، همانند یکدیگرند، [همدیگر را] به کار ناپسند وامی‌دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که [همدیگر را] به کارهای پسندیده فرا می‌خوانند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند. (توبه: ۷۱)

زیبایی و ظرافت این‌گونه آیات، در این است که مردان و زنان منافق را همانند یکدیگر می‌داند، ولی مردان و زنان باایمان را دوست یکدیگر معرفی می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان‌که امر به معروف و نهی از منکر اهمیت می‌داد که وقتی یکی از یارانش تصمیم گرفت خواب شب را بر خود حرام کند و از مردم کناره‌گیری و به عبادت پردازد، به او فرمود: «اگر با مردم نباشی، آن‌گاه چگونه آنها را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنی؟»^(۱) امیرمؤمنان، علی علیه السلام نیز امر به معروف و نهی از منکر را برتر از همه کارهای نیک می‌دانست و می‌فرمود:

همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون دمیدن به دریای پرموج پهناور است.^(۲)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۳، ح ۱۳۸۳۱.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، چ ۴، حکمت ۳۷۴.

ج) امر به معروف، ضامن سلامت جامعه

ج) امر به معروف، ضامن سلامت جامعه

امر به معروف و نهی از منکر، فراتر از اهمیت، برای جامعه ضرورت دارد و در دین اسلام واجب شمرده شده و در زمره واجبات ده گانه شرعی (۱) است و چنانچه امر به معروف و نهی از منکر از جامعه رخت بر بندد، جامعه دینی فرو خواهد ریخت. سبب برتری جامعه دینی نیز امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این دو فریضه در جامعه مسلمانان ترک شود، افتخار به مردم آنان با عنوان امت بهتر نیز بی معناست، چنان که در قرآن آمده است:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (آل عمران: ۱۰۴)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید؛ به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید.

امر به نیکی و بازداشتن از گناهان، فقط به سود مسلمانان نیست، بلکه همه افراد جامعه با هر گرایش و آیینی از آن بهره می برند. پس خداوند در قرآن تأکید می کند که شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید.

ترویج زیبایی ها و برخورد با زشتی ها، جامعه ای زیبا و به دور از تنش می سازد. در جوامع انسانی که آموزه های زیبایی چون امر به معروف و نهی از منکر فراموش شده اند، انسان ها به صورت افراد جدا از هم، در اجتماع زندگی می کنند. هر چند در تعاریف جامعه شناختی، کسانی که در یک جامعه زندگی

۱- فروع دینی یا واجبات ده گانه عبارتند از: نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری.

می کنند و با یکدیگر کنش متقابل دارند و از هنجارها و ارزش های مشترک پیروی می کنند، زندگی جمعی دارند، ولی در حقیقت، آنان فقط زندگی کردن در جمع را تجربه می کنند و از زندگی جمعی محرومند.

در فرهنگ دینی ما «بنی آدم اعضای یکدیگرند». از این رو، برای سالم ماندن هر عضو، همه می کوشند. انسان مسلمان نمی تواند در برابر غرق شدن انسان دیگر در گرداب گناه و تباهی بی توجه باشد. او به خوبی می داند اگر همسایه اش فاسد شود، خانه او نیز در امان نخواهد ماند و در نتیجه، جامعه نیز رو به فساد و تباهی خواهد رفت. هدف و تلاش مسلمان دردمند، سالم سازی جامعه است؛ جامعه ای که زشتی ها در آن زیبا شمرده نشوند. چنین فردی به زشتی های خصوصی و محدود به خانه افراد اعتراض نمی کند، بلکه از فراگیر شدن زشتی در جامعه جلوگیری می کند.

سرانجام افراد و جوامعی که امر به معروف و نهی از منکر را فراموش می کنند، نابودی است. خداوند در قرآن، ضمن نکوهش بنی اسرائیل به دلیل بی توجهی به زشتی ها، می فرماید:

كَأَنَّا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. (مانده: ۷۹)

یکدیگر را از کار زشتی که مرتکب می شدند، باز نمی داشتند، راستی چه بد بود، آنچه می کردند.

بر اساس آیات قرآن، خداوند کسانی را که در راه او به پاخیزند، نجات می دهد. از این رو، هرگاه قومی دچار عذاب الهی می شد، گروهی که ستم کاران

را پند می داد، از عذاب پروردگار نجات می یافت. (۱)

چکیده سخن آنکه برای اینکه جامعه اسلامی، اسلامی بماند و آرامش و اطمینان در آن فراگیر شود، باید مردم و حکومت به امر به معروف و نهی از منکر اهتمام ورزند و گروهی به طور ویژه به این مهم پردازند، چنان که در آیه ای از قرآن آمده است:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران: ۱۰۴)

و باید از میان شما، گروهی [مردم را] به نیکی دعوت و به کار شایسته تشویق کنند و از زشتی باز دارند و آنان، همان رستگارانند.

وظیفه عمومی مردم، دعوت به نیکی است، ولی حکومت اسلامی نیز وظیفه دارد، خود، به امر به معروف و نهی از منکر پردازد و زمینه را برای مردم فراهم کند. حکومت دینی باید به گونه ای برنامه ریزی کند که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رواج یابد. خداوند در آیه ای از قرآن در این باره می فرماید:

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. (حج: ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز به پا می دارند و زکات می دهند و [دیگران را] به کارهای پسندیده تشویق می کنند و از کارهای ناپسند باز می دارند.

کسانی که برای گسترش نیکی ها می کوشند، نباید از نکوهش مردم بهراسند

و چنانچه هدف آنها جلب خشنودی خدا باشد، خداوند راه را برای آنان هموار می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر که اطاعت خدا را بر ناخشنودی مردم ایثار کند، خداوند او را از دشمنی هر دشمنی و حسادت هر حسودی و ستم هر ستم کاری بسنده می کند و همواره خداوند عزوجل یاور و پشتیبان اوست. (۱)

د) پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

اشاره

د) پیشینه امر به معروف و نهی از منکر

پیشینه امر به معروف و نهی از منکر، به آفرینش آدم برمی گردد و از همان روزی که شیطان آدم را فریفت، مبارزه میان معروف و منکر شروع شد. نخستین منکر را ابلیس مرتکب شد و در برابر فرمان پروردگار تکبر ورزید و نخستین نهی از منکر را حضرت حق انجام داد، چنان که در قرآن می خوانیم:

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أُمِرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ. (اعراف: ۱۲)

فرمود: «چون تو را به سجده امر کردم، چه چیز تو را بازداشت از اینکه [بر آدم] سجده کنی؟» گفت: من از او بهترم.

سپس شیطان کار ناشایست خود را با سخن «مرا از آتش آفریدی و او را از گل» توجیه کرد. از این رو، پس از ابلیس، همه کسانی که رفتاری ناپسند دارند، برای کردار خود بهانه می آورند. با این مقدمه، می توان همه پیامبران الهی را آمران به معروف و ناهیان از منکر دانست. در آیات قرآن مجید، از چگونگی

۱- محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، چ ۴، ج ۶، ص ۱۷۹، ح ۱۵.

دعوت پیامبران و رفتار ناشایست مخالفان آنان سخن گفته شده است. برای نمونه، چگونگی دعوت حضرت نوح خواندنی است. آن حضرت از مردم خواست از حلال خدا استفاده کنند و از شیطانی که دشمن آشکار آنان است و آنان را به بدی و زشتی فرمان می دهد، پیروی نکنند (۱) و از یاران آتش نباشند (۲). حضرت نوح مردم را از عذاب دردناک الهی ترساند (۳) و مردم در مقابل، او را دیوانه (۴)، ریاست طلب (۵) و دروغگو (۶) خواندند.

شکیبایی در برابر آزار افراد نادان و امیدواری به اصلاح آنان، از ویژگی های حضرت نوح بود. او ۹۵۰ سال میان مردم زندگی کرد (۷) و با روش های گوناگون تبلیغی، (۸) شب و روز، (۹) عمومی و خصوصی (۱۰) به اصلاح مردم پرداخت و از هدایت آنها ناامید نشد. مطالعه زندگانی حضرت نوح نشان می دهد، امر به معروف و نهی از منکر بسیار دشوار است و همیشه تاریخ، مردان نیک، بدرفتاری نادانان را دیده اند، ولی آنان که به خدا ایمان دارند، همه سختی ها را

۱- نک: بقره: ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲- نک: فاطر: ۶.

۳- نک: هود: ۲۶.

۴- نک: مؤمنون: ۲۵.

۵- نک: مؤمنون: ۲۴.

۶- نک: هود: ۲۷.

۷- نک: عنکبوت: ۱۴.

۸- نک: نوح: ۱۳_۱۸.

۹- نک: نوح: ۵.

۱۰- نک: نوح: ۸ و ۹.

به عشق رضای حق، به جان می خرنند.

تاریخ پیامبران الهی سراسر دعوت به نیکی و باز داشتن از زشتی است و یاران پیامبران (۱) نیز کم و بیش وظیفه خود را انجام داده اند، ولی با ظهور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امر به معروف و نهی از منکر به صورت جریانی عمومی درآمد، به گونه ای که یاران پیامبر در برابر کج روی های جامعه بسیار حساس بودند و باز داشتن افراد از زشتی ها را وظیفه خود می دانستند و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از جامعه ای اسلامی در آینده خبر داد که در آن جامعه امر به معروف و نهی از منکر فراموش می شود، یاران حضرت شگفت زده شدند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: روزی پیامبر خدا به اصحاب خود فرمود: «شما چگونه اید، زمانی که زنانان فاسد و جوانان گناهکار می شوند و امر به معروف و نهی از منکر نمی کنید؟» اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا، مگر چنین می شود؟! حضرت فرمود: «آری و بدتر از این، زمانی است که امر به منکر و نهی از معروف می کنید!» عرض شد: آیا چنین می شود؟ پیامبر فرمود: «آری و بدتر از این، چگونه هستید زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف می پندارید؟» (۲)

نکته بسیار مهم در این روایت، نگرانی و پرهیز دادن رسول خدا صلی الله علیه و آله به دگرگونی ارزش هاست؛ یعنی روزگاری که زیبایی، زشت می شود و افراد

۱- نک: هود: ۱۱۶.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۷، ح ۳۵۹.

کارهایی را که عقل و دین ناشایست می دانند، زیبا جلوه می دهند.

— دایره حسبه

— دایره حسبه

پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با وجود اینکه ارزشمندترین معروف ها؛ یعنی امامت اهل بیت علیهم السلام نادیده گرفته شد، مردم در برابر انحراف های اخلاقی و اعتقادی واکنش نشان می دادند و حتی گاه افراد، انحراف های خلیفه را نیز به او گوشزد می کردند و این کار را از حقوق مسلم خود می دانستند. خلفا نیز با تشکیل نهاد نظارتی «حسبه»، ارزش های دینی را حفظ کردند.

«حسبه» به معنای «عمل حساب»^(۱) است و «مُحْتَسِب» کسی بود که بر رفتار مردم نظارت می کرد و از آنها می خواست در عمل به واجبات کوتاهی نکنند و محرمات را ترک کنند. شاید بتوان نخستین حساب رسی دقیق رسمی را مربوط به زمان پیامبر دانست. آن حضرت پس از فتح مکه، سعید بن عاص را بر بازار مکه گمارد^(۲) و همین انتصاب، به معنای نظارت وی بر فعالیت های بازرگانی مکه قلمداد شد. پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز خلفا خود، اداره تشکیلات حسبه را برعهده گرفتند. دایره حسبه در زمان های بعد، چنان گسترده شد که بر همه امور مردم نظارت می کرد.

ابن اِخْوَه، فقیه شافعی قرن هشتم، کتاب مفصلی درباره احکام حسبه^(۳)

۱- آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، چ ۱، ص ۱۲۱.

۲- علی بن برهان الدین حلبی، السیره الحلبيه فی سیره الامین المأمون، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰هـ. ق، ج ۳، ص ۳۵۴.

۳- محمد بن محمد بن احمد القرشی ابن الاخوه، معالم القربه فی احکام الحسبه، قاهره، مکتبه المتنبی.

نگاشت. وی در این کتاب نظارت بر امور شهری را وظیفه محتسب دانسته و درباره چگونگی نظارت محتسب بر اصناف گوناگون سخن گفته است. برای نمونه، وی به سامان دهی امر نانوايي ها اشاره می کند و می نویسد:

نانواها باید پارچه ای تمیز بر پیشانی ببندند تا هنگامی که عرق می ریزند، خمیر نان آلوده نشود. همچنین موظفند، مگس ها را از اطراف ظرف خمیر برانند.

از دیگر وظایف محتسب، جلوگیری از تجمع جوانان در محل های پررفت و آمد زنان بوده است. ابن اخوه درباره سامان دهی امور واعظان و آموزگاران نیز مطالب خواندنی فراوانی دارد که امروزه نیز همچنان پرکاربرد است. (۱)

دایره حسبه که روزگاری خلیفه عباسی نیز جرئت مخالفت با آن را نداشت، کم کم به عامل حکومت تبدیل شد، به گونه ای که فقط بر فرودستان سخت می گرفت و همین تغییر موضع سبب شد جایگاه خود را از دست بدهد و حتی شاعران پارسی گو بارها در آثارشان رفتار غیردینی محتسب را نکوهش کرده اند. (۲)

آنچه گذشت، سیر تطور امر به معروف و نهی از منکر در مکتب خلفا بود و اگر گزارشی از مخالفت امامان بزرگوار شیعه با مکتب آنها وجود نداشته باشد، می توانیم همان روش را بپذیریم. با این حال، آنچه مسلم است همه

۱- برای مطالعه بیشتر نک: معالم القریه، صص ۲۹۳ _ ۲۹۵، باب ۳۵ و ۳۷.

۲- نک: پروین اعتصامی، دیوان کامل، به کوشش: رضا ابوطالب، تهران، انتشارات پیری، ۱۳۷۱، چ ۱، ص ۲۷۱.

امامان شیعه، امر به معروف و نهی از منکر^(۱) می کردند و در این راه، سیره پیامبر خدا را پیش گرفته بودند. از این رو، بر ماست که از سیره آن بزرگواران در این امر پیروی کنیم.

در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی، امر به معروف به عنوان یک اصل در قانون اساسی گنجانده شد. در اصل هشتم قانون اساسی آمده است:

در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.

امام خمینی، بنیان گذار جمهوری اسلامی نیز با اقتدا به روش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

اگر من هم پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید، اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی. باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟... امت باید نهی از منکر کند، امر به معروف کند.^(۲)

اکنون که برخی انحراف های اجتماعی اخلاقی در جامعه گسترش یافته اند، با توجه به جایگاه قرآنی امر به معروف و نهی از منکر و اصل هشتم قانون اساسی و تأکید فراوان حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری بر این مهم، ضرورت اجرایی شدن این اصل احساس می شود و اگر امروز اجرا شود، به مراتب بهتر از فرداست؛ زیرا ترک و به تأخیر انداختن امر به معروف و نهی از منکر، نتایج ناخوشایند نگران کننده ای دارد.

۱- نک: زیارت جامعه کبیره، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۷.

۲- روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چ ۱، ج ۸، ص ۴۷.

ه) پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

ه) پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر

کوتاهی در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، پی آمدهای زیان باری در دنیا و آخرت دارد. در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله، کسی که این فریضه مهم را ترک کند، به خدا و پیامبر و قرآن ایمان نیاورده است^(۱) و نمی توان او را مؤمن خواند.

خدا قدرت مطلق جهان است و ابرقدرت ها در برابر او ناتوانند. با اندکی درنگ در سرنوشت سرکشان تاریخ، درمی یابیم هر چه هست، از خداست و غیر او محکوم به فناست و اگرچه فرعون فریاد «أنا ربکم الأعلى» سر داد، حتی نتوانست جان خویش را از عذاب الهی برهاند.

بر این اساس، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کرده اند، به شدت هشدار می دهد؛ زیرا آنها با این کار به نبرد با خدا پرداخته اند و باید منتظر عذاب الهی باشند.^(۲) آن حضرت، خوشی دائمی را در گرو امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در نیکی و تقوای الهی می داند و می فرماید:

اگر چنین نکنند، برکت ها از آنان گرفته می شود و بر همدیگر مسلط می شوند و هیچ یآوری در آسمان و زمین برایشان نیست.^(۳)

۱- علاءالدین علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ هـ. ق، ج ۳، ص ۶۴، ح ۵۵۱۶.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۳.

۳- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۲۲.

در این روایت، پیامبر خدا مسلمانان را از گرفتاری اقتصادی و سیاسی بیم می دهد؛ گرفتاری بی که هیچ راه حلی برای آن نیست و هر چه بیشتر انسان در این وضع هلاکت بار باقی بماند، زندگی بر وی دشوارتر خواهد بود.

خطر دیگر ترک امر به معروف و نهی از منکر، عذاب عمومی است. در این صورت، حتی خوبان امت نیز عذاب می شوند و گریزگاهی برای آنان نیست. از این رو، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به همگان هشدار می دهد اگر منکر آشکار شود، در حالی که توانایی بازدارندگی از آن باشد، همه مردم از نیک و بد عذاب خواهند شد. (۱)

گریستن از روی پشیمانی و محشور شدن به شکل خوک و میمون در روز قیامت، از دیگر نتایج ترک امر به معروف و نهی از منکر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی سوگند یاد کرده است، گروهی از امتش به صورت میمون و خوکاز قبر خارج می شوند؛ زیرا در برابر گناهان سستی و سازش کرده اند و درحالی که می توانستند، نهی از منکر نکرده اند. (۲) آن حضرت در سخنی دیگر فرمود:

هیچ دیده ای نیست که زشتی و معصیت خدا را ببیند و اعتراض نکند، مگر آنکه خدا روز قیامت او را به گریه وادارد، هر چند ولی خدا باشد.

همچنین پیامبر، مسلمانان بی توجه به گناهان را بدترین مردم معرفی

۱- نک: احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار صادر، ج ۱، ج ۴، ص ۱۹۲.

۲- نک: کنز العمال، ج ۳، ص ۸۳، ح ۵۶۰۵.

می کند. (۱) یکی دیگر از نتایج نگران کننده ترک امر به معروف و نهی از منکر، مستجاب نشدن دعای نیکان امت است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

آن گاه که امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیرو خوبان اهل بیت نباشند، خداوند اشرارشان را بر آنان چیره می سازد. پس خوبان دعا می کنند و دعایشان مستجاب نخواهد شد. (۲)

استاد مرتضی مطهری رحمه الله، این حدیث را این گونه ترجمه می کند: «خوبان شما می خوانند و به آنها جوابی داده نمی شود.» و سپس معنای لطیفی را از غزالی نقل می کند که:

وقتی [مردم] امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، آن قدر پست می شوند، آن قدر رعیشان، مهابتشان، عزتشان [و کرامتشان از بین می رود که وقتی به درگاه همان ظلمه می روند، هر چه ندا می کنند، به آنها اعتنا نمی شود. (۳)

بنابراین، پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از: عذاب الهی؛ به استجابت نرسیدن دعا؛ گریان بودن دیدگان در روز قیامت؛ محشور شدن به شکل میمون و خوک؛ ستیز با خداوند؛ گرفتاری سیاسی و اقتصادی؛ بی ایمانی؛ تنهایی و بی کسی و سلطه اشرار.

۱- نک: کنز العمال، ج ۳، ص ۷۹، ح ۵۵۸۴.

۲- حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چ ۲، ص ۵۱.

۳- مرتضی مطهری، حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۷۵، چ ۲۰، ج ۲، ص ۴۵.

(و) موانع امر به معروف و نهی از منکر**اشاره**

(و) موانع امر به معروف و نهی از منکر

اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر و پی آمدهای زیان بار ترک این فریضه مهم، کافی است تا همگان را به دعوت به نیکی ها و بازداشتن از زشتی ها برانگیزاند، ولی چرا با وجود این، نمی توان در این زمینه کاری کرد؟ برخی در پاسخ به این پرسش معتقدند، امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد و چون ما این شرایط را نداریم و برخورد ما نیز اثری ندارد، سکوت، موضع برتر است.

امر به معروف و نهی از منکر در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراتبی دارد و کمترین مرتبه آن ناراحتی باطنی است؛ یعنی قلب انسان از دیدن منکر به شدت ناراحت شود که این مرتبه، به تحقق هیچ شرطی نیاز ندارد، ولی آیا آنان که تغییر ارزش ها را می بینند، از این امر ناراحت می شوند؟

با توجه به آیات قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله، برخی از موانع امر به معروف و نهی از منکر را بررسی می کنیم.

یک - ترس

یک - ترس

نخستین مانع در راه اجرای امر به معروف و نهی از منکر، ترس از گناهکار یا قدرت حاکم است. انسان های شجاع به راحتی در برابر زشتی ها مقاومت می کنند و انسان های ترسو لب فرو می بندند. پیامبر خدا می فرماید:

مبادا کسی از شما در جایی که پای امری از خدا در میان است و باید سخن بگوید، با سکوت کردن، خود را کوچک کند؛ زیرا [فردای قیامت] نمی تواند بگوید: خدایا! از مردم

ترسیدم؛ زیرا خداوند پاسخ می دهد: سزاوارتر آن بود که از من بترسی. (۱)

در فرهنگ قرآنی، دین باوران هرگز از بسیاری و توانمندی دشمن نمی هراسند و در راه خدا ثابت قدم و استوارند، چنان که در آیه ای از قران می خوانیم:

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (آل عمران: ۱۷۳)

همان کسانی که [برخی] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده اند، پس، از آن بترسید.» و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است.»

دو _ دنیا دوستی

دو _ دنیا دوستی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یکی از موانع امر به معروف و نهی از منکر را لذت زندگی و دنیا دوستی می داند. (۲)

لذت زندگی سبب می شود انسان برای لحظه ای بیشتر ماندن در دنیا بکوشد. او غافل از آن است که عمرش به دست خداست. از این رو، چنان عاشق و دل بسته دنیا می شود که حاضر نیست هیچ چیزی را با آن مبادله کند و هر چه انسان، دنیا دوست تر شود، احتیاطش بیشتر می شود. انسان دنیا دوست پیش از آنکه به دیگران پند دهد، به خود و زندگی اش توجه می کند و چنانچه پند او با زندگی اش در تعارض باشد، بی تردید زندگی را انتخاب می کند و فقط

۱- کتذ العمال، ج ۳، ص ۷۰، ح ۵۵۳۴.

۲- کتذ العمال، ج ۳، ص ۶۶، ح ۵۵۱۹.

در صورتی امر به معروف می کند که برای وی سودمند باشد یا با منافع دنیوی او در تعارض باشد.

یکی از راهکارهای حکومت های فاسد برای خاموش کردن شعله اعتراض ناراضیان، تطمیع معترضان است.

سه _ نادانی

سه _ نادانی

مانع دیگر در راه امر به معروف و نهی از منکر، نادانی است. گاهی انسان چنان گرفتار نادانی می شود که هرگز نمی توان با او سخن گفت و وی را از اشتباهش آگاه کرد. این گونه افراد هیچ چیز نمی دانند و تمایلی به دانستن نیز ندارند، بلکه در گرداب نادانی خود غوطه ورنند و از آن لذت می برند. این گروه، اصلی ترین مانع اجرای امر به معروف و نهی از منکرند؛ زیرا با هیچ گفتاری نمی توان ایشان را از اشتباهشان آگاه کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «آن گاه که مستی نادانی شما را فرا گیرد، نه امر به معروف می کنید و نه از منکر باز می دارید».^(۱)

هر چه انسان آگاه تر و هشیارتر و با پی آمدهای سودمند امر به معروف و نهی از منکر آشنا شود، برای نهادینه ساختن آن بیشتر می کوشد.

کم رویی، سست اعتقادی، دانش کم، هم رنگی با جماعت و عوامل بسیار دیگری جزو موانع اجرای امر به معروف به شمار می روند که از محدوده پژوهش ما در بررسی سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله خارج است.

فصل دوم: روش شناسی نظارت همگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

فصل دوم: روش شناسی نظارت همگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

توجه بسیار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به کج روی های مسلمانان و اشتیاق شدید برای رواج و نهادینه کردن زیبایی ها امری مشهود و پذیرفتنی است، ولی مسئله مهم، چگونگی تحول جامعه آن روز است. پیامبر، میان مردمی برانگیخته شد که ابتدایی ترین جلوه های زیبای زندگی مانند بوسیدن فرزند(۱) را زشت می دانستند. آنان به راحتی دختر خود را با شتر تعویض می کردند.

داستان صعصعه، یکی از اصحاب پیامبر، در این باره شنیدنی است. او در حالی که پیری کهن سال بود، نزد پیامبر آمد و گفت: روزی دو شتر از من گم شده بود. بر شتری سوار شدم و به جست و جوی آنها پرداختم. از دور خیمه ای دیدم و به سوی آن رفتم. از مردی که کنار خیمه نشسته بود، سراغ شترانم را گرفتم. وی گفت: دو شتر یافته ام و اینک نزد من است. در همین حال پیرزنی سالخورده با چهره ناراحت از پشت خیمه بیرون آمد. مرد از پیرزن پرسید: چه

۱- نک: محمد بن اسماعیل بخاری، الادب المفرد، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۹ ه. ق، چ ۳، ص ۴۱، ج ۹۱؛ مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۹۶، ح ۷۶۵۳.

زایید؟ و بدون آنکه منتظر پاسخ بماند، ادامه داد: اگر پسر باشد، شریک مال و زندگی و وارث ما خواهد بود و اگر دختر باشد، به خاکش بسپار! پیرزن گفت: دختر است. مرد با خشمی همراه با اندوه گفت: درنگ نکنید، راحتش کنید و به خاک بسپاریدش!

ناگهان با شنیدن این سخن، انقلابی در من پدید آمد. گویی تمام پیکرم دل شد و تمام دلم لبریز عاطفه. بی اختیار به آن جوان گفتم: آیا دختری را می فروشی؟ گفت: هرگز شنیده ای عرب بچه فروش باشد و این ننگ را تحمل کند؟ گفتم: نفروش، در برابر احسان و بخشش، به من ببخش! گفت: اگر فروختن در کار نباشد، حاضرم آن را با همان دو شتر و شتری که بر آن سواری مبادله کنم. تو این شتران را به من ببخش و من دختر را به تو می بخشم. پذیرفتم، شترها را دادم و دختر را گرفتم و به دایه ای سپردم. (۱)

وی تا زمانی که نزد پیامبر آمد و ماجرایش را برای آن حضرت تعریف کرد، ۲۸۰ دختر را نیز با بهای هر دختر در عوض سه شتر، از مرگ نجات داد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در چنین جامعه ای، فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر را نهادینه و ترویج کرد و با روش های گوناگون در همان مدت کوتاه، ارزش ها را به مردم شناساند و آنها را با بدی ها آشنا کرد. آن حضرت پیش از بعثت نیز در برابر انحراف ها، بی عدالتی، فساد و تبعیض حساس بود. نقل است

۱- محمد بن محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ه. ق، ج ۳، ص ۶۱۰.

وقتی آن حضرت در دوران کودکی نزد حلیمه سعدیه بود، روزی از دایه اش پرسید: برادرانم کجا می روند؟ حلیمه گفت: آنان گوسفندان را برای چرا به بیابان می برند. محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «ای مادر! تو با من منصفانه برخورد نکردی. من در سایه ام و برادرانم در آفتاب و گرمای شدید و من از شیر آن گوسفندان می نوشم.» پس خواست با برادرانش همراه شود. (۱)

فردای آن روز وقتی حلیمه، محمد صلی الله علیه و آله را آماده کرد تا همراه برادرانش به صحرا برود، برای جلوگیری از چشم زخم، گردن بندی همراه وی کرد. پیامبر دست برد و گردن بند را از گردن خویش باز کرد و فرمود: «مادر جان! کسی با من است که مرا حفظ می کند.» (۲)

پیامبر خدا با آنکه خود در سایه و مکان راحتی به سر می برد، به مادر اعتراض می کند و می گوید: «با من منصفانه برخورد نکردی.» بر همین اساس، آن گاه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از رسالتش از یارانش می خواهد انصاف داشته باشند، آنها به گوش جان سخنش را می شنوند؛ زیرا کسی که در خردسالی به رعایت انصاف پای بند است، در بزرگسالی نیز چنین خواهد بود. خاطره جوان مردی ها و اخلاق نیکوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله کم و بیش در ذهن برخی مردم مکه زنده بود و آن را برای دیگران نیز بازگو می کردند. برای مثال، شهرت آن حضرت به «امین»، ره آورد دوران پیش از بعثت ایشان است.

۱- بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۷۶.

۲- بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۳۹۲.

پیش از بعثت، اهتمام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر گسترش نیکی ها بود و آن گاه که به پیامبری برانگیخته شد، فرهنگ زیبای گسترش نیکی ها و مبارزه با زشتی ها را فراگیر کرد و خود، تا پایان عمر در این راه کوشید. پیامبر گرامی اسلام در کنار امر به معروف و نهی از منکر، شیوه نصیحت را نیز به عنوان راهکاری نظارتی برای مردم به کار گرفت و آنان را از توطئه های خارجی آگاه کرد. آن حضرت با نظارت دقیق بر دشمن، فعالیت ها و هدف های شوم دشمن را خنثی می کرد. در حقیقت، این فعالیت ها افزون بر آموزه های پی در پی پیامبر، نشانه توجه آن حضرت بر نظارت الهی و نظارت درونی بود.

در این فصل نخست به بررسی قواعد کلی و روش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امر به معروف و نهی از منکر می پردازیم و سپس شیوه های رفتاری و گفتاری آن حضرت را بررسی می کنیم.

۱. اصول کلی

اشاره

۱. اصول کلی

زیر فصل ها

اصل اول: استفاده از شیوه های درست

اصل دوم: تبیین قلمروها

اصل سوم: وجود ناظران دقیق

اصل چهارم: منکرستیزی

اصل اول: استفاده از شیوه های درست

اصل اول: استفاده از شیوه های درست

شیوه، در گسترش نیکی ها و بازدارندگی از بدی ها چه جایگاهی دارد؟ آیا می توان برای داشتن جامعه ای نیکو، هر شیوه ای را به کار برد؟ آیا می توان برای ریشه کن کردن دروغ، تهمت، فساد جنسی و گناهان بی شمار دیگر، هر گونه تدبیری اندیشید؟ برخی تنها به هدف می نگرند و در راه هدف، از هر ابزاری بهره می برند، ولی در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله این نگرش پذیرفتنی نیست. آن حضرت در سخنی محوری، به استفاده از شیوه های مناسب و نیکو در گسترش خوبی ها تأکید می کند و می فرماید:

مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ فَلْيُكُنْ أَمْرُهُ ذَلِكَ بِمَعْرُوفٍ. (۱)

کسی که امر به معروف می کند، باید این کار را با شیوه خوبی انجام دهد.

بر این اساس، برای امر به معروف و نهی از منکر باید راه های شرعی و نیکو را شناخت و فقط از همان روش ها بهره برد. شیوه های ناپسند امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مفید و کارساز نیست، بلکه سبب تشدید انحراف های اجتماعی است.

یکی از عوامل اساسی انحراف جوانان در خانواده های مذهبی، روش های نادرست پدر و مادر است. والدینی که به ارزش های دینی حساسند، به هر روشی برای پای بندی فرزندانشان به ارزش ها دست می آویزند و البته در برخی موارد با شکست روبه رو می شوند. برخی مسئولان فرهنگی جامعه نیز ندانسته، با شیوه ای ناپسند، مردم را به ترک زشتی ها مجبور می کنند که خود، نتیجه عکس دارد.

اصل دوم: تبیین قلمروها

اصل دوم: تبیین قلمروها

آگاهی از معیارها، نیاز ضروری آمران به معروف و ناهیان از منکر است. ناظران باید مرزهای حرام و حلال را به خوبی بشناسند و به قلمروهایی که نظارت، حرام است، گام نگذارند. اصل اولیه در دین مبین اسلام، حرمت تجسس است، مگر در موارد ویژه که اسلام برای خنثی کردن توطئه دشمن آن را جایز می داند.

معیار دیگر، پرهیز از گمانه زنی های نارواست و ناظران همواره باید خوش گمان باشند، مگر در برابر گناهان آشکار که تسامح درباره آنها جایز نیست. خداوند در قرآن مجید خطاب به اهل ایمان می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا. (حجرات: ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از گمان فراوان پرهیزید؛ زیرا پاره ای از گمان ها در حد گناه است و در کارهای پنهانی یکدیگر جست و جو نکنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها بر ضرورت پرهیز از تجسس تأکید کرده و فرموده

است: «از گمانه زنی پرهیزید؛ زیرا دروغ ترین سخن، ظن و گمان (۱) است.» (۲) همچنین از بررسی و کنجکاوی در امور شخصی دیگران باید پرهیز کرد (۳) و لغزش های آنها را نباید مدام به خاطر آنها آورد و با این کار آنها را سرزنش کرد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

ای کسانی که به زبان اسلام آورده، ولی به حقیقت، مسلمان نشده اید! لغزش های مسلمانان را جست و جو نکنید؛ زیرا هر کس عیب های ایشان را جست و جو کند، خداوند عیب هایش را جست و جو می کند و آن را که خدا لغزش هایش را پی گیرد، بی آبرویش می کند، هر چند در میان خانه اش باشد. (۴)

قلمرو دیگر، پرهیز از بازگو کردن اشتباه مؤمنان است. ناهیان از منکر وظیفه دارند در برابر کج روی ها بایستند، ولی نمی توانند اشتباه گناهکاران را برای دیگران شرح دهند که به فرموده خداوند در قرآن، چنین افرادی به عذاب دردناک الهی گرفتار می شوند:

إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (نور: ۱۹)

کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، گسترش یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود.

۱- بی تردید منظور، گمان های پی درپی و بدون استناد است که به دروغ نزدیک است و هر گمانی را می توان دروغ پنداشت.

۲- احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج ۸، ص ۳۳۳.

۳- نک: احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، بیروت، دارالفکر، ج ۸، ص ۳۳۳.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۵، ح ۲.

یکی دیگر از قلمروهای نظارت حرام، گوش سپردن پنهانی به سخنان کسانی است که نمی خواهند دیگران، از سخنانشان آگاه شوند. هرگونه نشست و تجمعی محترم است و حق و حقوقی دارد، مگر آنکه موجب ترویج انحراف و فساد در جامعه شود یا با اصول دیگری مانند حکومت اسلامی در تعارض باشد که در آن صورت، ناظران رسمی حکومت با آن برخورد می کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سیره ارزشمند خویش، حفظ آبروی مسلمانان را به عنوان مرز نظارت معین کرد. بر این اساس، ناهیان از منکر باید بدانند که احترام آبروی مسلمان، بیانگر حساسیت در برابر انتشار زشتی ها و مانند احترام جان اوست (۱) و اگر مسلمانی با ارتکاب گناه آبروی خود را ریخت، فقط در همان محدوده باید با وی مقابله شود و بیش از آن جایز نیست.

آخرین معیار، آشکار شدن گناه است. در دیدگاه پیامبر خدا چنانچه گناهی پنهانی صورت گیرد، فقط گناهکار زیان می بیند، ولی اگر آشکارا گناه کند و کسی به او اعتراض نکند، به جامعه زیان می رساند. (۲) بنابراین، باید به آشکار شدن انحراف ها حساس بود و در برابر آنها ایستادگی کرد.

معیارهای نام برده فقط برخی از معیارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در مواقع گوناگون، خوبی ها و زشتی ها را برای یارانش بیان می کرد تا

۱- نک: محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن تفسیر قرطبی، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ه. ق، ج ۱۶، ص ۳۳۲.

۲- نک: محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ه. ق، چ ۲، ج ۱۶، ص ۱۳۶، ح ۲۱۱۷۴.

آنان با رفتارهای خوب و بد آشنا شوند و در رفتار خویش به آن توجه کنند. برای نمونه، وقتی پیامبر یارانش را به نبرد می فرستاد، آنان را به پیروی از راه خدا سفارش می کرد و از آنان می خواست فریب کاری نکنند، کودکان را نکشند، نخلستان ها را آتش نزنند، درختان میوه دار را قطع نکنند و سفارش های دیگری که زشتی های جنگ را می توان به خوبی در آن دید. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شناسایی قلمروهای امر به معروف و نهی از منکر، دو مرجع مهم در میان مسلمانان به یادگار نهاد تا هنگام سرگردانی به آنان روی آورند. مرجع نخست، کتاب وحی الهی؛ قرآن است که پیامبر خدا فرمود: «سنگ آسیاب اسلام به زودی به چرخش در خواهد آمد، پس شما بر محور قرآن بچرخید.» (۲) و مرجع دیگر، اهل بیت علیهم السلام هستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله پیروی از امام معصوم علیه السلام را شرط درستی امر به معروف و نهی از منکر می داند. (۳) بنابراین، در موارد مشکوک در این زمینه، باید به قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرد.

خلاصه سخن

تجسس در امور خصوصی دیگران، گمان ناروا و انتشار گناهان و عیب های

۱- نک: اصول کافی، ج ۵، ص ۲۹، ح ۸.

۲- عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، الدر المنثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱، ص ۳، ح ۱۲۵.

۳- نک: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۲، ح ۱۳۸۳۰.

مردم، از قلمروهای حرام امر به معروف و نهی از منکر هستند. حفظ آبروی مسلمانان و حساسیت در برابر گناهان آشکار، وظیفه هر مسلمانی است و قرآن مجید و سخنان گهربار ائمه معصوم علیهم السلام، محک درستی امر به معروف و نهی از منکر در زمان کنونی هستند.

اصل سوم: وجود ناظران دقیق

اصل سوم: وجود ناظران دقیق

سومین اصل کلی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دقت در گزینش ناظران است. آن حضرت برای نظارت های رسمی خویش، از افراد مطمئن و مورد اعتماد بهره می برد تا بر اساس گفته آنان، به مسائل رسیدگی کند و به بازرسی دوباره نیازی نباشد؛ زیرا اگر افراد نامطمئن خبررسانی کنند، درباره درستی و نادرستی خبر به بررسی و تأمل نیاز است (۱) و به این ترتیب، حرکت اصلاحی جامعه کند می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نه تنها برای نظارت بیرونی و رسمی از ناظران معتمد استفاده می کرد، بلکه شرایط ویژه ای را برای ناظران عمومی معین کرد تا فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر پایا و ماندگار شود.

دلیل مهجور ماندن فرهنگ زیبای امر به معروف، دو عامل است: نخست ناآگاهی آمران به معروف از شرایط آن، که در برخی موارد سبب دین گریزی می شود و عامل دیگر، بی توجهی مسلمانان به این فرضیه مهم که به بهانه نبودن

شرایط، از این وظیفه واجب چشم می پوشند، در حالی که همه مراتب امر به معروف و نهی از منکر، به شرایط ویژه نیازمند نیست، بلکه انکار قلبی یا رویارویی با چهره ناراحت و ناراضی با گناهکار، در هر شرایطی محقق می شود.

کسانی که با عنوان «ناظران دقیق» از آنها نام می بریم، کسانی هستند که «آگاهی» و «دقت» را به هم می آمیزند و به دیگران تذکرات بجا و آگاهانه می دهند. برای نمونه، چنانچه پدری نمی تواند فرزندش را از برپایی مجلس عروسی مخالف با شرع باز دارد، می تواند در مجلس او شرکت نکند یا با چهره ای ناراحت، نارضایتی خود را به دیگران نشان دهد، ولی متأسفانه نه تنها چنین نمی کند، بلکه با لبخندی زیبا از رفتار ناشایست فرزند استقبال می کند که این گونه رفتارها زبیده مسلمانان نیست.

در مکتب پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، آنان که به خوبی ها فرمان می دهند و از زشتی ها باز می دارند، جانشین خدا و پیامبر خدا (۱) در زمینند و در قیامت در جایگاهی والا به سر می برند و دیگران به جایگاه آنان حسرت می خورند. (۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ویژگی این گروه می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر نکند، مگر کسی که سه ویژگی در او باشد: در امر و نهی خود طریق مدارا پیش گیرد، در امر و نهی خود به عدالت رفتار کند و به آنچه امر و نهی می کند، دانا

۱- نک: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۱۳۸۱۷.

۲- نک: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۲، ح ۱۳۸۲۹.

باشد. (۱)

بر این اساس، سه شرط اساسی انتشار خوبی‌ها و بازداشتن از بدی‌ها، «دوستی»، «رعایت عدالت» و «آگاهی» است. پیامبر خدا به کسی که از هیبت او می‌ترسید و نمی‌توانست سخن خود را به پیامبر بگوید، فرمود: «نترس! من پسر کنیزی هستم و پادشاه نیستم.» (۲) رفتار ملائیم آن حضرت همه مردم را به دین اسلام و به سوی خود ایشان می‌کشاند و سابقه «انصاف و عدالت» پیامبر سبب می‌شد فرمانش را گردن نهند.

ناظران باید قلمروهای گفته شده را به خوبی بشناسند و بدون آگاهی از مرزهای حلال و حرام، امر به معروف و نهی از منکر نکنند. شجاعت و خداترسی نیز برای ناظر اهمیت دارد. امر به معروف، فقط باید از خدا بترسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مبادا کسی از شما در جایی که پای امری از خدا در میان است و باید سخن بگوید، با سکوت کردن، خود را کوچک کند؛ زیرا [فردای قیامت] نمی‌تواند بگوید: خدایا! از مردم ترسیدم. چون خداوند پاسخ می‌دهد: «سزاوارتر آن بود که از من بترسی.» (۳)

شجاعت از ویژگی‌های مؤمن است. چنین فردی باور دارد همه کاینات در اختیار خداست و تا خدا نخواهد، هیچ کس نمی‌تواند به او آسیبی برساند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مبادا ترس از مردم مانع از آن شود هرگاه فردی از

۱- راوندی، نوادر، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۷، چ ۱، ص ۱۴۳، ح ۱۹۵.

۲- حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲هـ. ق، چ ۶، ص ۱۶.

۳- نک: کنز العمال، ج ۳، ص ۷۰، ح ۵۵۳۴.

شما حقی را می بیند یا می شنود، به زبان بیاورد»^(۱).

مؤمن می داند که ابهت های ظاهری اثری ندارد و با مقاومت در برابر آنها می توان هیبت های پوشالی شان را فرو ریخت.

ناظر موفق باید علاقه ها و کدورت های شخصی خود را کنار نهد. پیامبر گرامی اسلام به آمر و ناهی فرمان می دهد که در امر و نهی، از مسائل شخصی بگذرند و انحصار طلب نباشند.^(۲) غزالی در اهمیت این نکته می گوید:

هر کجا طمع آمد، حیثیت باطل شد. یکی از مشایخ، عادت داشتی که از قصاب، غدد فراستدی برای گربه. یک روز منکری بدید از قصاب باز خانه شد و گربه را بیرون کرد. آن گاه بر قصاب حسبت کرد. قصاب گفت: مادام که غدد می خواهی، احتساب نتوانی کرد. گفت: «من نخست گربه را بیرون کردم، آن گاه به حسبت آمدم».^(۳)

یکسانی گفتار و کردار نیز از عوامل موفقیت ناظران است. اگر آمر به معروف پیش از آنکه دیگران را به کاری تشویق کند، خود به آن عمل کند، سخنش به دل می نشیند و تأثیر کلامش دو چندان خواهد شد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون آیه «ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و کسانتان را از آتش نگه دارید!» (تحریم: ۶) نازل شد، مردی از مسلمانان گریست و گفت: من از نگه داری خودم ناتوانم، اکنون مسئولیت خانواده ام نیز به من سپرده شده است. پیامبر خدا سخنش را شنید و فرمود: «برای تو

۱- کنز العمال، ج ۳، ص ۷۵، ح ۵۵۶۷.

۲- نک: بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۳، ح ۵۲.

۳- سید حسن اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۱۹۳، به نقل از: کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۵۱۸.

همان بس که ایشان را به آنچه خودت را با آن امر و نهی می کنی، فرمان دهی» (۱).

پیامبر گرامی اسلام، همواره یارانش را از گفتن آنچه خود به آن عمل نمی کردند، باز می داشت و می فرمود:

روز قیامت مردی را می آورند و در دوزخ می افکنند و روده هایش از شکمش بیرون می ریزد و در دوزخ مانند خر آسیاب می چرخد. دوزخیان دور او را می گیرند و می گویند: فلانی! چه شده است؟ مگر امر به معروف و نهی از منکر نمی کردی؟ می گوید: چرا به کارهای خوب فرمان می دادم، ولی خود، به آن عمل نمی کردم و از زشتی نهی می کردم، ولی خودم آن را مرتکب می شدم. (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج، مردمی را دید که لب هایشان را با قیچی های آتشین می بریدند و آنها را در آتش می انداختند. پس به جبرئیل فرمود: «اینان کیانند؟» جبرئیل گفت: «سخنرانان امت تو هستند که مردم را به نیکی فرمان می دهند و خودشان را فراموش می کنند، در حالی که قرآن می خوانند، آیا نمی اندیشند؟!» (۳).

پیامبر خدا به عبدالله بن مسعود فرمود:

از آنان مباش که بر مردم سخت می گیرند و بر خود آسان که خدای تعالی می فرماید: «چرا چیزی را می گوید که خود، به آن عمل نمی کنی». (صف: ۲) (۴).

تأکید و سفارش فراوان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر همراهی و هم خوانی رفتار

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۷۹، ح ۱۳.

۲- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۱۹، ح ۱۳۷۷۵.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۲، ح ۲۱۲۱۸.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۲، ح ۱۳۸۸۵.

با گفتار، سبب شد گروهی از مسلمانان فقط به کار خویش پردازند و از پند دادن به دیگران پرهیزند. پیامبر این بهانه را پذیرفت و فرمود: «به خوبی فرمان دهید، گرچه خود بدان عمل نکنید و از زشت کاری ها باز دارید، هر چند خودتان از آنها دوری نکنید».(۱)

همچنین نقل است، عده ای نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما فقط دیگران را به چیزهایی امر و نهی می کنیم که خودمان آنها را رعایت می کنیم. حضرت فرمود: نه، بلکه به خوبی ها فرمان دهید، هر چند خودتان به همه آنها عمل نکنید و از زشتی ها باز دارید، گرچه خود از همه آنها خودداری نورزید».(۲)

از مجموعه احادیث پیشین بر می آید انسان نمی تواند امر به معروف را تا رسیدن خود به قله کمال وانهد، بلکه باید جهت گیری او درست و مناسب باشد. به دیگر سخن، انسان باید دیگران را به خوبی فراخواند و خود نیز در همان مسیر گام بردارد، هر چند دیگران از او پیشی گیرند. در حقیقت، آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرده است، رو کردن انسان به زشتی ها و وادار کردن دیگران به خوبی هاست که چنین رفتاری پذیرفتنی نیست. البته باید توجه داشت نمی توان به بهانه ناهمگونی گفتار و کردار، از عمل کردن به آموزه های نیک سر باز زد؛ زیرا جامعه اسلامی باید از هرگونه سخن نیکو که براساس معیارهای دینی باشد، استقبال کند و البته در این میان، امر به معروفی که اهل

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۲۰، ح ۱۲۷۷۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۱، ح ۲۱۲۱۷.

عمل نیست، بیشترین زیان را خواهد دید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

مَثَل کسی که خوبی را به مردم می آموزد و خود به آن عمل نمی کند، مانند چراغی است که خود را می سوزاند و دیگری را روشنی می بخشد. (۱)

این سخن زیبایی پیامبر بیانگر آن است که آمر به معروف به هر حال روشنگر است، اگرچه خود بهره ای نبرد.

اصل چهارم: منکرستیزی

اصل چهارم: منکرستیزی

یکی از اصول کلی در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله تشویق به «منکرستیزی» است. به عقیده آن حضرت، مؤمن باید در همه حال با منکر مبارزه کند. پیامبر خدا برای مبارزه با منکر، سه مرحله را پیشنهاد می کند و این گونه همه بهانه ها را خنثی می سازد. ایشان می فرماید:

هر یک از شما منکری را دید، باید با دست خود آن را تغییر دهد. اگر نتوانست، با زبانش تغییر دهد (اعتراض کند) و باز اگر نتوانست، در قلبش آن را انکار کند و این ضعیف ترین مرحله ایمان است. (۲)

در روایت های بسیاری از شیعه و سنی، بر سه مرحله ای بودن نهی از منکر تأکید شده است. (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۵، ح ۱۳۸۹۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۲۰، ح ۱۲۷۷۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۸؛ نک: بحارالانوار، ج ۱۰۰، صص ۶۸-۹۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۲، ح ۳؛ کنز العمال، ج ۳، صص ۶۴، ۶۸۰ و ۶۹۱.

فرمان دیگر پیامبر خدا، روبه رو شدن با گناهکاران، با چهره ای در هم کشیده است. (۱) مسئولان امور دینی و مصلحان جامعه باید به گونه ای در امور تربیتی برنامه ریزی کنند که مردم با شنیدن نابخکاری ها، آن را زشت شمارند و از چنین رفتارهایی بیزاری جویند. بنابر فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله :

آن که شاهد کاری است، ولی آن را ناخوش می دارد، مانند کسی است که شاهد آن کار نبوده است و کسی که شاهد کاری نباشد، ولی به انجام آن راضی باشد، مانند کسی است که شاهد آن بوده است. (۲)

بنابراین، نفرت باطنی، سرآغازی برای اصلاح جامعه است و برای اجرای چنین مرحله ای به هیچ شرطی نیاز نیست. اگر مسلمان نمی تواند دیگران را از دروغ، تهمت، غیبت، بی حجابی و گناهانی مانند آن بازدارد، دست کم باید در قلب خود از چنین رفتارهایی نفرت داشته باشد و کسی که از رفتاری بیزار است، هرگز نمی تواند با چهره ای گشاده با آن روبه رو شود.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نخستین عیب قوم بنی اسرائیل را سازش آنان با گنه کاران دانسته و فرموده است:

نخستین عیب و نقصی که بر بنی اسرائیل وارد شد، این بود که هرگاه مردی با مردی [خلاف کار] روبه رو می شد، به او می گفت: ای مرد! از خدا بترس و گناه نکن که این کارها بر تو روا نیست، ولی فردای آن روزوی را با همان وضع [خلاف کاری و گناه] می دید، ولی برای اینکه هم پیاله و هم نشین او باشد، او را از گناه باز نمی داشت. چون این رفتار را پیش گرفتند، خداوند

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۰.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۷۰، ح ۵۵۳۷.

دل های آنها را به جان یکدیگر انداخت و آن گاه فرمود: «کسانی از بنی اسرائیل که کافر گشتند، لعنت شدند...».
(مائده: ۷۸) (۱)

بر اساس این سخن پیامبر، منکرستیزی سبب اتحاد جامعه خواهد شد و درگیری های سیاسی، اجتماعی و عذاب الهی از آن کسانی است که به ترویج منکر در جامعه بی توجه هستند. مسلمان برای اصلاح گناهکاران دل سوزی می کند، ولی خلاف کاران را دوست ندارد. البته خلاف کاران، گناهکارانی هستند که به گناه شهرت یافته اند، نه کسانی که درست کار بوده و از روی نادانی گناهی مرتکب شده اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید:

جبرئیل، مأمور عذاب مردمی کافر و بدکار شد و به او وحی شد عابد و زاهد آن شهر را بیشتر عذاب کند. وقتی جبرئیل دلیل این دستور را از خدا پرسید، خداوند به او فرمود: «زیرا با اینکه قدرت و امکانات در اختیارشان گذاشتم، امر به معروف و نهی از منکر نکردند و گنه کاران را با اینکه مورد خشم و غضب من هستند، بسیار دوست دارند.» (۲)

فرهنگ دوست داشتن همه، فرهنگی قرآنی نیست؛ زیرا در آیات فراوانی می خوانیم خداوند عده ای را دوست ندارد. (۳)

نکته

فقیهان از روایت های مربوط به مراحل نهی از منکر دریافته اند، که نهی از منکر، از پایین ترین مرحله شروع می شود و چنانچه این مرحله مؤثر نبود، باید

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۱۰، ح ۱۲۷۳۷.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸۵، ح ۵۷.

۳- نک: بقره: ۱۹۰ و ۲۷۶؛ آل عمران: ۳۲، ۵۷ و ۱۴۰؛ نساء: ۳۶ و ۱۰۷؛ مائده: ۶۴ و ۸۷.

از مرحله ای بالاتر استفاده کرد. امام خمینی رحمه الله در کتاب فقهی تحریر الوسیله می نویسد:

اگر با اشاره، خلاف کار دست از خلاف برمی دارد، برخورد شدید و بیش از اشاره که توهین به او باشد، جایز نیست. (۱)

خلاصه سخن

شناسایی بهترین روش، انتخاب ناظران مطمئن، آگاهی از قلمروهای نظارت و منکرستیزی، مبنای شیوه های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در امر به معروف و نهی از منکر است و شیوه های کاربردی باید بر این قواعد مهم استوار شود.

۲. شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۲. شیوه های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها برای ساختن جامعه ای عاری از گناه نمی کوشید، بلکه هدف آن حضرت تربیت و تشکیل جامعه ای سرشار از خوبی ها بود. از این رو، رفتار برخی نزدیکانش را اگرچه گناه نبود، نمی پسندید و آنان را به رفتاری زیباتر فرامی خواند. در اینجا درباره شیوه های کاربردی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای بهسازی جامعه و بازداشتن مردم از رفتارهای ناشایست سخن می گوئیم. بنابراین، مقصود ما از معروف و منکر، هرگونه خوبی و زشتی است. بدین ترتیب، برخی روش های پیامبر خدا را در انتشار نیکی ها و بازداشتن از

۱- روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۳۹.

بدی ها ضمن روایت ائمه معصومین علیهم السلام بازگو می کنیم:

الف) چشم پوشی در مسائل شخصی

الف) چشم پوشی در مسائل شخصی

خشم کسی که همواره در مسائل و برخوردها چشم پوشی می کند، بسیار پرمعناست و کسی که برای کوچک ترین امور عصبانی می شود، نمی تواند دیگران را از زشتی باز دارد. انس بن مالک می گوید: «نه سال خدمتگزار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم. هرگز یاد ندارم به من گفته باشد، چرا چنین و چنان نکردی؟ و هرگز برای چیزی بر من خرده نگرفت.» (۱) وی می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز به من دشنام نداد و مرا نزد و چهره اش برای من عبوس نشد و مرا برای سستی در کارهایم سرزنش نکرد.» (۲)

نقل است روزی پیامبر یکی از کنیزانش را صدا کرد و او با تأخیر خدمت آن حضرت رسید. پیامبر به او فرمود: «اگر ترس از قصاص روز قیامت نبود، تو را با این مسواک می زدم.» (۳)

پیام آور رحمت و مهربانی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، هرگز برای خویش خشمگین نشد و تا آنجا که مربوط به امور شخصی ایشان بود، اشتباه دیگران چشم می پوشید. امام علی علیه السلام در توصیف آن حضرت می فرماید:

برای ستمی که بر ایشان می رفت، انتقام نمی گرفت، مگر آن گاه که حرمت های خداوند هتک

۱- بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۳۰.

۲- تقی الدین احمد بن علی المقریزی، امتاع الاسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ هـ. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۲۳۵.

۳- ادب المفرد، ص ۴۹، ح ۱۸۴.

می شد. در این هنگام، برای خدای تبارک و تعالی خشم می گرفت. (۱)

معیار چشم پوشی و خشم رسول خدا صلی الله علیه و آله را همه اطرافیان و یاران آن حضرت می دانستند. عایشه نیز مانند امام علی علیه السلام نخست از نرمی ایشان سخن می گوید و سپس می افزاید: «پس چون هتک حرمت خدا می شد، از همه سخت گیرتر بود». (۲)

هندبن ابی هاله، فرزند حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر خدا را برای امام حسن علیه السلام چنین وصف می کند:

دنیا و امور مربوط به آن، او را به خشم نمی آورد و هرگاه حق مورد بی حرمتی قرار می گرفت، ملاحظه هیچ کس را نمی کرد و هیچ چیز جلوی خشم او را نمی گرفت تا اینکه انتقام حق را می گرفت. هرگز به خاطر خودش خشمگین نمی شد و از کسی انتقام نمی گرفت. (۳)

چنین روایت هایی نشان می دهد همگان به خشم پیامبر حساس بودند و خشم ایشان بسیار مؤثر بوده است، به گونه ای که وقتی اطرافیان خشم آن حضرت را می دیدند، از کرده خود پشیمان می شدند و به استفاده از دیگر مراحل امر به معروف و نهی از منکر نیازی نبود. برای نمونه، روزی عایشه نزد پیامبر به حضرت خدیجه علیها السلام حسادت کرد. پیامبر به شدت خشمگین شد. عایشه از گفته خود پشیمان شد و گفت: «خدایا! اگر خشم رسولت را برطرفسازی، دیگر تا زنده هستم، از خدیجه به بدی یاد نخواهم کرد.» پس از

۱- بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۳۶.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۷۸، ح ۱۱۴۵۴.

۳- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۲۳.

آن پیامبر به او تذکر داد و عایشه تا یک ماه، شب و روز از خدیجه تعریف کرد. (۱)

(ب) توجه به زمینه ها

(ب) توجه به زمینه ها

برای بروز زیبایی ها به بستری مناسب نیاز است. پس اگر زمینه های نیکی فراهم باشد، ترویج خوبی ها نیز آسان خواهد بود و از سویی برخی زمینه ها، گسترش «بدی»ها را در پی دارد. برای نمونه، وجود جمعی آشنا، زمینه غیبت را فراهم می کند و انسان در جمعی که غریبه است، با احتیاط بیشتری سخن می گوید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره در جمع یارانش به گونه ای رفتار می کرد که کسی جرئت گناه را پیدا نکند و می فرمود:

هیچ یک از شما یارانم نزد من از دیگری بدگویی نکنند؛ زیرا من دوست دارم با دلی صاف و پاک نزد شما بیایم [و از کسی دلگیر نباشم]. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان به این گفته خویش پای بند بود که وقتی یکی از یارانش نزد ایشان آمد و گفت: شما چنین گفتید، ولی من فلانی و فلانی را دیدم که پشت سر شما غیبت می کرد، فرمود: «رهایم کن! بیش از این درباره حضرت موسی علیه السلام گفتند و وی صبر کرد». (۳)

پیامبر خدا بسیار مراقب رفتارهای یاران خود بود تا ریشه افکار و رفتارهای

۱- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۲، ح ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰.

۳- نك: سنن الكبری، ج ۸، ص ۱۶۷.

انحرافی و فساد در جامعه خشکانده شود و دین خدا چنان که خدا می خواهد، باقی بماند و بدعتی در دین وارد نشود. نقل است روزی پیامبر گرامی اسلام وضو گرفت، غذا خورد و آن گاه برای خواندن نماز به پا خاست. شخصی برای پیامبر آب آورد تا آن حضرت برای نمازش وضو بگیرد، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله نپذیرفت و فرمود: «اگر من این کار را کنم، مردم پس از من نیز چنین می کنند.»^(۱) آری، با آنکه وضو گرفتن ثواب بسیاری دارد، ولی پیامبر برای آنکه وضوی دوباره او سبب بدعت در دین نشود، از تجدید وضو خودداری کرد و با همان وضوی پیش از غذا نماز خواند تا همگان بدانند خوردن غذا وضو را باطل نمی کند.

رسول گرامی اسلام، خواندن نماز مستحبی به صورت جماعت را بدعت می دانست و برای آنکه حرمت آن را اعلام کند، در نخستین شب ماه مبارک رمضان، پس از خواندن نماز عشا به منزل رفت و برای خواندن نمازهای مستحبی، دوباره به مسجد بازگشت. مردم با دیدن پیامبر پشت سر آن حضرت به صف ایستادند، ولی پیامبر از آنان گریخت و به خانه اش رفت. این رفتار پیامبر سه شب تکرار شد و هر شب که مردم برای خواندن نماز مستحبی به پیامبر اقتدا می کردند و پشت سر ایشان می ایستادند، آن حضرت آنان را ترک می کرد و به خانه باز می گشت. سرانجام در شب چهارم به منبر رفت و اعلام کرد: «خواندن نماز شب مستحبی ماه رمضان به صورت جماعت، بدعت

۱- ابن ابی شیبہ کوفی، المصنف، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ هـ. ق، چ ۱، ج ۱، ص ۶۶.

است» (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست همان شب نخست، بدعت بودن مسئله را به مردم گوشزد کند، ولی با رفتار خود، زمینه بدعت را خشکاند. اگرچه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله برخی خلفا این بدعت را ایجاد کردند، ولی در روزگار زندگی پیامبر، کسی نماز مستحبی را به جماعت نخواند.

ج) تشویق و تنبیه

ج) تشویق و تنبیه

تشویق کردن، کنشی است که دیگران را برای انجام دادن کار نیک به شوق می آورد و تشویق رفتارهای پسندیده، همگان را به سمت نیکوکاری برمی انگیزاند. تنبیه، به معنای آگاه کردن و بیدارباش است و تنبیهی برای خطا کار مناسب است که زشتی اشتباهش را به او بفهماند. امام علی علیه السلام درباره رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کار نیکی را تحسین و تقویت و هر کار زشتی را ناپسند می خواند و خوار می شمرد» (۲).

مسئولان جامعه اسلامی نمی توانند همه افراد جامعه را از زشتی باز دارند، ولی باید به گونه ای رفتار کنند که نیکوکار در جامعه احساس سرافرازی کند و گناهکار، شرمنده آشکار شدن خطاهایش باشد. شیوه رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای گسترش خوبی ها، تقویت کار نیک و خوار شمردن کار زشت بود. بر این اساس، مسئولان جامعه باید نیکوکاران کم توان را یاری کنند و موانع نیکوکاری

۱- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۶۹، ح ۲۲۶.

۲- معانی الاخبار، ص ۸۲، ح ۱.

را از جامعه بزدايند. پيامبر اعظم صلى الله عليه و آله در سخنان خويش، ارزش ترك گناه را به گونه اى بيان مى كرد كه هر خداياورى، گناه را بى درنگ ترك مى كرد. براى نمونه، آن حضرت مى فرمود: «غيبت نكردن، نزد خداى عزوجل محبوب تر از ده هزار ركعت نماز مستحبه است.»^(۱) با توجه به اين حديث، لحظه اى كنترل زبان و پشت سر ديگرى سخن نگفتن، از ده هزار ركعت نماز مستحبه ارزشمندتر است. به راستى کدام انسان دانايى مى تواند از اين معامله سودآور چشم بپوشد؟

پيامبر خدا با همه يارانش مهربان بود، ولى به كسانى كه اهل فضل بودند، توجه ويژه اى داشت و هر كس را به مقدار فضيلتى كه در دين داشت، احترام مى كرد.^(۲) در اين ميان، برخى تشويق هاى رسول اكرم صلى الله عليه و آله بر اساس ميزان اصلاح عملكرد افراد بود. براى مثال، تازه مسلمانان را به گونه اى مى نواخت تا در ديگران نيز رغبت گرايش به اسلام ايجاد شود.

ابوسفيان، دشمن سرسخت رسول خدا صلى الله عليه و آله كه سبب هجرت آن حضرت از مكه به مدينه شد و سال ها با پيامبر جنگيد، پس از دو دهه نبرد با اسلام و پيامبر، در آستانه ورود پيروزمندانه رسول خدا صلى الله عليه و آله به مكه، مسلمان شد. عباس، عموى پيامبر، به ايشان عرض كرد: اى پيامبر خدا! ابوسفيان بزرگى و افتخار را دوست دارد، كاش براى او چيزى قرار مى دادى! پيامبر فرمود: «هر

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۶۱، ح ۶۶.

۲- معانى الاخبار، ص ۸۲، ح ۱.

کس وارد خانه ابوسفیان شود، در امان خواهد بود.»^(۱) در نتیجه، خانه ابوسفیان، یکی از محل های امن در روز فتح مکه شد. اگرچه نفاق ابوسفیان بیش از آن بود که ارزش عنایت پیامبر خدا را دریابد، ولی شیوه تشویقی آن حضرت به خوبی مشهود بود و راهی برای بهانه های ابوسفیان باقی نگذاشت.

(د) نکوداشت ارزش ها

(د) نکوداشت ارزش ها

ارزش ها نزد پیامبر گرامی اسلام جایگاهی ویژه داشت، به گونه ای که آن حضرت کارهای نیک دشمن و کافر را ارج می نهاد و با نیکوکاران دشمن، رفتاری کریمانه داشت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

در یکی از جنگ ها اسیرانی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند و آن حضرت دستور مجازات همه آنان به جز یک نفر را صادر کرد. آن مرد گفت: چرا فقط مرا آزاد کردی؟ پیامبر فرمود: «جبرئیل از جانب خداوند متعال به من خبر داد پنج ویژگی در وجود توست که خدا و رسول، آنها را دوست دارند: نخست غیرت بسیار درباره خانواده و محارم؛ دوم سخاوت و بخشندگی؛ سوم حسن خلق؛ چهارم راست گویی و پنجم شجاعت.»^(۲)

همچنین نقل است وقتی اسیران قبیله «طی» را آوردند، دختر حاتم طایی که در میان اسیران بود، ویژگی های نیکوی پدرش را برشمرد و از وفاداری او به عهد و پیمان و رسیدگی اش به گرسنگان و اسیران و سلام کردن آشکارش سخن گفت. پیامبر با شنیدن این سخنان فرمود: «این ویژگی هایی که گفتی، از نشانه های مؤمنان حقیقی است. اگر پدر تو مسلمان بود، بر او رحمت

۱- سلیمان بن اشعث ابوداود، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۳۸، ح ۳۰۲۱.

۲- بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

می فرستادم.» سپس افزود: «او را رها کنید و کسی مزاحمش نشود؛ زیرا پدرش کسی بود که مکارم اخلاق را دوست داشت و خدا مکارم اخلاق را دوست دارد.» (۱)

رفتارهای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به روشنی نشان می دهد هدف اسلام، گسترش نیکی ها و بازداشتن از بدی هاست و کسی که به ارزش ها وفادار باشد، راه نجات را بهتر می یابد. پیامبر خدا با برجسته کردن خوبی های شخص خطاکار، او را به کاستن اشتباه هایش تشویق می کند. نقل است روزی شخصی به نام خریم نزد پیامبر آمد. پیامبر به او فرمود: «خریم! اگر دو ویژگی در تو نبود، تو مردی [نیکو] بودی. خریم گفت: پدرم فدایت! آن دو ویژگی چیست؟ پیامبر فرمود: «ژولیدگی موهایت و بلندی جامه ات.» (۲) خریم به سرعت رفت و موی خود را اصلاح و جامه اش را کوتاه کرد. (۳)

در حقیقت، پیامبر با این روش و با سخن نرم خود، خریم را تشویق کرد تا در پی اصلاح خویش برآید و نیز به وی فهماند وجودش سرشار از خوبی هاست و زدودن آن دو ویژگی برایش دشوار نیست و او نیز به سرعت، به سخن پیامبر عمل کرد تا در زمره نیکومردان قرار گیرد.

۱- محمد بن مرتضی فیض کاشانی، المحججه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ه. ق، ج ۲، ص ۴، ص ۱۲۲.

۲- البته احتمال دارد، بلندی جامه کنایه از تکبر باشد.

۳- مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۶۲۲.

(ه) آسان گیری**(ه) آسان گیری**

«بیاموزید و آسان گیرید، بیاموزید و آسان گیرید، بیاموزید و آسان گیرید» (۱) پیامبر خدا سه بار بر آسان گیری تأکید کرد تا همگان بدانند یکی از اصول اساسی اسلام، آسان گیری است و این دین فقط در مواردی محدود برای اصلاح فرد و جامعه، سخت گیری را جایز می داند. آن حضرت در سخنی دیگر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَعْثِنِي مُعْتًا وَلَا مُتَعْتًا، وَلَكِنْ بَعَثَنِي مُعَلِّمًا مَيْسِرًا. (۲)

خدا مرا سخت گیر و آزاردهنده برنینگیخت، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر برانگیخت.

پیامبر برای گسترش نیکی ها، از روش آسان گیری بسیار بهره برد و حتی یارانش را توییح می کرد که چرا با سخت گیری ها مردم را از دین فراری می دهند و از اسلام بیزارشان می کنند. (۳) آن حضرت وقتی شنید برخی یارانش تمام شب را عبادت می کنند و نمی خوابند، فرمود: «بس کنید و به اندازه توانتان عبادت کنید!» (۴)

پیامبر خدا در باز داشتن افراد از زشتی ها نیز از روش آسان گیری استفاده می کرد. نقل است روزی بادیه نشینی مسجد را نجس کرد. مردم او را گرفتند. پیامبر فرمود: «رهاش کنید و چند ظرف آب روی نجاست بریزید. همانا شما

۱- ادب المفرد، ص ۳۸۱، ح ۱۳۲۰.

۲- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، ج ۴، ص ۱۸۸.

۳- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ص ۴۲.

۴- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶.

آسان گیر برانگیخته شدید و نه سخت گیر.» (۱) نکته جالب آن است که این مرد در همان حال به پیامبر خدا گفت: ای رسول خدا! فردی [این] قوم را دوست دارد، ولی مانند آنان رفتار نمی کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آدمی با کسی است که دوستش دارد.» (۲) این سخن پیامبر بسیار پرمعناست؛ زیرا وقتی آدمی با کسی هم نشین باشد که او را دوست می دارد، دست از کارهای ناشایست برمی دارد و خود را مانند او می کند.

همچنین نقل شده است فردی در ماه مبارک رمضان، هراسان و پریشان خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: نفرین شده، هلاک شد. پیامبر فرمود چه شده است؟! مرد گفت: در حالی که روزه بودم نزد همسر رفتیم و روزه ام را باطل کردم. پیامبر به او فرمود: می توانی بنده ای را آزاد کنی؟ گفت: خیر. پیامبر فرمود: آیا می توانی شتری را قربانی کنی؟ مرد پاسخ منفی داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بنشین! سپس مقداری شیره خرما آورد و به او فرمود: «این را بگیر و صدقه بده!» مرد گفت: نیازمندتر از خودم نمی یابم. حضرت به او فرمود: «پس خودت آن را بخور و به جای آن روز، یک روز روزه بگیر.» (۳)

البته اگر در زمان حاضر روزه کسی باطل شود، باید به رساله مرجع تقلیدش مراجعه کند و براساس فتوای او کفاره پردازد و با استناد به این

۱- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۶۱.

۲- علی بن عمر الدارقطنی، سنن الدارقطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ هـ. ق، چ ۱، ج ۱، صص ۱۳۹ و ۱۴۰، ح ۴۷۱.

۳- سنن الکبری، ج ۴، ص ۲۲۷.

روایت، نمی تواند خودش حکم کند و آنچه از این روایت به دست می آید، آسان گیری پیامبر اسلام است. در حقیقت، پیامبر با این روش، وی را متوجه اشتباهش می کند و برای اینکه آن مرد اشتباه خود را جبران کند، راه های گوناگونی را پیش پای او می گذارد و در پایان نیز او را موظف می کند یک روز روزه بگیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله نخست به آن مرد می فهماند باطل کردن روزه ماه رمضان مجازات سنگینی دارد، ولی چون وی پشیمان شده و زشتی گناهش را دریافته است و توانایی مالی ندارد تا کفاره آن را پردازد، فقط باید روزه اش را دوباره بگیرد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای گسترش نیکی ها راه های گوناگون پیشنهاد می کرد. برای مثال، روزی شخصی راه ورود به بهشت را از پیامبر پرسید. آن حضرت از کارهایی مانند عدالت، غذا دادن و آشکارا سلام کردن، به عنوان راه ورود به بهشت یاد کرد. مرد به پیامبر گفت: اگر از عهده این کارها بر نیامدم چه؟ آن حضرت رفتار نیکوی دیگری را پیش پای وی گذاشت و سرانجام به او فرمود: «با شترت به خانواده ای که آب گوارا نمی نوشند، آب رسانی کن تا بهشت بر تو واجب شود».^(۱)

گفتنی است در همه موارد بیان شده، توجه به شرایط زمان و مکان الزامی است و از واقعه های تاریخی و برخی احادیث و روایت ها نمی توان حکم فقهی استنباط کرد، بلکه هنر فقیهان آن است که همه احادیث درباره یک موضوع را

۱- نک: سنن الکبری، ج ۱، صص ۱۵۸ و ۱۵۹.

گرد می آورند و با سنجش قرائن و احادیث دیگر، به نتیجه ای فقهی دست می یابند. آنچه در این نوشتار آورده شده، تنها نمونه هایی است که باید در کنار احادیث دیگر قرار گیرد و به تنهایی نمی توان از آنها حکمی استنباط کرد.

(و) دل سوزی و رفاقت

(و) دل سوزی و رفاقت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار مهربان و دل سوز مردم بود، به گونه ای که در آیه ای از قرآن می خوانیم:

به یقین، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و با مؤمنان، دل سوز و مهربان است. (توبه: ۱۲۸)

خداوند در آیات قرآن، اشتیاق پیامبر به هدایت مردم و دل سوزی ایشان را ستوده است. پیامبر خدا نیز یکی از ویژگی های آمران به معروف را رفاقت و مدارا می داند و می فرماید: «رَفِيقٌ بِمَا يَأْمُرُ بِهِ رَفِيقٌ بِمَا يَنْهَى عَنْهُ؛ در آنچه امر و نهی می کنید، طریق مدارا پیش گیرید.»^(۱) خود آن حضرت همواره در هدایت مردم به این اصل توجه ویژه ای داشت. نقل است روزی پیامبر گرامی اسلام در حال سخنرانی بود. غریبه ای وارد مسجد شد و گفت: ای رسول خدا! مردی غریب آمده است و از دینش می پرسد. او دین خود را نمی شناسد. حضرت سخنرانی را نیمه کاره رها کرد و به سوی مرد آمد. سپس در کنارش نشست و آنچه را خدا به وی وحی کرده بود به مرد یاد داد. سپس برخاست، سخنرانی اش را

ادامه داد و خطبه را به پایان رساند. (۱)

در این ماجرا می بینیم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آموزش دین که بزرگ ترین معروف است، لحظه ای درنگ نکرد و با رفتار شایسته خود، ارزش شناخت دین را به همگان نمایاند.

رسول خدا، کاستی های زندگی مسلمانان را با دل سوزی و مهربانی رفع می کرد و چون پدری مهربان، برای یارانش دل سوزی می کرد.

نمونه ای از شیوه مهربانانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برخورد با اشتباه یارانش را می توان در روایت زیر دید.

معاویه پسر حَکَمِ سُلمی می گوید:

روزی با پیامبر نماز می خواندم. ناگهان مردی از میان نماز گزاران عطسه کرد. گفتم: خداوند تو را رحمت کند. همه اصحاب با نگاهشان مرا نشانه گرفتند. من گفتم: مادرم به عزایم بنشینند! شما را چه شده است که به من چشم دوخته اید؟ آن گاه اصحاب شروع به زدن دست هایشان بر روی ران هایشان کردند و چون دیدم مرا به خاموشی می خوانند، ساکت شدم. در حالی که پیامبر خدا که نه پیش از او و نه پس از او آموزگاری را نیکوتر از ایشان در یاد دادن دیدم، نمازش را به پایان برد، نه به من خشمگین شد، نه مرا کتک زد و نه به من دشنام داد، بلکه [فقط] فرمود: «در نماز، گفتن هیچ سخنی از سخنان آدمیان سزاوار نیست. آن تنها تسبیح و قرآن خواندن است». (۲)

دل سوزی و محبت پیامبر تنها شامل حال یارانش نمی شد، بلکه آن حضرت در حق بسیاری از اسیران دشمن نیز مدارا و مهربانی می کرد (۳) و همین رفتار

۱- سنن الکبری، ج ۵، ص ۵۱۰؛ الادب المفرد، ص ۲۴۹، ح ۱۱۹۸.

۲- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۷۰.

۳- نک: عمر بن شبه نمیری، تاریخ مدینه، قم، دارالفکر، ج ۲، صص ۴۳۷ و ۴۳۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله سبب شد دشمنان دین، دسته دسته به دین خدا در آیند.

امام خمینی رحمه الله، دل سوزی را لازمه امر به معروف می داند و می نویسد:

سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر، در امر و نهی خود و مراتب انکارش، چون طبیعی دل سوز و پدری مهربان که مصلحت مرتکب [منکر] را رعایت می کند، باشد و انکارش بر او خصوصا و بر امت عموما، لطف و رحمت باشد... و خود را پیراسته و برای خود نسبت به مرتکب [منکر]، برتری و رفعتی نپندارد. (۱)

ز) کناره گیری

ز) کناره گیری

خداوند در قرآن درباره اصل کناره گیری از فریضه امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

و چون بینی کسانی [به قصد انکار] در آیات ما فرومی روند، از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن در آیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، [دیگر] با قوم ستم کار منشین. (انعام: ۶۸)

روی برتافتن از کسانی که آیات الهی را انکار می کنند، دستور روشن قرآن کریم است. بنابراین، هم نشینی با ستم کاران فقط در صورتی جایز است که انسان بتواند آنان را از زشتی ها باز دارد و به خوبی ها فراخواند. بزرگ ترین ستم، نادیده گرفتن خدای یکتاست و کسی که قدرت، ثروت و شهرت را در کنار خدا می پرستد، مشرک است و باید از هم نشینی با چنین فردی پرهیز کرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله قوم بنی اسرائیل را نفرین شده می دانست؛ زیرا ایشان با آنکه

نهی از منکر زبانی می کردند، هم نشین و همراه خلاف کاران بودند. (۱)

پیامبر خدا فقط از گروه ستم کاران کنار نگرفت، بلکه در برابر برخی مسلمانان خطاکار نیز از این روش استفاده کرد تا اشتباهشان را به آنان گوشزد کند. نقل است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه همسرش عایشه وارد شد. خواهر عایشه به دیدن وی آمده بود و لباسی از نوع لباس زنان شام با آستین های گشاد پوشیده بود. چون نگاه پیامبر به او افتاد، برخاست و از خانه بیرون رفت. عایشه به خواهرش گفت: از اینجا برو؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی دید که ناراحت شد. وقتی خواهر عایشه بیرون رفت، عایشه نزد پیامبر آمد و پرسید: چرا بیرون رفتید و ناراحت شدید؟ حضرت فرمود: «آیا وضع خواهرت را ندیدی؟ برای زن مسلمان جایز نیست غیر صورت و دست هایش دیده شود». (۲)

در روایتی دیگر آمده است اسماء، دختر ابوبکر در حالی که لباسی نازک پوشیده بود، وارد خانه پیامبر شد. حضرت روی خود را برگرداند و به وی فرمود: «ای اسماء! وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست جز صورت و دست هایش دیده شود». (۳)

۱- زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی المنذری، الترغیب و الترهیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۸ هـ. ق، چ ۳، ج ۳، ص ۲۲۸، ح ۱۷.

۲- محمود مدنی بجستانی، امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه برتر در سیره معصومین علیهم السلام، قم، نشر معروف، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۸۷.

۳- نک: سنن أبی داوود، ج ۴، ص ۶۲، ح ۴۱۰۴.

کناره گیری رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خطاکاران، فقط به اعضای خانواده محدود نمی شد، بلکه آن حضرت این شیوه را برای عموم جامعه کارساز می دانست. برای نمونه، مردم علاقه داشتند پیامبر بر جنازه مردگانشان نماز گزارد. بنابراین، آن حضرت از این فرصت برای بیدارسازی دیگران سود می جست و با خودداری از نماز خواندن بر کسانی که در پرداخت دیون خویش کوتاهی کرده بودند، اهمیت پرداخت دین را به همگان گوشزد می کرد. هرگاه جنازه ای نزد پیامبر می آوردند، از کار او نمی پرسید، بلکه از بدهکاری اش می پرسید. اگر می گفتند بدهکار است، حضرت بر پیکرش نماز نمی خواند و اگر بدهکار نبود، بر وی نماز می خواند. (۱) در حقیقت، رسول خدا صلی الله علیه و آله با این شیوه، بدهکاران را به گرفتاری های روز واپسین هشدار می داد و از آنان می خواست برای پرداخت بدهی خود بکوشند.

نقل است روزی جنازه ای را نزد پیامبر آوردند. آن حضرت پیش از آنکه آماده نماز خواندن شود، پرسید: «آیا بدهکار است؟» گفتند: دو دینار. پیامبر از خواندن نماز بر او خودداری کرد. امام علی علیه السلام عرض کرد: «ای رسول خدا! بدهی اش را من برعهده می گیرم و بر او دینی نیست.» آن گاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر جنازه نماز خواند و سپس امام علی علیه السلام را دعا کرد. (۲)

-
- ۱- نورالله بن شریف الدین شوشتری، احقاق الحق، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۳۱، ص ۶۴.
 - ۲- نورالله بن شریف الدین شوشتری، احقاق الحق، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۳۱، ص ۶۴.

پافشاری پیامبر گرامی اسلام بر این مسائل ظریف، پی آمدهای ارزشمندی را به همراه دارد؛ زیرا امنیت پول و سرمایه افراد تأمین می شود و طلب کار اطمینان می یابد و پیش از به خاک سپردن بدهکار، وضع طلب او روشن خواهد شد و مردم نیز تشویق می شوند به خانواده متوفی یاری رسانند تا زودتر دینش پرداخت شود و از گرفتاری نجات یابد.

ح) بی اعتنایی

ح) بی اعتنایی

سامان دادن افراد نادان و متکبر، کاری بسیار دشوار است. هم چنان که گذشت، نادانی، از موانع اصلی گسترش امر به معروف و نهی از منکر است و متکبر نیز همچون نادان، خود را از دانستن بی نیاز می داند. بنابراین، امیدی به اصلاح او نیست. در حقیقت، پافشاری بر اصلاح این دو گروه، آب در هاون کوبیدن است و ره آوردی جز خستگی و ناراحتی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر در پی ندارد. بهترین شیوه در برخورد با این افراد، بی توجهی به آنان است. با این روش، این گونه افراد خود را خوار و بی ارزش می بینند و در پی اصلاح خود برمی آیند. امام صادق علیه السلام فرمود:

روزی پیامبر خدا از یکی از کوچه های مدینه عبور می کرد. به زن سیاهی برخورد که سرگین جمع می کرد. حاضران به او گفتند: از جلوی راه پیامبر کنار برو! زن گفت: راه گشاد است. برخی اصحاب به سویی رفتند تا او را بگیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «رهايش كنيد كه او زن متكبري است».^(۱)

(ط) صبوری

(ط) صبوری

فطرت انسان به خوبی‌ها گرایش دارد، ولی وسوسه‌های شیطان و شرایط زندگی اجتماعی، او را از فطرت خویش دور می‌کند و تمایل به مادیات و امور دنیوی، زمینه اشتباه و گناه را برای وی فراهم می‌سازد. انسان در برابر نخستین گناه از خود مقاومت نشان می‌دهد، ولی اگر هوای نفس، او را شکست دهد و لذت نخستین گناه به مذاقش شیرین آید، روی آوردن به معنویت برایش دشوار خواهد بود. در حقیقت، هرچه اشتباه بیشتر شود، راه بازگشت نیز دشوارتر خواهد شد؛ زیرا لذت ترک گناه، لذتی معنوی است که به آسانی به دست نمی‌آید. البته اگر چنین لذتی حاصل شود، بسیار پایا و ماندگار است.

بنابراین، برای مبارزه با منکر، به شناسایی عوامل و زمینه‌های پیدایش منکر نیازمند است و برای این کار نمی‌توان به سرعت، انتظار رسیدن به نتیجه را داشت، بلکه باید صبور بود و به تدریج، زمینه‌های گناه را زدود و شیرینی معروف را جای‌گزین آن کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای گسترش نیکی در جامعه، از کودکی تا واپسین لحظه زندگی، پایدار و صبور ماند و با این روش مردم را از زشتی‌ها باز داشت.^(۲) آن حضرت در برابر تازه‌مسلمان‌ها بسیار صبور بود و به آنان اجازه

۱- بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۷۲، ح ۹۴.

۲- نک: محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۳، صص ۱۸۹ و ۱۹۰.

می داد در فرآیندی تدریجی، واجبات شرعی را به جا آورند.

نقل است گروهی از قبیله «ثقیف» خدمت پیامبر گرامی اسلام آمدند و در مسجد پیامبر اقامت کردند. عمر گفت: ای رسول خدا! آنها نماز نمی خوانند. پیامبر خدا فرمود: «رهایشان کن! آنان به زودی از اینکه نماز نمی خوانند، شرمند می شوند.» یک روز و نیم از این ماجرا گذشت و هیچ یک نماز نخواندند تا اینکه عصر روز بعد، نماز عصر را بدون وضو خواندند. عمر دوباره نزد پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! آنها بدون وضو نماز خواندند. پیامبر فرمود: «رهایشان کنید! به زودی وضو می گیرند.» روز سوم وضویی ناقص گرفتند و بار دیگر عمر گزارش کار را به رسول خدا رساند. پنج روز گذشت و عمر هر روز به کار آنان خرده می گرفت و پیامبر می فرمود: «رهایشان کن و کاری به ایشان نداشته باش.» (۱)

پیام آور مهربانی با این کار به همه کسانی که می خواهند امر به معروف و نهی از منکر کنند، سفارش کرد تا صبر را پیشه خود سازند. (۲) روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله مستند به آیات قرآن کریم است، چنان که در قرآن می خوانیم:

وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ. (لقمان: ۱۷)

به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است، شکیا

۱- تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲- نک: «إذا اراد احدکم ان یامر بالمعروف أو نهی عن المنکر فلیوطن نفسه علی الصبر»، مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۶۶.

باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

پیام همه مصلحان تاریخ آن است که برپایی جامعه ای سرشار از نیکی ها، بدون شکیبایی، پنداری بیش نیست. پیامبران و امامان بزرگوار در راه گسترش نیکی ها، مصیبت های بسیاری را تحمل کردند تا همگان بدانند حتی محبوب ترین بندگان خدا، از پیروی از قانون الهی صبر و شکیبایی، مستثنی نیستند.

پیامبر گرامی اسلام پس از تحمل سیزده سال آزار مشرکان، به مدینه هجرت و در جمع مسلمانانی زندگی کرد که از ابتدایی ترین آداب معاشرت نیز بیگانه بودند. آن حضرت به تدریج، با صبر و مهربانی، مردم را به سوی زندگی زیبا و اخلاق پسندیده فراخواند. انس بن مالک، خدمتگزار پیامبر، می گوید:

من با پیامبر خدا راه می رفتم و ایشان بُردی نجرانی، با حاشیه ای زبر و درشت بر تن داشت. ناگهان بادیه نشینی از راه رسید و ردای ایشان را محکم کشید. من به گردن پیامبر نگاه کردم و دیدم حاشیه ردا، از شدت کشیدن، روی گردن ایشان رد انداخته است. سپس آن بادیه نشین گفت: ای محمد! دستور بده از مال خدا که نزد توست، به من بدهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرف او برگشت، خندید و سپس دستور داد به او چیزی عطا کنند. (۱)

چگونگی سخن گفتن بادیه نشین با پیامبر، نشان دهنده نادانی بیش از حد اوست. اگر وی با هر کس دیگری جز پیامبر این گونه برخورد می کرد، خشم و واکنش شدید طرف مقابل را برمی انگیخت، ولی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نه تنها خشمگین نشد، بلکه خندید و هدیه ای نیز به او داد. آری رسول خدا صلی الله علیه و آله

برای اصلاح جامعه و هدایت مردم، ناملایمات را با صبر و گذشت به جان خرید.

من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان

قیل و مقال عالمی می کشم از برای تو

حافظ

برای پاک سازی جامعه از زشتی ها باید گام به گام حرکت کرد و زشتی های فراوانی را که سالیان سال به صورت فرهنگ درآمده است، به تدریج و با بردباری و فرهنگ سازی مثبت، از جامعه ریشه کن ساخت.

سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل

بیرون نمی توان کرد الا به روزگاران

ی) روی برتافتن

اشاره

ی) روی برتافتن

وَ أُمْرٌ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرَضُ عَنِ الْجَاهِلِينَ . (اعراف: ۱۹۹)

به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب.

برای افراد بینا، چهره، زبان مشترکی است که نیازمند مترجم نیست. در نخستین رویارویی و پیش از سخن گفتن، خوشی و ناراحتی در چهره نمایان می شود و رنگ رخساره از سرّ درون خبر می دهد. لبخند زدن به کسی که همواره در گناه غوطه ور است، تأیید حرکات ناشایست اوست. پیامبر اعظم

صلی الله علیه و آله همواره با چهره خود، شادی و ناراحتی خویش را به یارانش نشان می داد. از این رو، یاران حضرت به تغییر چهره ایشان بسیار حساس بودند. ابوسعید خدری می گوید: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را می دید که از آن خوشش نمی آمد، از چهره او می فهمیدیم»^(۱).

پیامبر خدا با چهره خود معروف ها را گسترش می داد و در برابر زشتی ها می ایستاد. امام مجتبی علیه السلام به نقل از دایی اش، درباره شیوه پیامبر در برابر ناحقی ها چنین می فرماید: «چون خشم می گرفت، روی خود را برمی گرداند و چشم را فرو می خواند»^(۲) مقداد، نیکویار پیامبر نیز می گوید: «هرگاه پیامبر خشم می گرفت، چهره اش سرخ می شد».

نمونه دیگری از تأثیر چهره پیامبر در رفتار یارانش را در سخن جریر بن عبدالله می بینیم. او می گوید:

گروهی از اعراب بادیه نشین پشمینه پوش نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند. پیامبر نیازمندی و پریشان حالی آنان را دید و مردم را به کمک به ایشان فراخواند. مردم سستی کردند. از این رو، آثار ناراحتی در چهره پیامبر نمایان شد. مردی از انصار که ناراحتی پیامبر را دید، کیسه ای پول آورد و پس از او، یکایک یاران پیامبر هدایای خود را آوردند و به نیازمندان هدیه کردند و به این ترتیب، شادمانی در چهره پیامبر آشکار شد.^(۳)

روی برتافتن از منکر، اهمیت بسیاری دارد و خداوند در قرآن به پیامبر دستور می دهد از منافقان روی برتابد و می فرماید:

«فَاعْرِضْ عَنْهُمْ؛ پس، از آنان روی

۱- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۲۶۳، ح ۵۷۵۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۹۵، ح ۱۳۸۶۰.

۳- صحیح مسلم، ج ۸، ص ۶۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله با رفتار و گفتار خود، وظیفه مؤمنان در رویارویی با اهل گناه را مشخص کرده است. البته باید توجه داشت کسانی که ندانسته اشتباهی می کنند، با اهل گناه متفاوتند و روش برخورد با آنان به گونه ای دیگر است.

امیرمؤمنان، علی علیه السلام، درباره وظیفه مؤمنان می فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد با افراد گناهکار، با چهره ای درهم کشیده روبه رو شویم».^(۱)

رویارویی با گناهکار با چهره ای ناراحت، سبب نزدیکی به خداوند است و کمترین وظیفه ما نشان دادن ناراحتی در برخورد با گناهکاران است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید:

با نفرت از گناهکاران، به خدای متعال نزدیک شوید و با این افراد با ترش رویی برخورد کنید و با خشم گرفتن بر آنان، خشنودی خدا را بجوید و با دوری کردن از آنها، به خدا نزدیک شوید.^(۲)

یکی از شیوه های اصلاحی پیامبر گرامی اسلام در برابر یارانِ خطاکارش، اظهار ناراحتی از رفتار آنان بود. برای نمونه، هیچ خصلتی نزد پیامبر، ناپسندتر از دروغ نبود. هرگاه شخصی نزد آن حضرت دروغ می گفت، رفتار پیامبر با او به سرعت تغییر می کرد تا اینکه وی از دروغش توبه می کرد.^(۳)

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۰.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۶۵، ح ۵۵۱۸.

۳- سنن الکبری، ج ۱، ص ۱۹۶.

(یا تشویق فرد معترض)

(یا تشویق فرد معترض)

یکی از راه های احقاق حق، اعتراض است. پیامبر خدا فرد معترض را به گرفتن حق خویش تشویق می کرد و همواره با رفتار عملی خود نشان می داد دفاع از حق، از هر کاری مهم تر است.

نقل است مردی بادیه نشین از پیامبر طلب داشت. نزد آن حضرت آمد و از ایشان خواست بدهی اش را بپردازد و بر خواسته اش پافشاری کرد و با خشم به حضرت گفت: رهایت نمی کنم تا پولم را بدهی. اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله او را از این برخورد زشت نهی کردند و به وی گفتند: وای بر تو، می دانی با چه کسی سخن می گویی؟! مرد گفت: من حقم را می خواهم. پیامبر به اصحابش فرمود: «چرا صاحب حق را یاری نمی کنید؟» سپس کسی را نزد خوله، دختر قیس فرستاد و فرمود: «به خوله بگو اگر خرما داری، به ما قرض بده تا در فصل خرما قرض تو را باز گردانیم!» خوله پذیرفت و مقداری خرما به عنوان قرض به پیامبر داد. آن حضرت، خرما را به بادیه نشین داد و سپس وی را به غذا دعوت کرد. مرد پس از خوردن غذا به پیامبر گفت: حق مرا به طور کامل پرداختی، خدا حق تو را به طور کامل بپردازد! رسول گرامی اسلام با خرسندی از برخورد شجاعانه مرد بادیه نشین در گرفتن حقش، فرمود:

اینان برگزیدگان امت من هستند. همانا امتی که فرد ضعیف در آن نتواند حق خویش را بدون لکنت زبان باز پس گیرد، هرگز به قداست و پاکی نخواهد رسید. (۱)

۱- محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ص ۸۱۰، ح ۲۴۲۶.

پیامبر خدا انسان های معترض را «برگزیدگان امت» می نامد؛ زیرا چنین افرادی می توانند حق خود را بگیرند. در روایت دیگری آمده است پس از اینکه مرد بیابان گرد از پیامبر سپاس گزاری کرد، حضرت به او فرمود: «یارانم از برخورد تند تو ناراحت شدند. فردا به مسجد بیا و همین سخنان را در میان عموم مردم تکرار کن.» مرد پذیرفت و فردا که به مسجد آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این مرد دیروز در خانه ام از من سپاس گزاری کرد. آیا چنین نیست؟!» و مرد به علامت تأیید، سر تکان داد. (۱)

اکنون به شیوه نهی از منکر پیامبر توجه کنید! آن حضرت حتی از آن مرد نمی خواهد در حضور جمع برخیزد، بلکه فقط به تأیید او بسنده می کند. چنین برخوردی را با برخورد کسانی که خطاکار را مجبور می کنند به خطای خود در میان جمع اقرار و خود را خوار کند، مقایسه کنید؛ کدام روش مناسب تر است و نتیجه بهتری دارد؟

در روایت دیگری آمده است شخصی از پیامبر خدا طلب داشت و برای گرفتن طلبش درشتی می کرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در برابر وی سکوت کرد، ولی اصحاب حضرت برآشفتند و خواستند او را ادب کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کارش دارید؟! بگذارید صاحب حق حرف خود را بزند.» آن گاه دستور داد حق او را بهتر از آنچه می خواست، بپردازند. (۲)

-
- ۱- امتاع الاسماع، ج ۲، ص ۲۳۵.
 - ۲- نک: صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۱۶.

یب) اعتراض عمومی

یب) اعتراض عمومی

اعتراض عمومی، راه کار دیگری برای نهی از منکر است و مردم برای مقابله با زشتی ها حق دارند به صورت گروهی اعتراض کنند. از امام باقر علیه السلام نقل می کنند:

روزی مردی نزد پیامبر آمد و از آزار همسایه خود شکایت کرد. حضرت او را به صبر سفارش کرد. چند روز گذشت و مرد بار دیگر نزد پیامبر آمد و حضرت دوباره او را به صبر دعوت کرد. او رفت و برای بار سوم نزد پیامبر آمد و شکایت کرد. این بار حضرت فرمود: «روز جمعه که مردم برای نماز جمعه به مسجد می روند، لوازم خود را از خانه بیرون بریز و در محل دید مردم قرار بده و وقتی از تو پرسیدند چرا اسباب خانه خود را اینجا گذاشتی، آنان را از ستم و آزار همسایه خود آگاه کن. فرد به این دستور عمل کرد. آن گاه همسایه اش نزد وی آمد و گفت: به منزل خود بازگرد! خدا را شاهد می گیرم که دیگر تو را نیازارم.»^(۱)

با توجه به این ماجرا و روایت های دیگر، بیشتر راهکارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله با لطف و مدارا همراه بوده است، مگر زمانی که مدارا سودی نمی بخشید و برای حل مشکل، به تندی و جدیت نیاز می شد.

یج) اقتدار

یج) اقتدار

توانایی و قدرت، از پایه های اصلی باز داشتن از زشتی هاست. گناهکاران با نادیده گرفتن خدا، احساس قدرت می کنند و لازم است قدرتی برتر، در

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۱۳.

برابر قدرت نمایی آنان بایستد. از سویی برای نهادینه شدن نیکی ها نیز به اقتدار نیاز است تا با کمک آن، موانع خوبی از سر راه زیادوستان برداشته شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دریای لطف و مهربانی بود، ولی با وجود مهربانی و رأفت بسیار، هیچ گاه توانایی و اقتدارش را از دست نداد. پیامبر کمتر اعمال قدرت می کرد، ولی ابهت خدایی ایشان، گستاخان را به فروتنی وامی داشت. نمونه های اقتدار پیامبر در فصل «نظارت نهادی» و سخت گیری در بیت المال خواهد آمد. از این رو، در اینجا فقط نمونه ای از اقتدار پیامبر خدا پیش از هجرت را بازگو می کنیم.

ابن شهر آشوب، دانشمند شیعی قرن ۱۴، می نویسد:

أبوجهل، دشمن سرسخت رسول خدا صلی الله علیه و آله، آرزو می کرد زمانی بیاید که محمد به او نیاز پیدا کند تا او را مسخره کند. از قضا روزی وی از غریبی که به مکه آمده بود، شتری خرید و از دادن حق فروشنده خودداری کرد. فروشنده به قریش پناهنده شد و آنان برای مسخره کردن غریبه، او را نزد پیامبر فرستادند و گفتند: اگر محمد واسطه شود، ابوجهل می پذیرد و پول تو را می دهد. غریبه به پیامبر خدا پناه برد. حضرت با او نزد ابوجهل آمد و فرمود: «ای ابوجهل، برخیز و حق این مرد را بده!» ابوجهل برخاست و به سرعت حق او را ادا کرد.^(۱)

بدین ترتیب، قاطعیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که با ابهت خدایی اش آمیخته بود، چنان ابوجهل را ترساند که نتوانست سخن پیامبر را نادیده بگیرد و به سرعت حق مرد غریبه را به وی داد. دوستان ابوجهل با دیدن رفتارش، او را سرزنش کردند. وی در دفاع از کار خود سخنانی گفت که دوستانش با شنیدن این

۱- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف اشرف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶هـ. ق، ج ۱، ص ۱۱۲.

سخنان، او را مسخره کردند و نام او را که پیش از این ابوالحکم بود، ابوجهل نهادند.

ید) قیام

ید) قیام

اسلام و منکر، آشتی ناپذیرند و همه شیوه های بیان شده، به منظور زدودن منکر از جامعه بود تا خوبی ها در جامعه اسلامی ترویج و نهادینه شود. آخرین راهکار اسلام، مبارزه با فاسدانی است که با خوبی ها در ستیزند و زشتی ها را در جامعه گسترش می دهند. اسلام، گسترش فساد در جامعه را بر نمی تابد و چنانچه راه دیگری جز مبارزه نباشد، برای ریشه کن کردن فساد، آن را برمی گزیند. نمونه ای از بزرگ ترین فسادها، وجود حاکم ستمگر است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برترین جهاد را سخن عادلانه ای می داند که در برابر پیشوای ستمگر گفته شود (۱) و مبارزه با فرمانروایان ستمگر را واجب می داند. آن حضرت در این باره می فرماید:

به زودی پیشوایانی بر شما حاکم می شوند که ارزاق شما را در اختیار می گیرند، به شما دروغ می گویند و با شما رفتار بد و ناپسندی دارند. از شما خشنود نمی شوند، مگر آنکه کارهای زشت آنان را نیکو شمارید و دروغشان را تصدیق کنید. پس تا به حق راضی اند، آن را به آنان بدهید و اگر از آن (حق) فراتر رفتند، هرکس در این راه کشته شود، شهید است. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آینده نگری های خود خبر داد، زمانی فرامی رسد که حاکمان و قرآن روبروی هم قرار می گیرند و با یکدیگر پیکار می کنند. آن

۱- کنز العمال، ج ۳، ص ۷۸، ح ۵۵۷۶.

۲- کنز العمال، ج ۶، ص ۶۷، ح ۱۴۸۷۶.

حضرت به مسلمانان سفارش می کند در این شرایط، از آموزه های قرآن پیروی کنند و در برابر ستمگران همچون یاران حضرت عیسی علیه السلام باشند که آنان را با اره تکه تکه کردند و بر چوبه دار آویختند، ولی همچنان بر عقیده خود ثابت قدم ماندند. پیامبر گرامی اسلام در این باره می فرماید:

مَوْتُ فِي طَاعَةِ خَيْرٍ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَةٍ. (۱)

مردن در راه اطاعت (خدا)، بهتر از زندگی در معصیت است.

امام حسین علیه السلام نیز هنگامی که با خُرّ روبه رو شد، به حدیثی از پیامبر خدا استناد کرد و ایستادگی در برابر سلطان ستمگری را که حلال خدا را حرام می کند و پیمان الهی را می شکند و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت می کند، واجب می شمرد. (۲)

در مکتب اهل بیت علیهم السلام، خشنودی به حکومت ستمگر، سبب خروج از دین اسلام خواهد شد (۳) و چنانچه زمینه های قیام عمومی فراهم باشد، باید علیه ستم به پاخاست و اگر امکان قیام فراهم نبود، اظهار نارضایتی، وظیفه عمومی مسلمانان است.

تأکید و سفارش فراوان اسلام و امامان معصوم علیهم السلام به ایستادگی در برابر ستمگر و حتی جان باختن در این مبارزه، بیانگر آن است که منکری بالاتر از ستم وجود ندارد و در مقابل، معروفی بالاتر از عدالت نیست.

۱- الدرالمثور، ج ۲، ص ۳۰۱.

۲- تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۰۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۳، ح ۲۱۲۲۳.

همه خوبی ها در پرتو عدالت حاصل خواهد شد و ستم، منشأ همه زشتی هاست. آنان که گناه می کنند، به خدا و خویشان ستم می کنند و جان خود را از امنیت و حمایت حق دور می سازند و در آشفتگی و سرگردانی به سر می برند.

۳. شیوه های گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

اشاره

۳. شیوه های گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی زیبا می فرماید:

چون آدمی صبح کند، همه اندام ها در برابر زبان کرنش می کنند و [با خواهش و التماس] می گویند: تقوای الهی را درباره ما رعایت کن؛ زیرا ما به تو بستگی داریم: اگر راست باشی، راست هستیم و اگر کج شوی، ما نیز کج می شویم. (۱)

این سخن پیامبر، نقش محوری زبان را در خوبی و بدی نشان می دهد. کنترل زبان یا استفاده درست از آن، سبب سالم سازی شخص و اجتماع خواهد شد. پیامبر بزرگوار اسلام، شیوایی زبان را سرمایه آدمی می دانست (۲) و خود، از این سرمایه زیبا استفاده کرده و مجموعه ای گران بها از شیوه های گفتاری خود در زمینه امر به معروف و نهی از منکر را برای ما به یادگار گذاشته است که در این مجال، شیوه های گفتاری آن حضرت را بررسی می کنیم:

۱- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۱۲، ح ۱۸۱۷۳.

۲- میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۳۱۲، ح ۱۸۱۷۳.

الف) پند بجا

الف) پند بجا

زیباترین پند و اندرزها اگر بجا نباشد، مؤثر نیست و نتیجه ای معکوس خواهد داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نخست فرصت ها را بررسی می کرد و به تناسب مخاطب، زمان، موقعیت مکانی و اهمیت موضوع، یارانش را به صورت عمومی یا خصوصی پند می داد. نقل است روزی آن حضرت از کنار جمعی می گذشت که در حال بلند کردن سنگی بودند. جلو رفت و از آنها پرسید: «این چه کاری است؟» آنها گفتند: می خواهیم بدانیم کدام یک از ما قوی تر و تواناتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را به قوی ترین شما خبر ندهم؟» گفتند: ما را آگاه ساز ای رسول خدا! پیامبر فرمود:

محکم ترین و قوی ترین شما کسی است که چون خشنود شود، خشنودی اش او را به گناه نکشاند؛ چون خشم کند، از حق بیرون نرود و چون قدرت و حکومت یابد، به چیزی که حق نیست، اقدام نکند. (۱)

شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر بدعت ها، تذکر عمومی به همه مسلمانان بود. آن حضرت نخست با رفتار خویش توجه همگان را جلب می کرد و سپس سخن خود را شفاف و رسا برای آنها بیان می فرمود. (۲) آن حضرت وقتی با شخصی گناهکار روبه رو می شد، وی را به صورت عمومی پند می داد و با این عمل از او می خواست گناهان خود را پنهان دارد و می فرمود: «اگر گناهانتان

۱- معانی الاخبار، ص ۳۶۶، ح ۱.

۲- نک: تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۶۹، ح ۲۲۶.

برای ما آشکار شود، مجازات الهی را درباره گناهکار اجرا خواهیم کرد.»^(۱) البته در برخی موارد نیز به صورت خصوصی افراد را پند می داد و به آنان سفارش می کرد گناهانشان را پنهان سازند.^(۲)

در حقیقت، رسول گرامی اسلام با سفارش به پنهان کردن گناهان، از انتشار زشتی ها جلوگیری و اصحاب خویش را به خطاپوشی تشویق می کرد و برای گسترش این امر از هر فرصتی بهره می گرفت.^(۳)

پیامبر خدا از هر فرصتی برای تبلیغ معروف استفاده می کرد و چنانچه شخصی خواهان اندرز بود، او را با پندی نیکو راهنمایی می کرد. روزی بادیه نشینی نزد آن حضرت آمد و گفت: راه های (احکام) اسلام بر من بسیار است. نکته ای را بگوئید که به همان چنگ زنم! پیامبر فرمود: «همواره زبانت را با یاد خدا خرم و تازه گردان.»^(۴)

در حقیقت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله چون پزشکی ماهر، برای بیمارش بهترین دارو را تجویز می کند تا با رعایت آن، در زمره بهترین مسلمانان درآید.

(ب) پند رسا؛ تذکر مستقیم

(ب) پند رسا؛ تذکر مستقیم

خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید:

۱- نك: مالك بن انس، الموطأ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ هـ. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲- مالك بن انس، الموطأ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ هـ. ق، چ ۱، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۴۵۴، ح ۱۵۴۹۴.

۴- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۴۶، ح ۳۷۹۳.

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا. (نساء: ۶۳)

پس، از آنان روی برتاب، و [لی] پندشان ده و با آنها سخنی رسا بگو که در دلشان [مؤثر] افتد.

تذکر زبانی، وظیفه عمومی همه مسلمانان در امر به معروف و نهی از منکر است و اگر این فرهنگ همگانی شود، آمار گناهان به شدت کاهش می یابد و عطر پاک خوبی در جامعه پراکنده می شود، ولی کوتاهی دین مداران، عرصه را برای جولان ناپاکان جامعه فراهم کرده است و امروزه تذکر زبانی، کاری بسیار دشوار به شمار می رود. البته برای شکستن جو ناپاکان، باید حرکت عمومی تذکر زبانی آغاز شود و تذکر چند نفر محدود، فقط برای پاداش اخروی آنان سودمند است و جامعه از پند ایشان سودی نخواهد برد. رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست فرهنگ بی توجهی به منکر را زشت جلوه دهد و فرهنگ منکرزدایی را گسترش دهد. آن حضرت از همان دوران کودکی تذکر دادن مستقیم به خطاکاران را وظیفه خود می دانست، به گونه ای که در کودکی برای عوض کردن لباسش هنگام استراحت، به عمویش ابوطالب فرمود: «عمو جان، صورتت را برگردان تا لباسم را در آورم و به بستر روم!» (۱) این تذکر کودکانه ولی زیبا، چنان برای ابوطالب شیرین و اثرگذار بود که آن را برای برادرش عباس نیز تعریف کرد.

در تذکرهای پیامبر گرامی اسلام دو عنصر رسایی و مؤثر بودن نهفته است.

برای نمونه، روزی آن حضرت مردی از طایفه «فهد» را دید که غلام خود را می زد و غلام نیز به خدا پناه می برد، ولی آن مرد همچنان به کتک زدن ادامه می داد. ناگاه چشم غلام به پیامبر افتاد و گفت: به محمد صلی الله علیه و آله پناه می برم! مرد غلام را رها کرد و دیگر وی را کتک نزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن گاه که به خدا پناه می برد، تو او را می زدی، ولی وقتی به محمد پناه آورد، از او دست برداشتی! کسی که به خدا پناهنده شود، از کسی که به محمد پناهنده شود، سزاوارتر است به پناه یافتن!» مرد گفت: او را برای رضای خدا آزاد کردم! حضرت فرمود: «سوگند به کسی که مرا به رسالت فرستاد! اگر آن عمل خود را با این کار جبران نمی کردی، به رو در آتش می افتادی.» (۱)

در روایتی دیگر آمده است، روزی ابوذر مردی را به دلیل سیاه بودنش سرزنش کرد و گفت: ای پسر زن سیاه! (چون مادر او کنیزی سیاه چهره بود) رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید و فرمود: «ای ابوذر! او را به مادرش سرزنش می کنی؟! ابوذر سر و صورت خود را از شرم و به نشانه توبه به خاک مالید تا آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از او راضی شد.» (۲)

این دو روایت میزان اثرگذاری سخن پیامبر را به خوبی نشان می دهد. ابوذر، یار نیکوی پیامبر، پیشانی بر خاک می سایید تا نشان دهد اهل غرور نیست، بلکه از روی بی توجهی و فراموشی سخن نادرست گفته است و پیامبر

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۳، ح ۱۵.

۲- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۱۱، ح ۲۸.

نیز عذر او را می پذیرد و از او خشنود می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر غیبت، بخل و دیگر زشتی ها، با تذکر رسا و بجای خود، یارانش را آگاه و از ورود آنان به عرصه گناه جلوگیری می کرد. (۱)

ج) پند هنرمندانه

ج) پند هنرمندانه

استفاده از بیان هنری و تصویرسازی «زیبایی ها» و «زشتی ها»، از روش های گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. جابر بن عبدالله انصاری، شیوه پیامبر در معرفی دنیا را چنین بازگو می کند:

پیامبر خدا از یکی از مناطق بالادست مدینه به بازار آمد و در حالی که مردم او را در میان گرفته بودند، بر لاشه بزغاله گوش بریده ای گذشت. آن را برداشت و گوشش را گرفت و فرمود: «کدام یک از شما دوست دارد که این، به یک درهم از آن او باشد؟» گفتند: به هیچ مبلغی دوست نداریم مال ما باشد. با آن چه کنیم؟! پیامبر فرمود: «دوست دارید به طور [رایگان] از آن شما باشد؟» گفتند: به خدا سوگند، اگر زنده نیز بود، چون گوش بریده است، معیوب بود [و آن را نمی خواستیم]، چه رسد به اینکه مرده است! حضرت رسول فرمود: «فَوَاللَّهِ لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا عَلَيكُمْ؛ به خدا سوگند که دنیا در نزد خدا، بی ارزش تر از این [لاشه] در نزد شماست». (۲)

۱- نک: میزان الحکمه، ج ۹، ص ۴۴۶۸، ح ۱۵۵۳۲؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، ج ۲، ص ۱۷، ص ۳۴۰.

۲- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۱۱.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای نشان دادن ویژگی های دنیا از تمثیل های گوناگونی استفاده کرده و دنیا را به مار، سُیم لاشه، خوراک، دام و تله و مانند آن تشبیه کرده است که هر یک ظرافت ویژه خود را دارد.

رسول گرامی اسلام گاه منکری را می دید، ولی خطاکار را به گونه ای آگاه می کرد که زشتی رفتارش را دریابد. برای نمونه، روزی آن حضرت گروهی را دید که برهنه استحمام می کردند، بدون اینکه لنگی بسته باشند. پس ایستاد و با صدایی رسا فرمود: «چرا برای خدا تعظیمی قائل نمی شوید.»^(۱) در حقیقت، پیامبر با این سخن به آنان فهماند که رفتار آنان، کوچک شمردن خداوند است و آنان که خدا را با عظمت می دانند، همواره خود را در محضر او و نگاه خدا را ناظر خود می بینند. از این رو، از خدا شرم می کنند.

باور به روز واپسین، مهر و عدالت را گسترش و فراموشی قیامت، گناهان را افزایش می دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آنکه نزدیکی قیامت را به مردم گوشزد کند، صدایش را بلند می کرد و صورتش سرخ می شد و با نشان دادن دو انگشت در کنار هم می فرمود: «[فاصله زمانی میان] برانگیخته شدن من و قیامت، مانند این دو انگشت است.»^(۲)

در حقیقت پیامبر از فراز و فرود صدا، رنگ چهره و حرکات انگشت دست استفاده می کند تا درستی و نزدیکی قیامت را برای مردم بازگو می کند.

۱- عبدالرزاق صنعانی، المصنف، المجلس الاعلمی، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱۱۰۲.

۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۶، ح ۶.

بی تردید، تجسم آن صحنه برای ما چندان آسان نیست، ولی برای آنان که در مجلس پیامبر حضور داشتند، بسیار اثرگذار بوده است.

بی شک کوچک شمردن گناه، سبب پدید آمدن گناهان بزرگ تر خواهد شد و اگر فرد به مبارزه با گناهان خود نپردازد، از گناهان کبیره شکست خواهد خورد. نقل است روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیابانی خشک منزل کرد و به اصحاب فرمود هیزم بیاورند. اصحاب گفتند: یا رسول الله! چیزی در این زمین نیست. حضرت فرمود: «هرکس آنچه می تواند، بیاورد!» اصحاب پراکنده شدند و هرکس مقداری هیزم آورد و در برابر آن حضرت قرار دارد. آن گاه پیامبر فرمود: «گناه، این چنین جمع می شود! بترسید از گناهایی که به نظر کوچک می آیند، وقتی که همه آنها جمع و نوشته شوند».^(۱)

(د) تبیین علت

(د) تبیین علت

شناخت دلایل آموزه های دینی، از دیرباز برای مسلمانان اهمیت داشته است. از همین رو، برخی یاران ائمه علیهم السلام کتاب هایی در چرایی احکام دینی نگاشته اند.^(۲) شیخ صدوق، دانشمند شیعی قرن چهارم، در کتاب علل الشرایع خود، برخی از احادیث پیشوایان دینی را گرد آورده است تا حکمت مسائل دینی را نشان دهد.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۳.

۲- مانند: کتاب علل الحدیث، نوشته احمد بن محمد بن خالد؛ کتاب العلل، نوشته علی بن حسن بن علی الفضال و کتاب العلل، نوشته احمد بن محمد بن الحسین القمی: رجال النجاشی، صص ۷۶، ۸۹ و ۲۵۷.

تبیین درست یک حقیقت دینی، در بسیاری از موارد ما را از امر و نهی بی نیاز می کند؛ زیرا آدمی به ریشه های امرها و نهی های الهی پی می برد و خود، دست از کار ناشایست برمی دارد. البته مقصود ما از تبیین درست، کشف علت حقیقی دستوره های شرعی نیست؛ زیرا آموزه های دینی، تعبدی است و انسان خداپاور به همه آنها ایمان دارد؛ هر چند تبیین صحیح، بر ایمان او هم خواهد افزود.

رسول گرامی اسلام، گاه تذکر خود را با دلیل آن بیان می کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

روزی پیامبر بر عایشه وارد شد. خرده نانی بر روی زمین دید که نزدیک بود پای مال شود. حضرت آن را از زمین برداشت و خورد و فرمود: «ای حمیرا! نعمتی که رفت، به زودی بر نمی گردد. قدر آن را بدان و مراعات همسایگی آن را بکن».^(۱)

در برخی موارد نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله با رفتار عملی به دیگران تذکر می داد و دلیل آن را نیز تبیین می کرد.

هـ) گفتار نرم

هـ) گفتار نرم

خداوند در آیه ای از قرآن می فرماید:

اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ. (طه: ۴۳ و ۴۴)

به سوی فرعون روید که او به سرکشی برخاسته است و با او سخنی نرم گوید، شاید پند پذیرد یا بترسد.

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۶.

سفارش خداوند به نرم گویی در برابر فرعون، بیانگر اثرگذاری ژرف سخن نرم است؛ زیرا فرعون، مظهر سرکشی است، ولی ممکن است سخن نرم در وی مؤثر افتد و پند گیرد یا دست کم بترسد و از توطئه چینی دست بردارد. گفتنی است نرم گفتن با سست گفتن، متفاوت است. برخی مفسران «قول لین» را صدا کردن فرعون با کنیه اش دانسته اند که نشانه احترام است. به هر ترتیب، انسان موفق کسی است که محکم ترین سخنان را با نرم ترین واژه ها درهم آمیزد و گفته خود را ثابت کند. (۱)

شیوه سخن گفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله که از هر گونه درشتی دور بود، سبب شد، مردم بدون هیچ هراسی پرسش های گوناگون خود را از پیامبر بزرگوار بپرسند و آن حضرت نیز به زیبایی به آنها پاسخ گوید. برای مثال، ابوامامه می گوید:

روزی جوانی نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر! اجازه بده زنا کنم! مردم به سویش هجوم آوردند و کتکش زدند و گفتند: ساکت شو! پیامبر فرمود: «او را نزدیک بیاورید!» جوان به پیامبر نزدیک شد و نشست. رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا این عمل را برای مادرت می پسندی؟» جوان گفت: نه به خدا! جانم به فدایت! حضرت رسول فرمود: «مردم نیز این عمل را برای مادران خود نمی پسندند.» [سپس] فرمود: «آیا این عمل را برای دختری می پسندی؟» جوان گفت: نه به خدا، ای پیامبر خدا، جانم فدایت! پیامبر فرمود: «مردم نیز این عمل را برای دختران خود نمی پسندند.» [سپس] رسول گرامی اسلام فرمود: «آیا این عمل را برای خواهرت می پسندی؟» جوان پاسخ منفی داد. پیامبر فرمود: «مردم نیز این عمل را برای خواهران خود

نمی پسندند...». آن گاه پیامبر خدا، دستش را بر سر آن جوان نهاد و فرمود: «بار خدایا! گناهش را ببخش و دلش را پاکیزه گردان و به وی پاک دامنی ده!». از آن پس، آن جوان هرگز سراغ کار [خلاف] نرفت. (۱)

(و) تذکر اشاره ای

(و) تذکر اشاره ای

یکی از روش های گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله، پوشیده و با اشاره سخن گفتن بود. این شیوه آن گاه کاربرد دارد که شخص مقابل، از استعداد خوبی برخوردار باشد و با همان اشاره راه خود را بیابد. در این صورت، آبروی وی نیز حفظ خواهد شد؛ زیرا اشتباه او آشکارا بیان نشده است.

نقل است، روزی یکی از اصحاب پیامبر خدا که فقیر و پریشان حال بود، به اصرار همسرش خدمت آن حضرت آمد تا از ایشان کمکی دریافت کند. پیامبر تا او را دید، فرمود: «هر که از ما چیزی بخواهد، به او می دهیم و هر کس خود را بی نیاز کند، خداوند او را بی نیاز می کند.» مرد با شنیدن این سخن پیامبر به خانه بازگشت و ماجرا را به همسرش گفت. زن گفت: پیامبر، انسان است و از حال و نیت تو خبر ندارد. برو و او را از نیازت آگاه کن! مرد بازگشت و دوباره همان جمله را از پیامبر شنید و تا سه بار این ماجرا تکرار شد. سرانجام مرد به دنبال کاری رفت و به تدریج ثروتی اندوخت. آن گاه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و شرح حال خود را باز گفت. پیامبر فرمود: «به تو گفته بودم هر کس از ما چیزی بخواهد، به او می دهیم، ولی هر که نخواهد و خودداری

کند، خدا او را بی نیاز می گرداند»^(۱).

در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این روش، او را از زشتی گدایی آگاه کرد و روح بی نیازی، عزت نفس و بزرگ منشی را به عنوان صفتی معروف و زیبا در وجودش نهادینه ساخت.

(ز) معرفی جای گزین

(ز) معرفی جای گزین

یکی از مشکلات و موانع نهی از منکر، به بن بست رسیدن فرد خطاکار است؛ زیرا فرد خطاپیشه مدت ها با رفتاری ناپسند مأنوس شده و اینک، برای بازداشتن او از زشتی ها، به راهکاری نیاز است تا جای گزین انس پیشین شود. با اندکی بررسی می توان برخی از این راهکارهای جای گزین را در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله دید. بر این اساس، می توان در کنار زدودن زشتی ها، به فکر جای گزین بود. البته یافتن جای گزین باید با معیارهای آگاهانه صورت گیرد و نمی توان به هر بهانه، ارزش های اسلامی را فراموش کرد و خواست زمانه را به عنوان دین پذیرفت.

نقل است روزی بلال، صحابی و مؤذن پیامبر خدا، برای آن حضرت خرمای برنی آورد. پیامبر فرمود: «از کجا آورده ای؟» بلال گفت: خرمای نامرغوبی داشتیم، هر دو پیمانۀ خرما را در برابر یک پیمانۀ خرمای خوب عوض کردم. پیامبر فرمود: «این کار، همان رباست. این کار را نکن، ولی اگر خواستی

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۷.

خرمای خوبی بخری، نخست در معامله ای خرمای بد را بفروش و سپس با معامله ای دیگر، خرمای خوب بخر»^(۱).

در روایتی دیگر آمده است پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به مردی که برای عبادت به بالای کوه رفته و ترک دنیا کرده بود، تذکر داد آن کار را رها کند و سپس فرمود: «همانا صبر شما در برخی امور و دستوره‌های اسلام، از عبادت چهل سالتان بهتر است»^(۲) و با این تذکر به او فهماند برای تقرب به بارگاه الهی، زندگی در میان جمع و صبر کردن، بهترین جای گزین رهبانیت و گوشه گیری از خلق است.

ح) یادآوری زیبایی‌ها

ح) یادآوری زیبایی‌ها

هر انحرافی نشانه بی دینی نیست، بلکه تکرار برخی لغزش‌ها به انحراف می انجامد. یادآوری زیبایی‌ها و پاداش اخروی ترک گناه، راهکار خوبی برای زدودن غبار غفلت از جان آدمی است؛ زیرا انسان با این روش، به دورانی بازمی گردد که برایش آشنا و لذت بخش است. بنابراین، اگر کودک و نوجوان در دوران طراوت و شادابی، لذت انس با قرآن و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام را چشیده باشند و پس از آن بر اثر شرایط اجتماعی، راه نادرستی را برگزینند، به توبه و بازگشتشان امید بیشتری است و با تابیدن نور مقدسات به دلشان، میل

۱- صحیح بخاری، ج ۳، صص ۶۴ و ۶۵.

۲- محجه البیضاء، ج ۴، ص ۷.

به آموزه های دینی در وجودشان زنده می شود.

نقل است پیامبر گرامی اسلام در روز عید قربان، فضل بن عباس را پشت سر خود سوار کرد. در میان راه به مردم برخورد و برای پاسخ گویی به پرسش هایشان ایستاد. زنی زیبا از قبیله «خَنُعم» نزد پیامبر آمد تا از ایشان سؤالی کند. فضل از زیبایی زن خوشش آمد، به گونه ای که پیوسته به وی نگاه می کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه شد و به فضل نگریست، ولی وی همچنان به زن نگاه می کرد. آن گاه حضرت با دست خود، چانه فضل را گرفت و صورتش را به طرف دیگر چرخاند. (۱)

همچنین، نقل شده است وقتی پیامبر از پاسخ به پرسش ها فارغ شد، به فضل فرمود:

آیا نمی دانی این روزها، روزهای ویژه ای هستند که هیچ مردی در این روزها چشم و زبان و دست خود را [از حرام] باز نمی دارد، مگر آنکه خداوند همانند پاداش حج سال آینده را برایش می نویسد. (۲)

در برخی دیگر از کتاب های حدیثی، زمان این ماجرا شب یا روز عرفه بیان شده و سخن پیامبر را نیز چنین گزارش کرده اند: «همانا امروز روزی است که هر که چشم و زبانش را نگه دارد، آمرزیده می شود». (۳)

۱- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۳۰۰، ح ۵۸۷۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸.

۳- نک: مسند احمد، ج ۱، ص ۳۵۶؛ معجم الکبیر، ج ۲۱، ص ۱۷۹ و ج ۱۸، ص ۲۸۹.

آنچه در گزارش های گوناگون آمده است، تذکر پیامبر به ایام ویژه و پاداش ترک گناه در این ایام است که بسیار فراتر از لذت آنی گناه است.

(ط) مناظره

(ط) مناظره

«معروف» و «منکر»، همیشه امری ساده و شناخته شده نیست، بلکه ممکن است بر اثر مرور زمان «معروفی» منکر و «منکری» معروف دانسته شود. در این شرایط، وظیفه دانشمندان دینی است که با محوریت قرآن، حقیقت «معروف» و «منکر» را به مردم بشناسانند و طبیعی است که برخی خطاکاران با استدلال های خود، در برابر آنان ایستادگی می کنند. برای مثال، «قمه زدن» در عزای سالار شهیدان «معروف» است یا «منکر»، دروغ مصلحتی «معروف» است یا «منکر»؟ بی تردید، این مباحث به گفت و گویی آگاهانه نیاز دارد تا «معروف» بازشناخته شود. برای نمونه، ممکن است برای برخی این سؤال پیش آید که آیا می توان در امور دینی مناظره کرد یا دین، از بحث و جدل نهی کرده است؟ نقل است همین پرسش نزد امام صادق علیه السلام مطرح شد و برخی گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه از آن نهی کرده اند، ولی امام صادق علیه السلام فرمود: «به طور مطلق نهی نشده است، بلکه مسلمان از جدال غیرنیکو نهی شده است. آیا سخن خدا را نشنیده اید که می فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (عنکبوت: ۴۶)

مردی با شنیدن سخن امام صادق علیه السلام برخاست و گفت: ای پسر رسول خدا! آیا پیامبر، خود، جدال نکرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «در باره رسول خدا صلی الله علیه و آله هر چه خواهی بیندیش، ولی گمان مخالفت با خدا به او مبر، مگر خدا

به او امر نکرد: «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل: ۱۲۵)

حضرت امام صادق علیه السلام در ادامه می افزاید: «پدرم امام باقر علیه السلام از جدم امام سجاد علیه السلام و او از حسین بن علی و او از پدرش امیر مؤمنان، علی علیه السلام، نقل کرده است که روزی پیروان پنج دین (یهودیان، نصرانیان، دهریان، دوگانه پرستان و مشرکان عرب) نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمع شدند. پیامبر با آنها به مناظره طولانی پرداخت».

سپس امام صادق علیه السلام به بیان سخنان آنان و پاسخ های پیامبر پرداخت و در پایان فرمود: «سوگند به آن که پیامبر را برانگیخت، سه روز بیش نگذشت. آن گروه که بیست و پنج نفر بودند، خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و اسلام آوردند».^(۱)

۴. رابطه شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

۴. رابطه شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

با بررسی شیوه های رفتاری و گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله، همسانی این دو شیوه نمایان می شود و البته شاید مهم ترین عامل موفقیت پیامبر خدا در گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، همسانی سخن و رفتار ایشان بود. مردم می دانستند رسول خدا صلی الله علیه و آله راه پیش رو را زودتر پیموده است. از این رو، با آسودگی خیال در آن راه گام می گذاشتند. برای نمونه، اگر پیامبر به دیگران تذکر می داد، انتقاد و نظر دیگران را نیز با اشتیاق می شنید و سخن نیکو را می پذیرفت.

۱- امر به معروف و نهی از منکر: دو فریضه برتر، ص ۹۸.

نقل است روزی عبدالله بن ابی امیّه، برادر ام سلمه، یکی از همسران پیامبر برای استقبال از رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه خارج شد و به محضر آن حضرت رسید و سلام کرد. پیامبر پاسخ سلامش را نداد و به او توجهی نکرد. ام سلمه واسطه شد. سپس پیامبر فرمود: «ای ام سلمه! برادر تو به گونه ای مرا تکذیب کرد که هیچ کس با من این گونه رفتار نکرد. او پیش از هجرت به من گفت: تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد...» (۱). ام سلمه گفت: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! آیا شما نفرمودید اسلام آوردن، [گناهان و کفر] پیشین را محو و نابود می کند؟ پس رسول اکرم صلی الله علیه و آله شفاعت ام سلمه درباره برادرش و اسلام آوردن او را پذیرفت. (۲) در این ماجرا، ام سلمه به سخن خود حضرت استناد می کند و پیامبر نیز تذکر نیکوی او را می پذیرد.

اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله، احترام به حدود الهی و پافشاری بر حق را از رفتار آن حضرت آموختند. نقل است در یکی از نبردها، ابن جثامه، یکی از صحابه پیامبر بر فردی از دشمن حمله کرد. سرباز دشمن که ترسیده بود، گفت: من مسلمانم. ابن جثامه توجهی نکرد و او را از پای در آورد. پس از این ماجرا طایفه سرباز کشته شده که مسلمان شده بودند، نزد پیامبر آمدند و گفتند: ای رسول خدا! ابن جثامه، دوست ما را در حالی که مسلمان شده بود، کشت.

۱- نک: اسراء: ۹۰-۹۳.

۲- بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۱۴.

پیامبر خدا از ابن جثامه پرسید: «پس از آنکه گفت مسلمانم، او را کشتی؟» ابن جثامه گفت: ای رسول خدا! به خاطر پناه جستن این سخن را گفت. حضرت فرمود: «دلش را شکافتی و این نکته را فهمیدی...؟» سپس افزود: «من به کتاب خدا حکم می‌کنم. برای قصاص بنشین!» که خانواده مقتول با گرفتن دو برابر دیه، از قصاص چشم پوشیدند. در این ماجرا شدت حق مداری رسول خدا آشکارا مشهود است.

استاد مطهری رحمه الله، گسترش امر به معروف و نهی از منکر را نتیجه الگوی عملی می‌دانست و بر این باور بود که پیشتازی پیامبر اسلام در همه زمینه‌ها، عامل موفقیت آن بزرگوار بوده است. در کتاب حماسه حسینی می‌خوانیم:

شما اگر بخواهید به شکل غیرمستقیم امر به معروف بکنید، یکی از راه‌های آن این است که خودتان صالح و باتقوا باشید، خودتان اهل عمل و تقوا باشید. وقتی خودتان این طور بودید، مجسمه‌ای خواهید بود از امر به معروف و نهی از منکر. هیچ چیز، بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد... انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند. آنچه می‌گویند، اول عمل می‌کنند، حتی این طور نیست که اول بگویند، بعد عمل کنند. اول عمل می‌کنند، بعد می‌گویند... هر مصلحی اول باید صالح باشد تا بتواند مصلح باشد... پیغمبر اسلام اگر در آنچه دستور می‌داد، اول خود پیش قدم نبود، محال بود دیگران [از او] پیروی کنند. (۱)

۱- نک: مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، صص ۱۰۶ - ۱۰۸.

۵. رابطه حکومت و نظارت همگانی

۵. رابطه حکومت و نظارت همگانی

حکومت و نظارت همگانی در مکتب اسلام، رابطه ای دو سویه دارند. از یک سو برای گسترش امر به معروف و نهی از منکر در برخی موارد، وجود حکومتی قدرتمند ضروری است و از دیگر سو نظارت همگانی باید حکومت و مسئولان را مهار کند تا سرکشی نکنند که در زندگانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هر دو رابطه تبیین شده است. برای نمونه، در زمان حیات آن حضرت، مردی به نام خزوم دخترش را به نکاح مردی در آورد. دختر که از رفتار پدر ناراضی بود، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد و پیامبر ازدواج را باطل اعلام کرد.^(۱)

در این حادثه، پیامبر اسلام از قدرت خود بهره برد و نظر پدر برای تزویج دختر را باطل و رد کرد و اگر قدرت آن حضرت نبود، فقط به سفارش و نصیحت بسنده می شد.

کتاب ارزشمند کافی، از کتاب های چهارگانه اصلی شیعه، بابی با عنوان «ما أمر النبی بالنصیحه لأئمة المسلمین» دارد که مضمون آن خیرخواهی برای رهبران مسلمان است. از آن جا که همگان در این مفهوم هم داستان نیستند، فقط به بیان نمونه هایی می پردازیم که نظارت مردم بر حکومت را تبیین می کند. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می فرماید:

۱- ۱. محمد رضا تویسرکانی، الگوی برتر، تهران، آرام دل، ۱۳۸۲، چ ۱، ص ۲۷۹.

سه چیز است که قلب بنده مسلمان به آنها خیانت نمی کند: پاکیزه کردن عمل برای خدا، نصیحت و خیرخواهی برای رهبران مسلمان و شرکت همیشگی در اجتماعات آنان. (۱)

در سخنی دیگر از پیامبر، خیرخواهی برای دیگر مسلمانان، (۲) وظیفه ای همگانی است. از این رو، باید رهبر و مسئولان جامعه اسلامی را نیز برای زدودن کاستی هایشان یاری داد. دین پژوه عصر مشروطیت، مرحوم آیت الله نائینی، از دانشمندانی بود که نصیحت را به معنای خیرخواهی برای حاکم اسلامی لازم می دانست. ایشان معتقد بود:

اصل محاسبه و مراقبه آحاد ملت در صدر اسلام، به قدری مستحکم بود که مردم مسلمان، در جهت اعتراض به استفاده خلیفه از حله یمانی، در پاسخ فرمان جهاد او، فریاد «لا سمعا و لا طاعة» سر دادند و به او اعلام کردند «با شمشیر جلوی انحراف را خواهیم گرفت». (۳)

البته نصیحت کردن حاکم اسلامی شرایطی ویژه دارد و هرگونه اعتراض را نمی توان به عنوان نصیحت پذیرفت، بلکه اخلاص، رعایت جایگاه، تذکر خصوصی در مرحله نخست، آگاهی ناصح، روش درست و پرهیز از عیب جویی، از جمله شرایط نصیحت حاکم مسلمانان است.

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۸.

۲- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۹۸، ح ۱۵۴۰۷.

۳- نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق: سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، صص ۴۹ و ۵۰.

فصل سوم: نظارت رسمی نهادی

اشاره

فصل سوم: نظارت رسمی نهادی

هم چنان که گذشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله شخص معتمدی را همواره همراه لشکرهاى اعزامی می فرستاد تا عملکرد فرمانده را به آن حضرت گزارش کند و نیز از مردم درباره آنچه در جامعه رخ می داد، پرس و جو می کرد. نظارت پیامبر بسیار دقیق و موشکافانه بود. آن حضرت پس از باخبر شدن از ماجرا به بررسی می پرداخت و نظر خود را آشکارا بیان می کرد. در برخی موارد نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله با سرکشی به بازار، نبض اقتصادی دولت و چگونگی دادوستد را کنترل و دستورهای لازم برای تنظیم بازار را صادر می کرد. در حقیقت، نظارت رسول خدا صلی الله علیه و آله با اقدامات عملی متناسب با آن، همراه بود. اینک برخی از گزارش های نظارتی پیامبر را بررسی می کنیم.

۱. نظارت بر بازار

اشاره

۱. نظارت بر بازار

ماهیت بازار و ارزش ثروت، نزد بیشتر مردم، سبب وسوسه های شیطانی است و برای افزودن سود و پرهیز از زیان مالی، هرگونه راه نامشروعی، زیبا جلوه می کند و اگر نظارت درونی نباشد، کمتر کسی می تواند از این گرداب رهایی یابد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با گسترش نظارت همگانی و برانگیختن نظارت درونی توانست تا حدودی بازاریان را کنترل کند. البته وضع اقتصادی زمان پیامبر نیز

چندان مطلوب نبود، ولی برخی در همان جامعه، وضع مالی مناسبی داشتند و گروهی دیگر حتی خرماي روزانه خود را از راه کمک های مردمی تأمین می کردند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این شرایط مالی، نسبت به فریب کاری بازاریان، احتکار کالا و اختلال در تجارت سالم، نظارتی پی گیر داشت.

الف) فریب کاری بازاریان

الف) فریب کاری بازاریان

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بازار مدینه عبور می کرد. جنسی را در مغازه ای دید و فرمود: «طعام (گندم) نیکویی داری، قیمت آن چند است؟» در همین حال، خدای عزوجل به او وحی کرد: «زیر آن جنس را نیز ببین!» پیامبر جنس را زیر و رو کرد و جنس پستی بیرون آورد و فرمود: «تو در حق مسلمانان خیانت و غش (فریب) می کنی؟!»^(۱)

همچنین، نقل است روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فروشنده ای را دید که جنس خوب و بد را به هم آمیخته بود. از وی پرسید: «چرا این کار را کردی؟» گفت: می خواستم خرج شود. پیامبر فرمود: «هر کدام را جداگانه بفروش! در دین ما فریب نیست.»^(۲)

در زمان حیات پیامبر گرامی اسلام، عده ای نیز قصد فریب آن حضرت را داشتند. برای نمونه، پیامبر در یکی از بازرسی های خود، داخل انبوهی از گندم

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۱۶۱، ح ۷.

۲- کنز العمال، ج ۴، ص ۱۵۹، ح ۹۹۷۴.

دست برد و دریافت گندم های زیری مرطوب است. به فروشنده فرمود: «گندم ها چرا رطوبت دارد؟» فروشنده که گویی به فریب کاری عادت کرده بود، گفت: رطوبت باران است که از آسمان به آن رسیده. پیامبر خدا در پاسخ فرمود: «چرا گندم های باران خورده را روی گندم ها نگذاشتی تا مردم ببینند. هر که دیگران را فریب دهد، از ما نیست».(۱)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فریب کاران بازاری را به یهودیان تشبیه کرده است؛(۲) زیرا یهودیان بیش از همه در فکر اغفال و خیانت مسلمانان بودند. چنین تشبیهی با توجه به پیشینه مسلمانان از دشمنی یهود با اسلام، نوعی ترور شخصیتی این گروه به شمار می رود.

ب) محتکران

ب) محتکران

محتکران، اجناس مورد نیاز مردم را انبار می کنند تا خود، قیمت بازار را تعیین کنند و سود فراوانی از این راه به دست آورند. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم خود به احتکار نظارت پی گیر داشت و هم نسبت به گزارش های مردمی واکنش نشان می داد. نقل است مردی به نام حکیم بن حزام در میان قریش بود که هرگاه حبوبات (گندم و...) وارد مدینه می شد، همه را یک جا می خرید. روزی پیامبر خدا بر او گذشت و فرمود: «ای حکیم از احتکار

۱- سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۸۹، ح ۱۳۲۹.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۳، ح ۳۹۷۸.

کردن طعام پرهیز! (۱) بی تردید، این دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط پند و اندرز نبود، بلکه راهکار رئیس حکومت بود و رأی ایشان باید اجرا می شد.

راهکار عمومی دیگر پیامبر اسلام برای مبارزه با احتکار این بود که فرمان داد اجناس محتکران به داخل بازار آورده شود و در برابر دید عموم قرار گیرد. (۲) امام صادق علیه السلام درباره نمونه ای از گزارش های مردمی به رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره احتکار کالا و واکنش ایشان می فرماید:

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله طعام (گندم و حبوبات) نایاب شد. مسلمانان خدمت پیامبر آمدند و گفتند: فقط فلان شخص طعام دارد و در بازار نایاب شده است. پیامبر فرمان داد همه آن اجناس فروخته شود و پس از حمد و ثنای خدا فرمود: «فلانی! مسلمانان می گویند طعام نایاب شده است، مگر مقداری که نزد توست. طعامت را بیرون بیاور و هرگونه می خواهی بفروش و حبس نکن». (۳)

همان گونه که در این روایت ها آمده است، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زمینه مبارزه با احتکار، فقط فرمان فروختن کالا را می داد و تعیین قیمت برعهده فروشنده بود. البته آوردن جنس به بازار، وظیفه حاکم است و او باید مراقب کمبود نیازمندی های مردم باشد.

ج) اختلال در نظام بازار

ج) اختلال در نظام بازار

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۷۷، ح ۱۵۳۴۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۹، ح ۲۲۹۱۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۹، ح ۲۲۹۱۶.

در زمان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، گروهی از مردم پیش از آمدن کاروان تجارتنی، به بیرون شهر می رفتند تا جنس را ارزان تر و بهتر خریداری کنند. همین کار سبب می شد کالای مورد نیاز مردم به بازارهای شهر وارد نشود و کسانی که برای استقبال کاروان به بیرون شهر رفته بودند، آن کالاها را با قیمت بیشتری به فروش برسانند. از این رو، پیامبر شخصی را مأمور کرد تا از فروختن جنس پیش از رسیدن به شهر، خودداری و کاروان تجارتنی را به محل ویژه داخل شهر راهنمایی کند. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با ممنوعیت فروش کالا- در خارج از شهر، فرصت تجاری یکسانی در اختیار همگان قرار می داد و از انباشت کالا نیز خودداری می کرد.

۲. نظارت بر لشکر

اشاره

۲. نظارت بر لشکر

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله، لشکریان از عمده ترین گروه هایی بودند که پیامبر آنها را به مأموریت های گوناگون می فرستاد و همواره گزارش های آنان به پیامبر می رسید و بر اساس همان خبرها تصمیم گیری می کرد. نمونه هایی از گزارش ناظران و واکنش پیامبر عبارتند از:

الف) پرداخت خسارت

الف) پرداخت خسارت

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۰.

خالد بن ولید، برای دعوت گروهی از افراد قبیله «بنی خزیمه» به اسلام، رهسپار شد. مردم سلاح‌ها را کنار نهادند و از وی استقبال کردند، ولی خالد عده زیادی را کشت. چون خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا! من از رفتار خالد بیزاری می‌جویم.» سپس امام علی علیه السلام را فرا خواند و به ایشان دستور داد به سوی مردم داغ‌دیده برود و سنت جاهلیت را زیر پا گذارد و دیه همه مقتولان را پردازد و خسارت‌های وارده را جبران کند. امام علی علیه السلام به منطقه آمد و پس از پرداخت خسارت فرمود: «آیا خسارت مالی یا جانی دیگری مانده است که پرداخت نکرده باشم؟» وقتی آنها پاسخ منفی دادند، حضرت علی علیه السلام باقی مانده پول‌ها را نیز تقسیم کرد و به خدمت رسول گرامی اسلام بازگشت و گزارش کار را برای آن حضرت بازگو کرد. پیامبر فرمود: «[کارت را] درست و نیکو انجام دادی.» سپس رو به قبله ایستاد و دستانش را بلند کرد و فرمود: «بارالها! من از آنچه خالد بن ولید به جای آورد بیزاری می‌جویم.» (۱)

(ب) سخت‌گیری در بیت المال

(ب) سخت‌گیری در بیت المال

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حفظ بیت المال بسیار سخت‌گیر و دقیق بود. نقل است در جنگ صفین، غنایم فراوانی به دست مسلمانان افتاد. (بیست و چهار

هزار شتر، چهل هزار گوسفند و چهار هزار اوقیه نقره، از جمله آنهاست. (۱) عقیل بن ابی طالب، سوزنی را بدون اجازه با خود برد. ناگهان شنید منادی ندا می دهد هر کس از غنایم چیزی برده است، حتی نخ و سوزنی برگرداند. وی سوزن را برگرداند. حضرت آن را گرفت و کنار دیگر غنایم گذاشت. آن گاه در کنار شتری ایستاد، از پشم شتر اندکی کند، آن را میان دو انگشت خود قرار داد و به مردم فرمود: «من از غنایم، حتی از این پشم فقط یک پنجم سهم دارم. خیانت، بر خیانت کار عار و ننگ و آتش است.» (۲)

در حکایتی دیگر آمده است، رسول خدا صلی الله علیه و آله در بالای جنازه یکی از یارانش که در جنگ کشته شده بود و همگان او را بهشتی می دانستند، ایستاد و با خشم فرمود: «نه هرگز! سوگند به خداوندی که جان محمد در دست اوست! روپوش او اکنون وی را در میان آتش شعله ور خود می سوزاند؛ زیرا آن روپوش را از بیت المال مسلمانان (بدون مقررات و اجازه موازین نظامی و رهبری) از روی خیانت برداشته و آن لباس را هم اکنون پوشیده است.» یکی از مسلمانان، هنگامی که این سخن را شنید و فهمید که خیانت به بیت المال چه کیفر سختی دارد، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: من دو عدد بند کفش را برخلاف مقررات از بیت المال برداشته ام. آیا همین مقدار نیز بازخواست و کیفر دارد؟ پیامبر در پاسخ فرمود: «آری،

۱- طبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۲۶.

۲- ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ ه. ق، ج ۴، ص ۹۲۹.

به اندازه همین مقدار برای تو آتش دوزخ فراهم شده است»^(۱).

ج) توجه به مصالح عمومی

ج) توجه به مصالح عمومی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام اعزام نیرو نیز به مصالح عمومی توجه داشت و به دلیل اهمیت جنگ، از توجه به این امر مهم غافل نمی شد. معاذ جهنی می گوید:

با پیامبر خدا در نبردی شرکت کردیم. سربازان در کاروان سراهای میان راه بیش از اندازه جا گرفتند و جا را برای دیگر مسافران تنگ کردند و راه را بستند، به گونه ای که عبور و مرور مختل شد. پیامبر منادی را فرستاد تا اعلام کند: کسی که راه را ببندد یا جایی را اشغال کند، از پاداش جهاد بهره مند نمی شود.^(۲)

راهکارهای دقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله، بیانگر نظارت فراگیر حضرت در همه امور زبردستان است، به گونه ای که نحوه استقرار لشکریان در استراحت گاه های میان راهی نیز به نظر ایشان مهم می نماید و در همان مدت اندک نیز نباید مصالح عمومی نادیده گرفته شود.

د) رعایت عواطف انسانی

د) رعایت عواطف انسانی

رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره بر امور لشکریان خود نظارت می کرد تا عواطف انسانی ایشان آسیب نبیند. از این رو، برخی رسوم قدیمی عرب مانند قطعه قطعه

۱- ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۸۰۲.

۲- سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۵۹۲.

کردن دشمنان را ممنوع اعلام کرد و برای آزادی اسیران، راه های گوناگونی پیشنهاد داد. برای مثال، در روز فتح مکه، سعد بن عباد، رئیس انصار، به ابوسفیان گفت: «الیوم یوم الملحمه الیوم تستحل الحرمه؛ امروز روز کشتن مردان و اسیری زنان و ذلت قریش است.» ابوسفیان خود را به پیامبر رساند و کلام سعد را نقل کرد و گفت: تو از همه مردم بهتر و نیکوتری و رحمت تو بیشتر است. پیامبر خدا که هراس ابوسفیان را دیده بود، رو به مردم کرد و فرمود: «امروز روز رحمت و روزی است که خداوند قریش را عزیز کرد.» آن گاه سعد را از فرماندهی سپاه مسلمانان بر کنار کرد و پرچم سپاه را از او گرفت. (۱)

۳. نظارت بر کارگزاران مالی

اشاره

۳. نظارت بر کارگزاران مالی

یکی از مواردی که پیامبر افزون بر نظارت، به حساب رسی دقیق درباره آن می پرداخت، کار مأموران جمع آوری مالیات بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کار آنان نظارت می کرد و چنانچه کوتاهی یا خطایی در کار آنها می دید، با آنها بسیار تند برخورد می کرد.

نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال نهم هجری، ابن اللیثیه را برای گردآوری زکات به سوی طایفه «بنی سلیم» فرستاد. پس از بازگشت، پیامبر او را برای حساب رسی فراخواند. او گفت: این زکات اموال شماست و این نیز

هدیه ای است که به من داده اند. پیامبر به او فرمود: «اگر راست می گویی، چرا در خانه پدرت نشستنی تا برای هدیه بیاورند.» سپس خطبه ای خواند و این موضوع را برای عموم آشکار کرد و پس از حمد و ستایش خداوند فرمود: «من مردی را برای کاری می فرستم، ولی او می آید و می گوید: این اموال شماست و این هم هدیه ای است که به من داده اند. پس اگر راست می گوید، چرا در خانه پدر و مادرش نمی نشیند تا برایش هدیه بیاورند؟! به خدا سوگند! هیچ کس از زکات، به ناحق برنگیرد، مگر آنکه در روز قیامت آن را بر گردن خود داشته باشد.» (۱)

خلاصه سخن

خلاصه سخن

در این فرصت کوتاه، فقط نمونه هایی از نظارت رسمی رسول خدا صلی الله علیه و آله بررسی شد، ولی مقایسه این مطالب با فصل نظارت همگانی نشان می دهد، پیامبر خدا در برخورد و اصلاح عمومی بسیار آسان گیر بود و با نرمی و عطف رفتار می کرد، ولی در برابر خطاهای مسئولان و کارگزاران حکومتی بسیار سخت گیر و نکته سنج بود.

فصل چهارم: امر به معروف و رسانه

اشاره

فصل چهارم: امر به معروف و رسانه

حساس ترین موضوع این پژوهش، رابطه رسانه و موضوع نظارت همگانی است. حال این پرسش ها مطرح است که آیا رسانه در برابر این موضوع وظیفه ای دارد؟ آیا شیوه نظارتی رسول خدا صلی الله علیه و آله امروزه نیز سودمند و کاربردی است؟ شیوه های کاربردی کردن آن در رسانه چگونه است؟ و پرسش های بسیار دیگر.

برای پاسخ دادن به این پرسش ها به پژوهش های تخصصی نیاز است؛ یعنی از یک سو باید رسانه شناخته شود و از دگر سو گزاره های دینی مناسب انتخاب شوند؛ زیرا سخن یک سویه، فقط ارزش نصیحت و سفارش دارد و آنانی که از این تذکر روی برمی تابند، همیشه بی دلیل نیستند.

در این نوشتار فقط به پاسخ های کلی و در برخی موارد نمونه های کوچک اشاره می کنیم و سخن تخصصی، با نشست های مستمر میان رشته ای امکان پذیر است.

در پاسخ پرسش نخست باید گفت امر به معروف، واجب شرعی است و مسئولان رسانه نیز به حکم مسلمان بودن وظیفه دارند از این واجب دینی پاسداری کنند و بنابر فتوای رهبر معظم انقلاب برای گسترش آن بکوشند.

دومین پرسش، پاسخی عملی دارد؛ یعنی شیوه نظارتی پیامبر اسلام برای ما کاربردی است. همان گونه که در فصل اول به پژوهش های مایکل کوک اشاره کردیم، جهان امروز، از نبودن نظارت همگانی رنج می برد و تنها آیینی که دستور نظارت همگانی دارد، دین اسلام و فرهنگ بالنده امر به معروف و نهی از منکر است.

برای تبیین پاسخ علمی به این پرسش نیز تحقیقات میدانی در جوامع غربی و جوامع دینی و بررسی پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر اهمیت دارد. چنانچه تهیه کننده و کارگردان معتقدی بتواند با تهیه گزارش های مستند و خبری، پی آمدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر را نشان دهد، بسیار شایسته و مفید خواهد بود.

و اما پرسش سوم، شیوه های کاربردی کردن این امر در رسانه است. برای پاسخ به این پرسش به پاسخ مرحله ای نیازمندیم. در مرحله نخست، گسترش این شیوه در رسانه های گوناگون متفاوت است؛ زیرا برخی نمونه های اثرگذار را به دلیل حفظ حرمت عمومی نمی توان در رسانه عمومی منتشر کرد، ولی می توان در رسانه های اختصاصی یا برای برنامه سازان بازگو کرد.

مرحله دوم، چنانچه رسانه بخواهد شیوه های کاربردی رسول خدا صلی الله علیه و آله را رسانه ای کند، می تواند از شیوه های رفتاری آن حضرت در فصل دوم این تحقیق بهره گیرد و نمونه های رفتاری را به صورت نمایش های زیبا به تصویر کشد یا با ساختن کلیپ های مناسب، در فرصت های پریننده ارائه کند.

مرحله سوم، نظریه پردازی درباره امر به معروف و رسانه است. براساس این نظریه، رسانه، خود، امر به معروف و ناهی از منکر است. بنابراین، باید همه شرایط امر و ناهی را دارا باشد و اگر چنین نیست، به سوی آن گام بردارد.

اگر رسانه ملی امر به معروف باشد، باید معروف ها و منکرهای سطح جامعه را به خوبی بشناسد. برای نمونه، امروزه دروغ و ناسپاسی، دو منکر جامعه ما هستند. اگر بیماری و آفت جامعه درست تشخیص داده شود، درمان

آن آسان خواهد بود. بنابراین، تهیه فهرستی از ناشایستی های جامعه و اولویت بندی آنها بر اساس خطرهای پیش رو ضروری است.

نظریه رسانه امر به معروف و ناهی از منکر، از رسانه می خواهد به نکته محوری سفارش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توجه داشته باشد. در سیره پیامبر خدا، به کارگیری شیوه معروف در گسترش امر به معروف ضروری است. بنابراین، پس از شناسایی معروف ها و منکرها باید شیوه شناسی کنیم. برای زدودن دروغ از جامعه، بازگو کردن احادیث لازم است، ولی کافی نیست و باید برنامه هایی تولید شود که خردسالان و کودکان در مرحله نخست، زشتی دروغ را دریابند و با تحقق این امر، تذکرهای خالصانه و کودکانه آنان، زمینه پذیرش بزرگسالان را فراهم خواهد کرد.

نکته محوری دیگر که در پیش فرض های ما در امر به معروف و ناهی از منکر وجود دارد، حرمت انتشار گناه است. بنابراین، نباید خطای گناهکار به گونه ای در رسانه بازگو شود که ترویج گناه باشد.

سخن دیگر توجه به ویژگی های رسانه است. یکی از عوامل جذب بیننده در سینما و سیما، جذابیت است. نادیده گرفتن این عامل، موجب زشت جلوه دادن امر به معروف می شود. بنابراین، باید برنامه هایی تهیه شود که بیننده بیشتری را تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، اگر مجموعه های تلویزیونی پربیننده هستند، باید از این مجموعه ها برای گسترش فرهنگ امر به معروف استفاده کرد. البته القای غیرمستقیم بسیار بهتر و زیباتر است.

مجموعه «زیر تیغ»، از نمونه های زیبایی است که به خوبی زشتی خشم را به نمایش گذاشت. در روایت های اسلامی، خشم، مادر همه بدی ها معرفی شده

است، ولی چندین جلد کتاب نیز نمی توانست به خوبی این مجموعه، حقیقت خشم و پی آمد آن را نمایش دهد. ارزش های نیکوی دیگری چون جوان مردی، کمک به ستم دیدگان، پرهیز از سخن نابجا و مانند آن نیز می تواند در مجموعه های تلویزیونی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، برای حل همه مشکلات بزرگ جامعه می توان چنین مجموعه هایی تهیه کرد.

آمر به معروف و ناهی از منکر، باید همان گونه رفتار و عمل کند که خود، امر و نهی می کند و اگر رسانه را به عنوان آمر و ناهی در نظر بگیریم، هم افق بودن رسانه و آنچه می گوید، ضروری است. برای نمونه، وقتی در رسانه از متن یک سخنرانی استفاده می شود که در ارزش قناعت سخن می گوید و بلافاصله پانزده دقیقه پیام بازرگانی پخش می شود و در آن پیامی مانند «سلام سلام مادر جون، چی پخته ای برامون، برای شما فسنجون، اون یکی مرغ بریون، تو فر برا بچه ها گذاشته ام چند پیتزا» پخش می شود، به راستی کدام یک مؤثرتر است؟ در این موارد، مخاطب سردرگم، تناقض گویی رسانه را چگونه تحلیل کند؟!

با توجه به این امر، رسانه می تواند برای پخش پیام های بازرگانی معیارهای خود را افزایش دهد. برای مثال، از پخش کالاهای زیان بار و تجمل گرا پرهیزد یا برای زدودن دروغ از جامعه، نخست از خود شروع کند و فقط به پخش تمجیدهای مردم نپردازد.

راهکار دیگر رسانه برای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، مناظره های علمی دقیق و جنجالی با دو گرایش مخالف است؛ زیرا دین اسلام چنان استوار و محکم است که مطرح شدن اشکالات، خللی در آن ایجاد

نمی‌کند و شاید بتوان چرایی بحث امر به معروف و رسانه را در یک مناظره جذاب به نمایش درآورد. دانشمند دین پژوهی که از ارزش‌های امر به معروف دفاع می‌کند، در کنار دانشمندی که پیچیدگی جامعه امروز را مانع گسترش فرهنگ امر به معروف می‌داند، گفت و گو می‌کنند و آنچه مهم تر است، دیدن عملی پی‌آمد گفت و گویی کارشناسانه است. اگر پژوهشگر نتیجه عملی تحقیقات خود را ببیند، بی‌تردید بر پژوهش خود می‌افزاید و با مطالعه آسیب‌های آن، راهکارهای جای‌گزین را پیشنهاد می‌کند.

در سیره ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، به نکوداشت ارزش‌ها اهمیت ویژه‌ای داده شده است که متأسفانه در برنامه‌های رسانه به این موضوع، بسیار محدود پرداخته شده است و برنامه‌سازی در این زمینه فقط به چند برنامه ویژه مانند «چهره‌های ماندگار» خلاصه می‌شود، در حالی که برای فرهنگ شدن این مسائل به کار مداوم نیاز است. برای نمونه، ارزش کار، امروزه به ضد ارزش تبدیل شده است، به گونه‌ای که کار نکردن و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، نوعی هنر و زرنگی به شمار می‌رود. بنابراین، فرهنگ کار باید در جامعه به ارزش تبدیل شود و کم‌کاری، زشت و ناپسند شمرده شود. در فرهنگ مردمی که کار، ارزش باشد، دیر رفتن به سر کار و زود برگشتن، ناپسند و گناه است. حال آیا در فرهنگ ما چنین است؟

رسانه با برنامه‌ریزی درازمدت می‌تواند جایگاه مشاغلی چون پرستاری، خانه‌داری، آموزگاری، کارگری و کشاورزی را بسیار بالاتر از بازیگری معرفی کند. در این صورت، بازیگرانی ارزشمندند که در حرفه خود کارآمد باشند، نه بر اساس جذابیت‌های چهره، هنرمند معرفی شوند.

آفت رسانه در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، وجود بازیگرانی است که با ظاهر شدن در محافلی غیرشرعی و غیراخلاقی، چهره نیک رسانه ای خود را تخریب می کنند. مسئولان رسانه، با پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله باید با زیردستان خطاکار به شدت برخورد کنند و فقط به تذکر و نصیحت بسنده نکنند. پیام آور مهربانی ها در برابر همه مسلمانان، آسان گیر و با زیردستان و کارگزارانش مهربان، ولی سخت گیر بود تا جایگاه اسلام را نشان دهد.

آفت دیگر رسانه، به کارگیری کارشناسان مذهبی متوسط یا در برخی موارد ضعیف است. برای رسانه ای کردن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر پس از مشورت با کارشناسان مذهبی متوسط، باید نتیجه را به کارشناسان خبره عرضه کرد تا زیبایی معروف در جامعه نمایان شود. برای نمونه، در یک سلسله برنامه های منظم، خرافه زدایی از مراسم مذهبی هدف مند می شود، ولی با پخش مجموعه «صاحب دلان»، خواب و رؤیا اعتباری چون تفکر می یابد و انسان مؤمن مجموعه، به گونه ای رفتار می کند که گویا کودنی و زیربار حرف دیگران رفتن، ارزشمند است.

نکته پایانی

نکته پایانی

کارگردانان و تهیه کنندگان باید با مبانی دینی آشنا باشند. مراد از مبانی دینی، گذراندن دروس معارف اسلامی نیست، بلکه کارگردان موفق مسلمان، کسی است که مبانی دینی را به خوبی شناخته و پای بندی به مبانی دین، در برنامه های او نمایان باشد. برای نمونه، گزارش های شهید سیدمرتضی آوینی را با گزارش های گروه جنگ سیما مقایسه کنید. هنوز صدای گزارشگران رسانه ملی در ایام دفاع مقدس که خبر تصرف سرزمین دشمن و تعداد کشتگان عراقی را با نشاط و افتخار بیان می کردند، در گوشمان هست، در حالی که در هیچ یک از گزارش های شهید آوینی، تصویری از فتح خاک و جنازه دشمن دیده نمی شود؛ زیرا وی بر اساس مبانی خود، فتح سرزمین و بیان شمار کشته شدگان سپاه دشمن را افتخار نمی دانست. شهید آوینی، در جلوه های دفاع مقدس، زیبایی های ایثار، مهرورزی، نشاط ماندگار و صلابت ایمان را به تصویر کشیده که این رویکرد، کار او را ماندگار ساخت. راهش پررهرو باد.

خلاصه سخن

خلاصه سخن

رسانه می تواند در کوتاه مدت، مجموعه های زیبایی را بر اساس شیوه های رفتاری و گفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تهیه کند و در دراز مدت، به عنوان آمر به معروف و ناهی از منکر، به صورت تدریجی، منکر را شناسایی کند و زشتی آن

را به گونه ای غیرمستقیم به مردم نشان دهد.

کتاب در یک نگاه

کتاب در یک نگاه

نظارت، نگاهی دقیق و برنامه ریزی شده به صورت آگاهانه و عامدانه است و نگاه تصادفی بر فعالیت های یک مجموعه را نمی توان نظارت نامید.

وظیفه ناظر، مقایسه «بایدها» با «هست ها»، «مطلوب ها» با «موجودها» و «پیش بینی ها» با «عملکردها» است.

کار با برنامه، نیازمند نظارت است؛ زیرا خطا در انسان و ابزار، امری پذیرفتنی است.

در سیره و گفتار پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نظارت الهی، نظارت وجدانی، نظارت نهادی و نظارت همگانی برای پویایی جامعه ضروری است.

یکی از ویژگی های اسلام، نظارت درونی و خودکنترلی است که مؤثرترین گونه نظارتی است.

نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر، راهکار زیبایی است که همه مردم بدون آنکه به حریم خصوصی یکدیگر وارد شوند، نسبت به رفتار بیرونی همدیگر حساس هستند.

امر به معروف، کنشی برای گسترش «نیکی ها» و نهی از منکر، واکنشی در برابر «زشتی ها» است.

نهی از منکر نشانه دین داری و خردمندی است.

خوشی دائمی، در پرتو امر به معروف و نهی از منکر است و ترک آن، از بین رفتن نعمت‌ها و چیرگی بدان بر خوبان را در پی دارد.

ترس، دنیادوستی و مستی نادانی، از موانع گسترش امر به معروف و نهی از منکر است.

شیوه صحیح، تبیین قلمروها، منکرستیزی و گزینش ناظران دقیق، از قواعد کلی نظارت همگانی است.

کوشش و هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها ساختن جامعه‌ای «عاری از زشتی‌ها» نبود، بلکه افق دید آن حضرت جامعه‌ای سرشار از خوبی‌ها بود.

بسترسازی مناسب، تشویق و تنبیه، نکوداشت ارزش‌ها، آسان‌گیری، دل‌سوزی، کناره‌گیری، بی‌اعتنایی و تشویق معترض، از جمله شیوه‌های رفتاری رسول خدا در گسترش «نیکی‌ها» و بازداشتن از «بدی‌ها» بود.

فرصت‌شناسی تذکر، پند رسا، تذکر هنرمندانه، تبیین علت، گفتار نرم و تذکر اشاره‌ای، نمونه‌هایی از شیوه‌های گفتاری رسول خدا صلی الله علیه و آله در امر به معروف و نهی از منکر بود.

آسان‌گیری در برابر اشتباه‌های مردم عادی و سخت‌گیری در برابر خطای نزدیکان و کارگزاران نیز از دیگر شیوه‌های رفتاری پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در امر و نهی بود.

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲. آقا پیروز، علی و دیگران، مدیریت در اسلام، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بی تا.
۳. ابن الأثیر، النهایه فی غریب الحدیث (۵ جلد)، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۴. ابن الاخوه، محمد بن محمد بن احمد القرشی، معالم القریه فی احکام الحسبه، قاهره، مکتبه المتنبی، بی تا.
۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (۳ جلد)، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶ هـ . ق.
۶. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه (۲ جلد)، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۷. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب (۱۵ جلد)، قم، نشر أدب الحوزه، ۱۴۰۵ هـ . ق.
۸. ابوداوود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود (۴ جلد)، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ . ق.
۹. احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار صادر، چاپ اول، بی تا.
۱۰. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغه (۶ جلد)، قم، مکتبه الاعلام الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ . ق.
۱۱. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول (۳ جلد)، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ . ق.
۱۲. اسلامی، سیدحسن، امر به معروف و نهی از منکر، قم، نشر خرم، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۳. اصفهانی، راغب، مفردات غریب القرآن (۱ جلد)، دفتر نشر کتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ . ق.
۱۴. اعتصامی، پروین، دیوان کامل، به کوشش: رضا ابوطالب، انتشارات پیری، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، الادب المفرد، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه، چاپ سوم، ۱۴۰۹ هـ . ق.

۱۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری (۸ جلد)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ . ق.
۱۷. بیهقی، احمد بن الحسین، سنن الکبری (۱۰ جلد)، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۸. تویسرکانی، محمدرضا، الگوی برتر، تهران، آرام دل، ۱۳۸۲.
۱۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه (۶ جلد) ترجمه: احمد بن عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ هـ . ق.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، المستدرک علی الصحیحین، (۴ جلد)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ هـ . ق.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه (۳۰ جلد)، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ . ق.
۲۲. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
۲۳. حلبی، علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون (۳ جلد)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ هـ . ق.
۲۴. حمیری، ابن هشام، السیره النبویه (۴ جلد)، قاهره، مکتبه محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ هـ . ق.
۲۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ . ق.
۲۶. دارقطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ . ق.
۲۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲۸. راوندی، قطب الدین، النوادر، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۹. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمان بن أبی بکر، الدر المنثور (۸ جلد)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ . ق.
۳۱. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، احقاق الحق (۳۳ جلد)، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه، معانی الاخبار (۱ جلد)، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۳۳. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف عبدالرزاق (۱۱ جلد)، المجلس الاعلمی، بی تا.

٣٤. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير (٢٥ جلد)، قاهره، مکتبه ابن تیمیہ، چاپ دوم،

۳۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ ششم، ۱۳۹۲ ه. ق.

۳۶. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۱۰ جلد)، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه. ق.

۳۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (۸ جلد)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام (۱۰ جلد)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۳۹. فراهیدی، خلیل، العین (۸ جلد)، قم، دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه. ق.

۴۰. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، المحججه البیضاء (۸ جلد در ۴ مجلد)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ه. ق.

۴۱. قرطبی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی) (۲۰ جلد)، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.

۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی (۸ جلد)، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ه. ق.

۴۳. کوفی، ابن ابی شیبہ، المصنف، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه. ق.

۴۴. مالک بن انس، الموطأ (۲ جلد)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه. ق.

۴۵. مایکل کوک، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه: احمد نمایی، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۴۶. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال (۱۶ جلد)، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ ه. ق.

۴۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار (۱۱۰ جلد)، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه. ق.

۴۸. محمد بن سعد، الطبقات الکبری (۸ جلد)، بیروت، دار صادر، بی تا.

۴۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (۱۵ جلد)، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۵۰. مدنی بجستانی، محمود، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه برتر در سیره معصومین، قم، نشر معروف، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۵۱. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی (۳ جلد)، تهران، صدرا، چاپ بیستم، ۱۳۷۵.

۵۲. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، امتاع الاسماع (جلد ۱۴)، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه. ق.
۵۳. منذری، زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی، الترغیب و الترهیب (جلد ۴)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ق.
۵۴. «فلسفه نظارت»، منصورنژاد، محمد، فصل نامه حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۳، شماره پیاپی ۳۳.
۵۵. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور (جلد ۲۱)، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۵۶. _____، تحریر الوسیله (جلد ۲)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۵۷. نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تحقیق: سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۵۸. نمیری، عمر بن شبه، تاریخ المدینه (جلد ۴)، قم، دارالفکر، بی تا.
۵۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل (جلد ۱۸)، بیروت، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه. ق.
۶۰. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووی (جلد ۱۸)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
۶۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم (جلد ۸)، بیروت، دارالفکر، بی تا.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

